



عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق

نویسنده: حضرت آیت اللہ عسکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه
۱۰	فضیلت و شرافت ماه مبارک رمضان
۱۱	فصل اول: فضیلت ماه مبارک رمضان در خطبه رسول خدا صلی الله علیه وآله
۱۲	فصل دوم: روزه ندای الهی
۱۲	اشاره
۱۳	ندا
۲۰	فصل سوم: رمضان، ماه نزول قرآن
۲۰	اشاره
۲۱	۱. فضیلت قرآن
۲۲	۲. فضیلت قرائت قرآن
۲۲	۳. معجزه جاودان
۲۴	گواهی بیگانگان بر عظمت قرآن
۲۷	فصل چهارم: قرآن، کتاب زندگی
۲۷	تمسک به قرآن
۲۸	قرآن و اجتماع اسلامی
۳۰	فصل پنجم: سلام بر ماه خدا [۵۱]
۳۱	اشاره
۳۱	برنامه اخلاقی اسلام
۳۲	رمضان و ادعیه
۳۳	نماز جماعت، مظهر اتحاد

- ۳۳ ارشاد و تربیت در رمضان
- ۳۴ نقش بهداشتی روزه
- ۳۶ فصل ششم: هلال ماه رمضان
- ۳۶ اشاره
- ۳۷ جهان، مستخر انسان
- ۳۹ فصل هفتم: پایگاه پرهیزکاری
- ۳۹ اشاره
- ۴۲ داستان ابی الدحداح
- ۴۳ داستان عمیر بن حمام
- ۴۳ داستان عوف بن حارث
- ۴۳ بهترین روزها
- ۴۴ مسلمانان صدر اسلام و مسلمانان معاصر
- ۴۷ فصل هشتم: روزه، عبادتی آسان
- ۴۷ اشاره
- ۴۸ الف- آیات کریمه
- ۴۹ ب- احادیث شریفه
- ۵۰ فصل نهم: روزه و پرورش وجدان
- ۵۲ فصل دهم: برنامه‌های عبادی، نجات‌بخش انسان
- ۵۲ اشاره
- ۵۴ برنامه عبادی رمضان
- ۵۵ اتحاد اسلامی
- ۵۶ فصل یازدهم: روزه و آموزش آزادی
- ۶۰ فصل دوازدهم: روزه و سیر زمان
- ۶۰ نقش علم در ایمان

- ۶۱ توجه به یک نکته
- ۶۲ اسلام و خرافات
- ۶۳ فصل سیزدهم: نقش روزه در روح انسان
- ۶۴ فصل چهاردهم: روزه، مدرسه عالی اجتماعی
- ۶۴ اشاره
- ۶۸ رمضان، ماه دعا
- ۷۱ همه باید دعا کنند
- ۷۱ بهترین دعاها
- ۷۲ ماه رمضان بهار دعا است
- ۷۳ توبه و استغفار
- ۷۳ پس چه باید کرد؟
- ۷۴ داستان بومیان موریس
- ۷۵ ملل دیگر
- ۷۵ بهترین روش
- ۷۹ شب قدر
- ۸۰ تعیین شب قدر
- ۸۱ حکمت پنهان بودن شب قدر
- ۸۱ تجدید عهد با ولی امر علیه السلام
- ۸۱ فصل پانزدهم: رمضان از دیدگاه «اسلام» و «ما»
- ۸۵ فصل شانزدهم: عید سعید فطر
- ۸۵ اشاره
- ۸۷ نماز و زکات
- ۸۸ داستانی از زهد علی علیه السلام
- ۸۹ ماه یزدان

مکتب «توبوا الى الله» ۹۰

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان

مشخصات کتاب

- سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ -
 عنوان و نام پدیدآور: عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان/ لطف‌الله صافی گلپایگانی.
 وضعیت ویراست: [ویراست ۲].
 مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۲۸۷ ص.
 شابک: ۷۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۸۵-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: چاپ قبلی: صدر، ۱۳۵۳.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۰.
 یادداشت: نمایه.
 عنوان دیگر: ماه مبارک رمضان.
 موضوع: روزه (اسلام) -- فلسفه
 موضوع: رمضان
 موضوع: روزه (اسلام)
 رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۱/ص ۲ ع ۲ ۱۳۹۲
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۳۶۲۸۱

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/ ۱۸۳-۱۸۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است؛ همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزکاری کنید. [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است]. [ولی هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد،] به همان شماره تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه طاقت فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است، و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى

سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره/ ۱۸۵)

ماه رمضان [همان ماه است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است،] کتابی که مردم را راهبر، و [متضمن دلایل آشکار هدایت، و میزان تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد؛ تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونان کرده است به بزرگی بستاید، و باشد که شکرگزاری کنید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَاجْلَالَ حُرْمَتِهِ وَالتَّحْفِظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ وَاعْنَا عَلَىٰ صِيَامِهِ بِكَفِّ الْخَوَارِحِ عَن مَعْاصِيكَ وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِاسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ وَلَا نُسْرِعَ بِابْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ. وَلَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ وَحَتَّى لَا تَعِيَ بَطُونِنَا إِلَّا مَا أَحَلَّتْ، وَلَا تَنْطِقَ السِّتِنَاتُ إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ، وَلَا نَتَكَلَّفُ إِلَّا مَا يُدِينِي مِنْ ثَوَابِكَ وَلَا نَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يَقِي مِنْ عِقَابِكَ ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ، وَسَمِعْهُ الْمُسْمِعِينَ، لَا نَشْرَكَ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ وَلَا نَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ [۱]

خدایا بر محمد و آل او درود فرست؛ و شناختن فضیلت این ماه و بزرگ داشتن حرمت آن و خودداری از آن چه در آن حرام کرده‌ای را به ما الهام فرما و ما را بر روزه آن به وسیله نگاه داشتن اعضا از معاصی و به کار بردن آن‌ها به چیزی که تو را راضی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶

می‌سازد؛ یاری کن تا آن که با گوش‌هایمان [صدا و سخن لغوی را نشنویم؛ و با دیدگانمان به سوی اعمال سهوی شتاب نکنیم و دست‌های خود را به سوی حرام دراز نکنیم. و با قدم‌هایمان به سوی کاری که ممنوع شده، نرویم و شکم‌هایمان را غیر از آن چه تو حلال کرده‌ای نگاه ندارد و زبان‌های ما را جز به آن چه تو حدیث کرده‌ای، گویا نشود و رنجی متحمل نشویم؛ مگر در آن چه ما را به ثواب نزدیک می‌کند و جز آن چه از عقاب تو نگاه می‌دارد، فرانگیریم. سپس تمام این اعمال را از ریاکاری ریاکاران، و سمعه سمعه کنندگان، خالص ساز که احدی را در آن شریک تو قرار ندهیم و غیر از تو به آن مرادی طلب ننماییم.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَانزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اعْنَا عَلَىٰ صِيَامِهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنَّا وَسَلِّمْنا فِيهِ، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ أَنْكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ [۲]

خدایا! همانا که ماه رمضان آمد و به درستی که روزه‌اش را بر ما فرض کردی و در آن قرآن را- که راهنمایی از برای مردم و حجت‌هایی روشن از هدایت و فرقان بین حق و باطل است- نازل کردی. بارالها! ما را بر روزه آن یاری کن؛ خدایا! آن را از ما بپذیر و ما را در آن ماه سالم بدار و آن را در آسان‌گیری خودت و عافیت دریافت بدار و تحویل بگیر. به درستی که بر هر کاری توانایی. ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان!

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸

فضیلت و شرافت ماه مبارک رمضان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِحَبِيبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ:

یا جَابِرٌ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ مَنْ صَامَ نَهَارَهُ، وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَعَفَّ بَطْنَهُ وَفَزَجَهُ وَكَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنَ الشَّهْرِ. فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا جَابِرُ وَمَا أَشَدَّ هَذِهِ الشُّرُوطَ [۳]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرٌ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ فَمَنْ صَامَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ [۴]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جابر فرمود: ای جابر! این ماه رمضان است. هر کس آن را روزه بدارد و پاره‌ای از شبش را به عبادت بایستد و شکم و عورت خود را از حرام باز دارد و زبان خود را نگاه بدارد، از گناهان خود- مثل بیرون رفتن او از ماه- بیرون می‌رود.

جابر عرض کرد: یا رسول الله! این حدیث چه نیکو است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: و چقدر این شروط سخت است.

روایت دیگر:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ماه رمضان، ماهی است که خدا روزه آن را بر شما واجب کرده. پس هر کس از روی ایمان و برای طلب اجر و ثواب، این ماه را روزه بگیرد، از گناهان بیرون می‌رود. مانند: روزی که مادر، او را زایید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰

فصل اول: فضیلت ماه مبارک رمضان در خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله

شیخ صدوق علیه الرحمه به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم! به درستی که ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به شما رو کرده است. ماهی که نزد خدا بهترین ماه‌ها، روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعاتش بهترین ساعات است. ماهی که در آن به ضیافت خدا خوانده و از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید. نفس‌های شما در آن ثواب تسیح دارد و خواب شما در آن عبادت و عمل شما در آن مقبول و دعای شما در آن مستجاب است؛ پس با نیت‌های راست و دل‌های پاک، از خدا درخواست کنید که شما را برای روزه و تلاوت قرآن توفیق دهد. به درستی که شقی و بد عاقبت، کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم شود و به گرسنگی و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱

تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید. و بر فقیران و مسکینان خود تصدق کنید، سالمندان را احترام نمایید، بر صغار و خردسالان رحم کنید؛ و صله ارحام نمایید و زبان‌های خود را [از آن چه نباید گفت و چشم‌های خود را از آن چه نباید به آن نگاه کرد، نگاه دارید؛ و گوش‌های خود را از آن چه نباید شنید حفظ کنید، و با یتیمان مردم مهربانی کنید، تا با یتیمان شما مهربانی شود، و از گناهان خود به سوی خدا توبه و بازگشت نمایید و دست‌های خود را در اوقات نماز به دعا بلند کنید که آن هنگام بهترین ساعت‌ها است. خدا به رحمت به سوی بندگانش نظر می‌فرماید و هرگاه ایشان با او مناجات نمایند، جواب می‌فرماید و هرگاه او را ندا کنند، لبیک می‌گوید و هرگاه او را بخوانند، مستجاب می‌کند.

ای مردم! به درستی که جان‌های شما در گرو عمل‌های شما است؛ پس با استغفار، از گرو بیرون آورید، و پشت‌های شما از

گناهانتان سنگین است. پس به طول دادن سجود، آن را سبک سازید. و بدانید که خدا به عزت خود سوگند یاد کرده است که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و آن‌ها را به آتش جهنم در روز قیامت نترساند.

ای مردم! هر کس از شما مؤمن روزه‌داری را در این ماه افطار دهد، برای او نزد خدا ثواب یک بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته خواهد بود. پس گفته شد: یا رسول‌الله! همه ما قدرت بر آن نداریم؛

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲

فرمود: با افطار دادن به روزه‌دار- اگر چه به نصف دانه خرما باشد- از آتش پرهیزید. اگر چه به شربتی آب باشد.

ای مردم! هر کس از شما خلق خود را در این ماه نیکو سازد، گذشتن از صراط در روزی که قدم‌ها بر آن بلغزد، برای او است. ایها الناس! کسی که در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را سبک گرداند، خدا در قیامت حساب او را آسان سازد. و هر کس در این ماه شرّ خود را باز دارد، خدا خشم خود را از او در روز قیامت باز دارد. و کسی که یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز قیامت گرامی دارد. و کسی که در این ماه با خویشاوند خود صلّه نماید، خدا او را در قیامت به رحمت خود وصل کند. و کسی که در این ماه قطع رحم کند، خدا در روز قیامت رحمت خود را از او قطع فرماید. و هر کس در این ماه نماز مستحبی به جای آورد، برای او برائت از آتش نوشته می‌شود. و کسی که نماز واجب به جای آورد، مثل کسی است که در ماه‌های دیگر هفتاد نماز واجب به جا آورد. و کسی که در این ماه بسیار بر من صلوات بفرستد، خدا در روزی که میزان‌ها سبک باشد، میزان او را سنگین سازد. و هر کس در این ماه تلاوت آیه‌ای از قرآن کند، ثواب ختم قرآن در ماه‌های دیگر را دارد.

ایها الناس! درهای بهشت در این ماه گشوده است؛ از خدا بخواهید که [این درها را] به روی شما نبندد و درهای آتش، بسته است؛ از

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳

پروردگار خود بخواهید که آن‌ها را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین دربند هستند؛ از خدا درخواست کنید که آن‌ها را بر شما مسلط نسازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پس من برخاستم و عرض کردم: یا رسول‌الله! بهترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: یا ابالحسن! فاضل‌ترین اعمال در این ماه پارسایی است از آن چه خدا حرام کرده است.

سپس رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم گریست. عرض کردم: یا رسول‌الله! چه چیز شما را به گریه در آورد؟ فرمود: گریه می‌کنم برای آن چه در این ماه به تو می‌رسد. گویا تو را می‌بینم که برای پروردگارت نماز می‌گزاری. و برخاسته است شقی‌ترین اولین و آخرین جفت پی‌کننده ناقه نمود و بر فرقت ضربتی زده است که با آن ریش تو خضاب شده است. پس، من عرض کردم: این در سلامت دین من است. فرمود: در سلامت دین تو است! سپس فرمود: یا علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته؛ برای این که تو از من، مثل جان منی و طینت تو از طینت من است و تو وصی من و خلیفه من بر امتم هستی!

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴

فصل دوم: روزه ندای الهی

اشاره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ [۵]

مردان و زنان با ایمان! سخن خدا را گوش دهید.

شما و فقط شما در این آیات، مشرف به خطاب خدای جهان شده‌اید! خدا شما را می‌خواند؛ شما را ندا می‌کند.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمود:

لَذَّةُ مَا فِي النِّدَاءِ أَزَالَ تَعَبَ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ [۶]

این لذت و احساس افتخار که خدا مؤمنان را ندا کرده و خوانده، زحمت و رنج عبادت را برده است.

ندا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ...

ای مؤمنان! ای مسلمانان! ای مرد و زنی که به خدا و پیغمبرش ایمان

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵

آورده‌اید!

ای گروندگان!

مخاطب شما هستید؛ خدا با شما است. به هوش باشید!

خدا شما را ندا کرده است!

شما باید به ندای خدا پاسخ بدهید!

شما باید که دعوت او را اجابت می‌کنید!

شما باید که فرمان خدا و حلال، حرام، واجب و هر حکم و دستور اسلام را پذیرفته‌اید!

شما باید که خدا را ولی تمام امور و صاحب اختیار مطلق و نازل کننده شرایع و جاعل احکام می‌دانید؛ و برای او در جعل احکام و

امر و نهی و تحریم و تحلیل، و وضع نظامات و انشای قوانین، شریک و انبازی نمی‌شناسید!

شما باید که به حکم ایمان و عقیده، فقط ملتزم به احکام اسلام و تعالیم قرآن می‌باشید؛ و التزام به هر برنامه و روش و هر نظام و

قانون و هر ترتیبی را که غیر از احکام خدا و بیرون از حدود تعالیم قرآن باشد، باطل و انحراف و گناه می‌دانید!

به شما که اسلام را عقیده و کیش و برنامه زندگی، حکومت و ملیت، قانون اجتماع، صلح و جنگ و همه چیز خود می‌دانید و

بیرون از حصار و صدای اسلام، به هیچ صدایی پاسخ نمی‌دهید، و به هیچ دعوت

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶

دیگر نگریده‌اید!

به شما که از برکت ایمان به خدا، آزادی واقعی یافته و در جامعه انسان‌های آزاد- که غیر از خدا صاحب اختیار و معبودی ندارند-

وارد شده‌اید!

به شما انسان‌ها که شیرینی آزادی اسلام را چشیده و از بند رقیب و اسارت حکام و صاحب اختیاران دروغین، رها شده و از ذلت

استعباد اولیای ادیان باطله و حکومت‌های مستبده و قوانین موضوعه اندیشه‌های علیل و مغزهای ناتوان نجات یافته و به عزت پرستش

خدای یگانه و تعبد به احکام و التزام به قوانین و فرامین او گرامی و سرافراز شده‌اید!

خداوند به شما خطاب فرموده است که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

اکنون الطاف خدای مهربان را بنگرید.

خدایی که ما و تمام افراد بشر و سایر موجودات کوچک و بزرگ عالم را آفریده است. خدایی که این همه نعمت در درون و بیرون وجود ما به ما بخشیده است.

دست تربیت تکوینی و تشریحی خداوند متعال به سوی همه دراز شده، تا همگان از نقص به سوی کمال ترقی کنند؛ و مؤمنان و بندگان خاص و خالص خود را در ادای تکالیف و اطاعت و روزه‌داری و ریاضت و تربیتی که از آن منظور است، آماده ساخته و به فرمان‌بری

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷

تشویق فرموده، تا با نشاط و معرفت و بینش هر چه بیشتر، فرمان او را پذیرفته و محرومیت از لذایذ حیوانی، خورد و خوراک و نگاهداری این رژیم الهی بر آنان دشوار نگردد. در آیات ۱۸۳، ۱۸۴ و ۱۸۵ دؤمین سوره قرآن مجید، به نوزده خطاب و در آیه ۱۸۷ به بیست خطاب، در این باره مخاطب و مشرف فرموده است؛ در این آیات عنایات و الطافی به کار برده است که هم دلیل اعجاز بلاغت و هم گواه کمال عنایت به جنبه‌های نفسی، روانی و نکات تربیتی است.

تعابیر موجود در این آیات نشانگر آن است که احکام اسلام تنها یک سری قوانین خشک و بی‌روح و برنامه‌هایی برای حفظ و انتظام روابط اجتماعی و سیاسی افراد با حکومت نیست؛ که غیر از قدرت سرنیزه و ارعاب و بیم از کیفر و مجازات، تضمین اجرایی دیگری نداشته باشد.

اسلام اطاعت و تمکین و احترام در مقابل قانون را با توجه به تمام مصالح و نواحی باطن و ظاهر وجود انسان، در خود او ایجاد می‌نماید؛ و پیش از هر چیز از او می‌خواهد به خدایی که شارع احکام و قوانین، و پیامبری که آورنده آنهاست، از صمیم جان گرویده و ایمان آورد.

در احکام اسلام به جنبه‌های عقیده و ایمان، عقل و ضمیر، عواطف و احساسات، مصلحت و خیر، راحتی و آسایش و به توان روحی و جسمی بشر توجه شده است تا همه، به اجرای آن علاقه‌مند و تخلف از آن را تخلف از عقیده و ایمان، هدایت و حکومت، عقل و ندای وجدان،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸

و تخلف از خیر و مصلحت بدانند.

اسلام پایه اجرای قوانین را بر قلب و ایمان بشر گذاشته است؛ چرا که بخش عمده‌ای از احکام و برنامه‌های اسلامی را نمی‌توان با اعمال زور و قدرت انتظامی به مرحله اجرا گذارد؛ زیرا با اتکای به قدرت و سلاح مادی، کنترل بشر به طوری که همواره در راه راست قدم بردارد و از روش صواب منحرف نگردد، امکان‌پذیر نبوده و آن چه با قدرت مادی و نظامی، قابل اجراست از حدود حفظ ظواهر، تجاوز نکرده و در نهایت، زور و قدرت نمی‌تواند عامل اساسی و پایه منحصر به فرد یک اجتماع منظم، مرتب و قانونی باشد.

با این وجود، اسلام از این موضوع هم چشم‌پوشیده و در مورد لزوم وجود قدرت برای پیشبرد اصلاحات و اجرای احکام، غافل نگشته و برای حفظ امنیت و عدالت اجتماعی، احقاق حقوق و دفع تجاوز و بیدادگری، کیفر و مجازات را پیش‌بینی نموده و اجرای آن را وظیفه صالح‌ترین و قوی‌ترین قوه اجراییه و دفاعیه قرار داده است.

یکی از بهترین نشانه‌ها و شواهد استحکام و کمال صحت برنامه‌ها و روش تربیتی اسلام برای متعهد کردن جامعه، احترام به قوانین و احکام در اوضاع جوامع کنونی عالم اسلام است.

با این که تبلیغات گمراه‌کننده و عوامل انحراف و تضعیف ایمان، و موانع رشد افکار اسلامی بی‌شمار شده و تقریباً در همه جوامع

اسلامی،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹

مسلمانان در ترک عمل به احکام دین، آزاد و غیر مسؤول هستند، اما اکثریت آنان هنوز هم با وجود فشارهایی که برای ترک سنن دینی بر آنان وارد می‌شود، بسیاری از احکام و شعائر را حفظ کرده و به آن ملتزم هستند. از باب مثال:

بیشتر مسلمانان نماز خوانده و روزه می‌گیرند. حج به جای می‌آورند؛ عقود و معاملات خود را محترم می‌شمارند؛ سلام می‌کنند؛ به نماز جماعت حاضر می‌شوند؛ زکات و سایر وجوه شرعیه را می‌پردازند؛ در سال، مبالغ بسیاری به مصرف خیرات و احسان و بنای مساجد، مدارس، و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، کتابخانه و ... می‌رسانند؛ شراب نمی‌نوشند؛ [۷] زنا نمی‌کنند؛ ربا نخورده و قمار نمی‌کنند، دزدی نکرده و مرتکب ظلم و تجاوز نمی‌شوند؛ مال کسی را غصب نمی‌کنند؛ حق دیگری را ضایع نمی‌سازند؛ کم فروشی و تقلب نمی‌کنند؛ دروغ نمی‌گویند؛ تهمت

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰

نمی‌زنند؛ در برابر هم‌نوعان خود به تملق و چاپلوسی نمی‌پردازند و از راه تقوا و پارسایی و پاکدامنی بیرون نمی‌روند. علت این التزام و تمکین به قانون و اطاعت احکام، روش قانونگذاری اسلام است؛ چرا که از مبدأ وحی صادر شده و تمام جوانب و نواحی در آن رعایت شده و از ایمان و عقیده و فطرت، عقل و منطق و احساسات و عواطف صحیح بشر در ایجاد حس و گرایش به احترام و تقدیس قوانین و احکام، استفاده شده است.

اما نکات، دقایق، لطایف و تعبیرات بلاغت‌آمیز آیات شریفه:

۱. خطاب «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»، توجه به ایمان و عقیده، عمل به مقتضای ایمان به خدا و پیامبر صلی‌الله علیه و آله و یادآوری شرافت مؤمن است که به مناسبت مقام ایمان، شایسته خطاب خاص الهی شده است.

ایمان به خدای یگانه، شخص را برای اطاعت احکام آماده‌تر ساخته، مصالح و مفاصل واقعی امور و خیر و صلاح بندگان را نمایان و روح مؤمن را سرشار از عزت نفس و بزرگواری و شرافت کرده، و او را از نزدیک شدن به کارهای زشت و سرپیچی از فرمان خدا باز می‌دارد.

بنده مؤمن و خداشناس، قانون خدا را محترم می‌شمارد و بیش از هر قانون و قاعده‌ای، قانون خداوند نزد او مورد احترام است. احکام و قوانینی که ساخته فکر بشری است، جایگزین احکام خدا نمی‌شود و علم، تبلیغات و قدرت حکومت نمی‌تواند این احترام و اعتبار را به او ببخشد.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱

به عنوان مثال، قواعد بین‌المللی یا منشور سازمان ملل و نظایر آن، از جمله قوانینی است که تا حدی حکومت‌ها و برخی از سران ملل تظاهر به احترام آن داشته و خود را طرفدار آن معرفی می‌کنند؛ امّا آیا حقیقتاً نیز این گونه است؟ یا این احترام به جهت ناچاری‌های سیاسی و در حدود حفظ منافع و مصالح شخصی یا مملکتی است؟! و اگر این منافع در بین نباشد و یا در خطر افتد به خاطر نفس این اصول کسی به آن احترام و اعتنا خواهد کرد؟! آیا همان کسانی که در مجامع بین‌المللی عضویت دارند و یا همان‌ها که خود را مؤسس این سازمان‌ها می‌دانند، هنگامی که منافعشان اقتضا کند، این اصول را پایمال نمی‌نمایند؟! شاید تا کنون دیده و یا شنیده نشده است که در مواقع خطیر و حساس حق و عدالت از سوی آن مجامع رعایت شده و به ندای وجدان پاسخ داده شود!

فقط ایمان به خدا است که حق و قانون را به خودی خود در نظر شخص مقدس می‌سازد و از او می‌خواهد تا همه جا جانب حق را بگیرد و به او می‌گوید:

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَنْ لَا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی [۸]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲

و یا:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ [۹]

هر کجا عامل ایمان وجود یافت، متن قانون اجرا می‌شود. افراد مؤمن در برابر قانون خدا حتی به فلسفه و فایده و حکمت آن نیز توجه نداشته و فقط ایمان وسیع و محکم‌شان، آنان را مقید و ملزم به آداب دینی می‌نماید؛ در حالی که از بیش‌تر مصالح و فلسفه احکام اطلاع ندارند.

از جمله مثال‌ها برای این موضوع، همین دستور روزه است. یقیناً روزه فواید صحی و جسمی دارد و در روایات هم به آن اشاره شده است:

«صوموا تصحوا» [۱۰]

پزشکان حاذق و مشهور دنیا نیز فواید بهداشتی و درمانی روزه را تصدیق کرده‌اند. [۱۱] و راه علاج برخی بیماری‌ها تقریباً منحصر به امساک از غذا است؛ و افراط در تغذیه، سبب ایجاد بسیاری از بیماری‌ها

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳

می‌گردد. بسا بیماری‌هایی که روزه درمان آن است و بسا بیمارانی که با برنامه روزه داری درمان یافته‌اند.

روزه، از نظر اقتصادی نیز دارای فواید بوده و از این جهت روزه را با مصلحت شناخته‌اند.

اما با تمام این فوایدی که روزه دارد و بیشتر ما از آن آگاه می‌باشیم، آیا در سال چند نفر برای این فواید و منافع بهداشتی، جسمی و ... بدون نظر به اطاعت خدا حاضرند روزه بگیرند، و طی یک ماه، روزانه خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و لذایذ جنسی را ترک کنند؟ و

یا اگر این برنامه روزه، از جانب پزشکان بزرگ پیشنهاد می‌گردید، چند نفر همه ساله به آن عمل می‌کردند؟!

بی‌شک، کمتر افرادی حاضر می‌شدند به این پیشنهاد عمل نمایند. و آمار عاملان به این پیشنهاد در برابر آمار کسانی که ماه رمضان

را فقط برای این که روزه یک وظیفه شرعی و سبب تقرب به خدا و کسب ثواب است، روزه می‌گیرند بسی ناچیز جلوه می‌کرد!

اما مسلمانان اعم از مکلف و غیرمکلف، معذور و غیرمعذور و حتی اطفال غیربالغ فقط برای اطاعت خدا در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی روزه می‌گیرند و نزدیک به چهارده قرن است که آداب و برنامه‌های ماه رمضان، زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را در

این ماه تحت تاثیر قرار داده و متحدالشکل می‌سازد؛ و این نمونه‌ای از تاثیر عامل ایمان در

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۴

افراد است.

از این جا در می‌یابیم که افتتاح آیه به خطاب: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...)، تا چه حد اعجاز‌آمیز بوده و چه حقایق و معانی بلندی در آن مندرج است.

قرآن، مؤمنان را ندا می‌دهد و فرمان تشریح روزه را ابلاغ می‌کند و مؤمنان- که گوش به فرمان خدای‌شان سپرده‌اند- به محض صدور امر الهی برای اطاعت، بدون هیچ درنگ و تردیدی اقدام کرده و روزه می‌گیرند و به مجرد رؤیت هلال ماه، خویش را با یک جهش معنوی از قید عاداتی که داشته‌اند، آزاد می‌سازند.

۲. جمله:

«... كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»،

بیان این است که روزه تکلیفی تازه و بی‌سابقه جهت پرهیز از خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، التذاذ جنسی و سایر مفطرات نیست؛ بلکه در

ادیان و شرایع گذشته نیز فرض و واجب بوده است.

این بیان، که حاکی از دل‌جویی خاص ربوبی است، احساس زحمت و رنجی را که در ترک مفطرات است کم می‌کند و از جنبه روانی، روزه دار را نیرومند و با شکیب می‌سازد.

۳. جمله: «ایاماً معدودات» نیز، یک لطف و عنایت دیگر است و دل‌جویی از بنده است تا روزه‌دار، با معرفت زحمت روزه را بزرگ و زمان آن را دیر سپر نشمارد.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۵

۴. جمله:

«... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

اشاره است به فواید بزرگ ریاضتی، تربیتی، روحانی و معنوی روزه و تأثیر آن در تهذیب اخلاق و حصول ملکه پرهیزکاری و تقوا و تسلط بر غرایز و قوای نیرومند حیوانی که از این لحاظ آن چه از روزه به روزه‌دار می‌رسد، دارای فواید و برکاتی است که شرح اهمیت و عظمت آن ممکن نیست و شخص سالک و فردی که در مقام اصلاح باطن و تصفیه و تزکیه نفس و ریاضت دادن آن به تقوا و پارسایی است، حتماً باید ماه رمضان را روزه بدارد.

به جرأت می‌توان گفت: آن گونه که درک ثواب و کسب اخلاق حمیده و صفات ملکوتی، تملک نفس و مجاهده با هوی، تحصیل قوت اراده و تقرب به درگاه قادر متعال در این ماه برای همگان میسر است، در هیچ زمان دیگر چنین فرصتی فراهم نیست. [۱۲]

۵. جمله: (شَهْرُ رَمَضَانَ...)، بیان فضیلت و برکت ماه مبارکی است که در آن روزه واجب شده است. این ماه به علت نزول قرآن مجید، مبدأ بزرگ‌ترین تحولات تاریخ زندگی انسان و آغاز عالی‌ترین نهضت‌های دینی و اجتماعی و سرفصل حیات نوین علمی و اخلاقی است. قرآن- که هادی و راهنمای عموم انسان‌ها بوده و آخرین تعلیمات آسمانی و برنامه‌های سعادت جاودانی را داراست- در این ماه نازل گردیده. از این رو، این ماه بر تمام ماه‌های سال، فضیلت دارد. روزهایش از همه روزها

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۶

با ارجح‌تر و شب‌هایش از همه شب‌ها گرمی‌تر است. این ماه، یادبود نزول قرآن و سالگرد تاریخ مجد و شرف انسان و اعلام حقوق واقعی و آزادی حقیقی بشر است. [۱۳]

۶. جمله:

«فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ...»

تا جمله

«... وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ»،

دلالت می‌کند که در تعالیم اسلام یسر، آسانی و سهولت، مراعات شده و دشواری، سخت‌گیری و تحمیل بر فطرت و خواسته‌های واقعی بشر در آن وجود ندارد.

چنان چه در مباحث آتی، توضیح خواهیم داد، خداوند پیغمبر عالی مقام اسلام صلی الله علیه وآله وسلم را بر شریعتی سهل و آسان برانگیخته است؛ که فرمود:

مَا بُعِثْتُ بِالرِّهَابِيَّةِ الشَّاقَّةِ وَلَكِنْ بِالْحَنْفِيَّةِ السَّمْحَةِ [۱۴]

۷. نکته دیگر که از آیات شریفه با نظر به عمومیت خطابات و توجه کلی به همه آن‌ها استفاده می‌شود، «مساوات همه در تکلیف» است. هر کس صاحب هر مقام و هر درجه و هر شغل باشد، باید روزه بگیرد و از فواید تربیتی، دنیوی و اخروی آن بهره‌مند شود، و

همه ساله در این مدرسه کمال، ریاضت دیده و تربیت گردد و قوای عقلانی و انسانی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۷

خود را نیرومند ساخته و بر قوای شیطانی و حیوانی مسلط شود، و دریابد که انسان، فقط این جسم ظاهر و گوشت و استخوان نیست و قدرت انسان، فقط نیرومندی جسم و شکست حریف زورمند نمی‌باشد.

قدرت واقعی انسان، تسلط بر نفس، شهوت، غضب و پایداری در برابر مشکلات و صبر و شکیبایی است:

مردی گمان مبر که به پنجه است و زور کتف با نفس اگر بر آیی، دانم که شاطری

با شیر مردیت، سگ ابلیس صید کردای بی‌هنر بمیر که از گربه کمتری

هشدار تا نیفکندت پیروی نفس در ورطه‌ای که سود ندارد شناوری

مردان به سعی و رنج به جایی رسیده‌اند تو بی‌هنر کجا رسی از نفس پروری!

پر خوری و تن پروری آفات و خطرات زیادی را در پی داشته و سبب تیرگی روح، تاریکی دل و کوری بصیرت است.

اندرون از طعام خالی دارتا در آن نور معرفت بینی

اگر تربیت جسم - که در عصر ما به آن اهمیت فراوان می‌دهند - مقدمه تربیت روح و پرورش افکار و اخلاق سالم نباشد، هیچ

سودی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۸

نخواهد داشت.

در هر چیزی باید اعتدال رعایت گردد؛ تربیت بدن نیز باید در حد اعتدال باشد و همه به آن توجه کرده و ضعف و ناتوانی را از جسم و روح خود دور سازند؛ نه آن که تربیت بدنی هم به عنوان یک فن از فنون و پیشه و شغل مطرح گردیده و افراد را از توجه به روح و وظایفی که در اجتماع دارند باز بدارد!

اسلام دین خدا و دین عقل و منطق است. از این رو، در مواردی که تربیت و تعلیم سربازان و افسران مجاهد مدافع از دارالاسلام و وطن مسلمانان و نگهبانان امنیت و انتظامات به اجرای مسابقات بدنی - جسمی وابسته باشد و هم چنین در مواردی که سبب تقویت قوای علمی و صنعتی گردد، برپایی آن و اعطای جایزه در آن را صحیح دانسته است.

به هر حال مکتب «صوم»، کلاس خودسازی و نردبان عروجی است که همه مسلمانان باید از آن بهره ببرند.

هم اکنون ای مسلمانان و مؤمنان! به استقبال ماه مبارک رمضان بشتابید و از رحمت‌های واسعه خداوند متعال استفاده برید.

بکوشید تا مراسم روزه‌داری این ماه را - که از شعائر بزرگ اسلام و نمایش وفاداری و استقامت و مساوات و التزام جامعه ما به احکام دین است - با احترام و ادب هر چه بهتر انجام دهید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۹

بدبخت آن کسی است که بدون عذر شرعی، از سعادت روزه و برکات آن محروم گردد. و گستاخ، آن شکم‌پرستی است که بدون عذر شرعی (العیاذ بالله)، روزه این ماه را افطار کند؛ یا با داشتن عذر، آشکارا روزه را بخورد، و حکم خدای جهان را خوار شمارد و به عقاید و احساسات صدها میلیون مسلمان نقض ادب و احترام کرده و حرمت این ماه شریف را رعایت ننماید.

بدا به حال کسی که ماه رمضان را به گناه و معصیت سر برد و از آموزش خدا محروم گردد. بکوشید تا علاوه بر مراسم و آداب ظاهری روزه و خودداری از خوردن و نوشیدن و ترک سایر مفطرات اندام و اعضا، خود را نیز به پرهیز از گناهان عادت داده و فکر و اندیشه خود را نیز از افکار پلید و اندیشه‌های ناپاک و شیطانی، پاک و منزّه سازید.

بکوشید تا کار و رفتاری را که با آثار، فواید و مقاصد معنوی، تربیتی، جسمی و ... روزه سازش ندارد، انجام ندهید.

از غیبت کردن پرهیزید؛ دشنام ندهید؛ بدخویی ننمایید؛ سخنان تند و درشت نگویند؛ کم حوصله و بی شکیب نباشید؛ به دنبال بی عفتی نروید؛ از چشم چرانی و نگاه به نامحرم پرهیزید؛ با دست و زبان، مردم را نیازارید؛ حرام نخورید؛ مفاخره نکنید؛ به هم بزرگی نفروشید؛ به زیردستان ترخم کنید؛ به سالخوردگان احترام نمایید؛ صلّه رحم به جای آورید؛ از فقرا و بی‌نویان دستگیری کنید؛ از بیماران عیادت و پرستاری نمایید و حیا و آزرم پیشه سازید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۰

در مجالس دینی - اسلامی و نماز جماعت متواضعانه شرکت کنید و از صفوف نماز جماعت، وحدت و شوکت مسلمانان و بی امتیازی و بی‌قدری اعتبارات و مقامات دنیوی را تماشا کنید.

ادعیه‌ای را که در این ماه در اوقات مختلف: سحر، شب و روز وارد شده بخوانید و نکوتر آن که در مضامین و معانی آموزنده آن تأمل فرمایید.

در حالات، اخلاق و روش و رفتاری که دارید، مطالعه و رسیدگی نمایید. مبدا کار و پیشه شما حرام باشد. به دقت نهانی‌ها و پنهانی‌های روح و ضمیر خود را بازرسی کنید؛ سعی در جبران گذشته را نموده تا پاک و منزّه از ماه بیرون شوید.

در این ماه از مرگ و عاقبت این جهان و زندگی مادی و عوالم بعد از مرگ و قیامت و حشر و نشر و سؤال و حساب، بسیار یاد کنید، و برای موافقی که در پیش داریم گریه کنید و این جملات دعای ابی‌حمزه را زمزمه کنید:

ابِکِی لِحُرُوجِ نَفْسِی، ابِکِی لِظُلْمِیةِ قَبْرِی، ابِکِی لِصَیْقِ لِحَدِی، ابِکِی لِسُؤَالِ مُنْکَرٍ وَنَکِیْرِ اِیّای، ابِکِی لِخُرُوجِی مِنْ قَبْرِی عُرْبَانًا ذَلِیلاً حَامِلًا ثَقَلِی عَلَی ظَهْرِی... [۱۵]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۱

و پس، توبه نمایید و به سوی خدا بازگشت کنید.

مبدا از رحمت خدا مأیوس و ناامید شوید:

الهِی حَقُّ رَجَائِی وَآمِنْ خَوْفِی فَانَّ کَثْرَةَ ذُنُوبِی لَا اُرْجُو فِیْهَا اِلَّا عَفْوُکَ... [۱۶]

هر که هستی و هر حال که داشته باشی و به هر شکل که تا کنون زندگی کرده‌ای اصلاح کار تو آسان است. و آلودگی‌های تو با آب توبه و استغفار و گریه در حال مناجات و دعا شسته شده و تو پاک و بی‌آلایش می‌گردد.

پس، طلب رحمت کن و بگو:

الهِی اِرْحَمْنِی اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِی وَکَلَّ عَنْ جَوَابِکَ لِسَانِی، وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِکَ اِیّای لُبِّی فِیَا عَظِیْمَ رَجَائِی لَا تُحْیِنِی اِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِی اَلْیَکَ... [۱۷]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۲

بیا که توشه این راه، ناله و آه است بنال بر در او کو به ناله آگاه است

اگر چه غرق گناهی، از او مشونومید بیا که هنوزت به سوی اوراه است

آری، فقطبایک جهش ازعالم تاریک شهوات و هواپرستی، دنیاطلبی، بی‌رحمی، ستمگری و ... به عالم سراسر نور و روشنایی، فضیلت و شرافت، پارسایی و بندگی خدا پرواز کن و هر آن چه در پی هوای نفس رفته و گناه کردی، و خدای یگانه را معصیت نموده‌ای؛

هرچه به شهوت‌رانی‌های نامشروع آلوده شده‌ای، هرچه از جاده عفاف و پاک‌دامنی بیرون رفته‌ای، هر چه تملق و مدح بی‌جا نموده‌ای، هرچه گردن‌کشانه و متکبرانه بر روی زمین راه رفتی و به بندگان خدا و زیردستان، ظلم و ستم کرده‌ای، همه را واگذار و

به درگاه الهی اشک ندامت بریز، و برای سفر آخرت توشه‌ای بگیر:

الهِی وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْسَ طَالِبَتِي بِذُنُوبِي لَطَائِلِيكَ بِعَفْوِكَ وَلَيْسَ طَالِبَتِي بِلُؤْمِي لَطَائِلِيكَ بِكَرَمِكَ... [۱۸]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۳

نزد خداوند تَوَّاب، پشیمانی عرضه دار و عفو و آمرزش از او بخواه و بگو:

يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ اَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلِ اَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ اَيْنَ فَرَجِكَ الْقَرِيبِ اَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ اَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ... [۱۹]

همواره بنده خدا باش تا آزاد باشی؛ و از نفس اماره بگریز تا بزرگی یابی.

از گناه بپرهیز و به سوی خدای آمرزنده پوزش پذیر قدم بردار. حیف است که عمر و وقت و نعمت‌هایی را که خدای سبحان عطا فرموده، بیهوده تلف نمایی! بیا و طعم بهره روحانی و لذت بندگی و پرستش خدا و تسلط بر نفس را تجربه کن!

بر سر این سفره گسترده ضیافت الهی در این ماه بنشین و از موائد آن تناول کن. و خود را در معرض نسیم رحمت الهی قرار ده. به جای نغمات موسیقی و اصوات طرب انگیز، به نوای زیبای تلاوت قرآن و مناجات با خدا و دعا، گوش خود را آشنا ساز و در یک عبارت، برادر و خواهر عزیز! در اندیشه فردا و پایان کار خویش باش.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۴

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ [۲۰]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۶

فصل سوّم: رمضان، ماه نزول قرآن

اشاره

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

بنابر تفسیر معتمد و مأخوذ از روایات و احادیث از آیه شریفه: «شَهْرُ رَمَضَانَ...» نزول قرآن کریم در این ماه مبارک، مستفاد است. و احتمال این که مراد از جمله: «أُنزِلَ فِيهِ...»، «أُنزِلَ فِي صَوْمِهِ، او فِي فَرَضِ صَوْمِهِ» باشد، یعنی درباره روزه ماه رمضان یا وجوب آن، [آیات قرآن نازل شده است، خلاف ظاهر و مرجوح است و تفسیر اوّل موافق با ظاهر است. از این رو، احتمال خلاف ظاهر، محتاج به حذف و تقدیر است. علاوه بر آن که بر حسب این احتمال، نزول قرآن در فرض روزه ماه رمضان، امتیاز خاصّ روزه نمی‌شود؛ زیرا واجبات دیگر مانند: نماز، حج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... نیز این امتیاز و شرافت را دارند که قرآن، در فرض آن‌ها نازل شده؛ علاوه بر این که بنا بر این احتمال، امتیاز نزول قرآن در فرض روزه، مربوط به روزه یا فرض آن می‌شود و مستقیماً و بالذات به روزه یا فرض روزه

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۷

ارتباط دارد و ثانیاً و بالعرض و بالواسطه، به ماه رمضان مربوط می‌شود

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۸

و این نیز، خلاف ظاهر است.

بنابر این آیه شریفه، بیان کرامت و شرافت ماه رمضان، به واسطه نزول قرآن مجید است و بلکه از این آیه، اختیار این ماه از میان ماه‌های دیگر برای همین شرافت و فضیلت - که قرآن در آن نازل شده است - استفاده می‌شود و شاید یکی از حکمت‌های روزه در

این ماه، قیام به وظیفه شکر نعمت و به پا کردن سال‌گرد نزول قرآن و تجدید ارتباط با کتاب خدا و تعالیم و برنامه‌های قرآنی است تا مسلمانان همه ساله به مدت یک ماه، سال‌گرد نزول کتاب مقدس الهی را در ضمن انجام یک عبادت بزرگ، به نام «روزه» گرامی بدارند، و شکر خدا را به جای آورده و به قرائت و تأمل در معانی آیات الهی و استفاده از علوم و دانش‌های قرآن- که متضمن سعادت دنیا و آخرت است- مشغول باشند.

حکمت این که تلاوت قرآن در این ماه فضیلت و ثواب بیشتری دارد نیز محتمل بر این است که چون این ماه، ماه نزول قرآن است، هیچ زمانی برای قرائت قرآن و الهام گرفتن از علوم و معارف آن، از این ماه مناسب‌تر نیست. همان‌گونه که نبوت محمدیه، نبوت جاودان و پیامبری به سوی همگان است، قرآن مجید نیز کتاب جاودان و پاینده این نبوت می‌باشد که برای جهانیان نور و دعوت پایدار به توحید، حق و عدالت، صلح و صفا، آزادی و مساوات، رحمت و هدایت، شفای بیماری‌های اجتماعی،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۹

اخلاقی و فکری، در مرور تمام ازمنه و اعصار است.

پس، برترین شرافت‌های این ماه، نزول قرآن و از برترین عبادات در آن، تلاوت و تفکر و تأمل در معانی و حقایق قرآن است. این مسأله را که: «مراد از نزول قرآن چیست؟ و آیا مراد، نزول تمام قرآن یا مراد، آغاز نزول قرآن است؟» را، به دلیل آن که سخن به درازا می‌کشد فعلاً مطرح نمی‌کنیم و انشاءالله تعالی در مجالی دیگر، از آن بحث می‌نماییم. پس از این که دانسته شد نزول قرآن در ماه مبارک رمضان بوده، برای تعیین آن که بدانیم این واقعه بی‌نظیر و عظیم در شب اتفاق افتاده و یا در روز به وقوع پیوسته است، به خود قرآن مراجعه می‌کنیم.

برحسب اولین آیه سوره «قدر» و آیه سوم سوره «دخان» نزول قرآن در «لیل القدر» یا «لیل المبارکه» واقع شده است. و امّا این که این شب، کدام یک از شب‌های ماه رمضان بوده است، بر حسب اخبار و روایات از یکی از شب‌های «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوم»- که همان «شب قدر» است- بیرون نیست. که در ضمن فصل دیگر، مختصری از فضایل آن شب را تذکر می‌دهیم. (انشاءالله تعالی).

نکاتی که در این جا به طور اشاره یادآور می‌شویم، فضیلت قرآن و دیگر، معجزه بودن آن است:

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۰

۱. فضیلت قرآن

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که: شنیدم پیغمبر خدا صلی‌الله علیه وآله وسلم می‌فرمود: زود باشد فتنه‌ها پدید شود! عرض کردم: ای رسول خدا! به چه چیز یا به چه راه از آن فتنه‌ها بیرون توان شد؟

فرمود: به کتاب خدا که خبر آن چه پیش از شما بوده و خبر آن چه بعد از شما و حکم آن چه بین شماست، در آن است؛ جدا کننده میان حق و باطل است و هزل و بازی و باطل نیست؛ هواهای مردم آن را منحرف نگرداند و دانایان از آن سیر نشوند و از تکرار قرائت و بسیاری تلاوت کهنه نگردهد؛ و عجایب آن تمام نشود، و هر کس آن را از روی تجبر و تکبر، ترک کند خدا او را بشکند؛ و هر کس هدایت را در غیر آن طلب کند، حق تعالی او را گمراه سازد؛ ریسمان استوار خداست و صراط مستقیم است. هر کس به آن عمل کند، اجر یابد و هر کس به آن حکم کند، حکم به عدل کند و هر کس به سوی آن بخواند، به سوی راه مستقیم خوانده است. [۲۱]

در نهج البلاغه از حضرت علی، امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود:

وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُغْشَى، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ، وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يُكْذِبُ، وَمَا جَالَسَ هَذَا

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۱

الْقُرْآنَ أَحَدًا أَلَا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ، زِيَادَةٌ فِي هُدًى، وَنَقْصَانٍ مِنْ عَمَى، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَافَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَدَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالنَّفَاقُ وَالْغَيُّ وَالضَّلَالُ [۲۲]

بدانید این قرآن آن نصیحت کننده‌ای است که خیانت نمی‌کند و راهنمایی است که گمراه نمی‌سازد و محدثی است که دروغ نمی‌گوید. هیچ کس با این قرآن هم‌نشین نشد، مگر آن که از نزد آن، به زیادت‌ی یا نقصان- زیادت‌ی در هدایت و نقصان در کوری و گمراهی- برخاست. بدانید که هیچ کس را بعد از قرآن، نیاز و فقری نیست (بعد از نزول قرآن، به هیچ قانون و برنامه‌ای در اصلاح امور معاش و معاد و دنیا و آخرت نیازی نیست و هیچ کس را پیش از قرآن، بی نیازی نیست).

پس، برای دردهای خود از آن شفا بجوید و بر سختی‌ها از آن کمک و یاری بخواهید؛ زیرا در آن شفای بزرگ‌ترین دردهاست؛ و آن، درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است. [۲۳]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۲

۲. فضیلت قرائت قرآن

بر حسب روایتی که در کافی شریف آمده است قرائت قرآن، کفاره گناهان و پرده از آتش و امان از عذاب است و به قرائت هر آیه، ثواب صد شهید و به تلاوت هر سوره، ثواب پیغمبر مرسل نوشته می‌شود.

این فضیلت و فضایل دیگر که در سایر احادیث رسیده است، در ماه رمضان چندان زیاد می‌شود که بر حسب خطبه شریفه «رمضانیه»، قرائت یک آیه در این ماه، اجر ختم قرآن در ماه‌های دیگر را دارد.

قرآن شفای بیماری‌های روحی، هدایتگری در ضلالت و گمراهی، رحمتی از برای مؤمنین، و موعظه و پند و عهد خدا است. از این رو، باید مؤمنان با الفاظ و معانی آن، دل‌ها، زبان‌ها، خانه‌ها، بازارها، مدارس و اجتماع خود را روشن و منور سازند و از تلاوت آن غفلت نورزند.

۳. معجزه جاودان

هر چه بر عمر جهان بگذرد، اعجاز قرآن ظاهرتر و عظمت و بزرگی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۳

آن بیشتر نمودار می‌گردد.

قرآن یکصد و چهارده معجزه باقیه است و خداوند معجزه بودن هر یک از آن‌ها را به وسیله وحی الهی اعلام و از خواص و عوام دعوت فرموده است که:

وَأَنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ [۲۴]

و اگر در آن چه بر بنده خود نازل کردیم شک دارید، پس- اگر راست می‌گویید- سوره‌ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را- به جز خدا- فرا خوانید.

چهارده قرن است که هزاران مرد برجسته و برترین نوابغ فن ادب و قهرمانان میدان سخن و خطابه و نظم و نثر از عرب و عجم، مسیحی و مسلمان و ملیت‌های دیگر، که نامشان در تاریخ به ثبت رسیده است، در صفحه تاریخ اعلام ادب عربی ظاهر شده، و این اعلان رسمی خداوند را در قرآن خوانده و شنیده‌اند؛ ولی هیچ یک از آنان نه در خود و نه در دیگران توانایی این کار را ندیده‌اند؛

و قرآن را مافوق کلمات بلغاء و فصحای بشر یافته‌اند.

در بشر، غریزه‌ای به نام «حبّ شهرت و نام جویی» وجود دارد. هر کس می‌خواهد نام و آوازه‌اش جهان را فرا گیرد و نامش بر سر زبان‌ها

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۴

باشد، و شهرتش از دیگران بیشتر شود و از هم‌ردیفان خود سبقت گیرد و شهرت و معروفیت بیشتری پیدا کند، می‌کوشد تا به گونه‌ای، برتری خود را به نمایش گذارد. تفوق و پیشرفت بشر در صنعت و ادب و هنر را باید مدیون این غریزه دانست. این غریزه را اعراب عصر پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و دیگران از آن عصر تا زمان ما دارا بوده‌اند؛ و بازار مسابقات ادبی در بین اعراب دوران جاهلیت و معاصر پیغمبر صلی‌الله علیه و آله گرم بوده است؛ و افتخار و اشتها، بیش‌تر نصیب کسی بود که زیباترین قصیده را سروده و یا خطبه‌ای جذّاب بیان کرده و بر شهرت خود و قوم و قبیله‌اش افزوده باشد.

پس چگونه شد که از آن زمان تا حال کسی در مقام معارضه با قرآن برنیامد؟ [۲۵] و چرا هزاران تن از نوابغ جهان ادب و بلاغت، به طور فردی یا جمعی در اندیشه چنین کسب شهرت و بلند نامی برنیامدند؟

چرا تا حال که نزدیک به چهارده قرن است که از نزول آخرین کتاب الهی می‌گذرد هم‌چنان فریاد قرآن و ندای آسمانی «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» [۲۶] در جهان بلند است؟

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۵

چرا با وجود آن که برخی در مقام مبارزه با اسلام و کارشکنی و جلوگیری از پیشرفت آن به هر اقدام ممکن و خطرناک، به جنگ و خون‌ریزی، نیرنگ‌های سیاسی، فتنه و آشوب‌گری و ... دست زده‌اند، امّا از نیروی ادب و بیان و از تلفیق حروف و الفاظ و کلمات- که بعد از نیروی تفکر آسان‌ترین اعمال بشر است- استفاده نکرده‌اند و حجت قرآن، برهان و معجزه باقیه اسلام را باطل نساختند؟!

پاسخ روشن است: چون از همان آغاز کار، کلام خدا را بر فراز آسمان و کلمات فُصِّحَا و بُلْغَا نامی را بر زمین و از آن هم فروتر دیدند و دانستند که بنده عاجز و مخلوق محتاج، نمی‌تواند با خدای توانا و خالق بزرگ جهان معارضه کند!

حقیقت شگفت‌انگیز است: پیامبر ارجمند اسلام برای این که هیچ‌گونه برخوردی میان او و کفار واقع نشود، عذری برای آن‌ها باقی نماند، قطره خونی از کسی نریزد و آتش جنگ و نبرد روشن نشود، به مردم مکه و به تمام فُصِّحَا و بُلْغَا و به جمیع جنّ و انس، حاضر و غایب، اعمّ از معاصران و آیندگان ابلاغ کرد که اگر همه، اجتماع کنند و به پشتیبانی هم در آیند، نمی‌توانند مانند این قرآن را بیاورند.

چرا با این که امرای کلام و قهرمانان صحنه سخنوری، شاهد و ناظر چنین ابلاغی بودند، در این میدان وارد نشدند و به شمشیر متوسل

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۶

گر دیدند؟!

آری، آنان می‌دانستند که شرکت در این مسابقه، جز رسوایی و شکست نتیجه‌ای نخواهد داشت.

رُذِّتْ بِلَاغَتِهَا دَعْوَىٰ مُعَارِضِهِارَدَّ الْغُيُورِ يَدَ الْجَانِي عَنِ الْحَرَمِ
دَامَتْ لِدُنْيَا فَفَاقَتْ كُلَّ مُعْجِزَةٍ مِنَ النَّبِيِّينَ إِذْ جَاءَتْ وَلَمْ تَدْمِ

ناتوانی و عجز بشر از آوردن کلامی مثل قرآن، اکنون چنان تثبیت و پابرجا شده که مخالفان و دشمنان اسلام با شدت مخالفت و با تمام اهمّامی که در دشمنی و جلوگیری از تحقق مقاصد اسلام دارند، از معارضه با قرآن مأیوس و ناامید گردیده‌اند و اگر

قدرت‌های نیرومند استعماری و تبشیری مسیحی و یهودی و ... این کار را امکان‌پذیر می‌دانستند، بدان اقدام می‌کردند. کسانی که با قدرت سیاسی و مادی خود، مسلمانان را تحت فشار گذارده، از اجرای احکام اسلام جلوگیری کرده و از هیچ چیز مانند: قیام مسلمین و به پا خاستن پرچم وحدت اسلامی و توحید، هراسناک نیستند؛ اگر می‌توانستند از این راه با اسلام مبارزه می‌کردند و این راه را که در جهان معاصر مؤثرتر و آسان‌تر است بر می‌گزیدند؛ اما همه دانشمندان، سخن‌شناسان، اساتید و ادبای عرب عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۷

زبان شرقی و غربی اتفاق دارند که این معارضه به جایی نمی‌رسد و جز تثبیت بیشتر اعجاز قرآن و تأیید خبر غیبی «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا» [۲۷] ثمری ندارد.

قصد ما این نیست که در این مجال، از اعجاز قرآن سخن بگوییم. اساتید و مشاهیر علوم ادب درباره اعجاز قرآن کتاب‌ها نوشته‌اند و این بحثی است که روز به روز دامنه آن وسیع‌تر می‌شود و هر کدام از رشته‌ها و نواحی متعدده آن محتاج به کتابی ویژه است. وجوه اعجاز قرآن منحصر به فصاحت و بلاغت نیست؛ بلکه قرآن از نواحی مختلف مانند: فصاحت و بلاغت، اسلوب، اخبار غیبی، جذبات روحی، جامعیت تعالیم و کامل بودن احکام و قوانین، بیان معارف و الهیات و علوم ماورای طبیعت، و ... معجزه می‌باشد. قرآن، کتاب حکمت، شریعت و قانون، اخلاق، توحید و خداشناسی، تاریخ و عبرت است و اصول علوم زیست‌شناسی، بهداشت، اقتصاد، زراعت، نجوم و حقوق مدنی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... در آن درج است.

اقبال پاکستانی چه نیک و زیبا سروده است که:

نقش قرآن چون در این عالم نشست نقش‌های کاهن و پاپا شکست

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۸

فاش گویم آن چه در دل مضمراست این کتابی نیست چیز دیگر است

چون به جان در رفت، جان دیگر شودجان که دیگر شد، جهان دیگر شود

در پایان این بحث، شهادت چند تن از دانشمندان مسیحی و مادیون را راجع به قرآن- این کتاب بزرگ آسمانی- ذکر می‌کنیم:

گواهی بیگانگان بر عظمت قرآن

۱. دکتر شبلی شمیل، لبنانی، متوفی ۱۹۱۷ میلادی، مؤلف کتاب «الحقیقه» در قصیده مشهوری که در مدح رسول اعظم صلی الله علیه و آله وسلم دارد، می‌گوید:

دَع مِنْ مُحَمَّدٍ فِي صَدَى قُرْآنِهِ لَا قَدْ نَحَاهُ لِلْحَمَةِ الْغَايَاتِ
أَنْتِي وَأَنْ أَكُّ قَدْ كَفَرْتُ بِدِينِهِ هَلْ أَكْفُرَنَّ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ
وَمَوَاعِظَ لَوْ أَنَّهُمْ عَمِلُوا بِهَا مَا قِيدُوا الْعُمَرَانَ بِالْعَادَاتِ
بِبَلَاغَةِ الْقُرْآنِ قَدْ خَلَبَ النَّهْيُ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۹

وَبَسِيفِهِ انْحَى عَلَى الْهَامَاتِ مِنْ دُونِهِ الْإِبْطَالِ فِي كُلِّ الْوَرَى
مِنْ حَاضِرٍ أَوْ غَائِبٍ أَوْ آتٍ

۲. ناصیف یازجی مسیحی، متوفی ۱۸۷۱ میلادی نویسنده و ادیب مشهور و مؤلف کتب «طوق الحمامه» و «مجمع البحرين» به فرزندش ابراهیم یازجی - که از رهبران نهضت علمی، ادبی و لغوی عرب، حافظ قرآن و مؤسس مجله «الضیاء» به شمار می‌رود - چنین وصیت کرده است:

اِذَا شِئْتَ اَنْ تَفُوَّقَ اِقْرَأَنَّكَ فِی الْعِلْمِ وَالْاَدَبِ وَصَنَاعَةِ الْاِنْشَاءِ فَعَلَيْكَ بِحِفْظِ الْقُرْآنِ وَنَهْجِ الْبَلَاغَةِ [۲۸]

۳. استاد سنایس می‌گوید: قرآن، قانون عامی است که باطل از هیچ سویی به آن راه ندارد و صالح و شایسته برای هر زمان و مکان است و اگر مسلمانان به آن تمسک جسته و طبق تعالیم و احکام آن عمل می‌نمودند، صبح می‌کردند در حالی که مانند گذشته بر همه امت‌ها

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۰

سیادت داشتند. [۲۹]

۴. بوسور سمیث انگلیسی می‌گوید: در تاریخ این موضوع، یگانه و بی‌مانند است که محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم کتابی آورد که آیت بلاغت و دستور شرایع و نماز و دین است. [۳۰]

۵. دکتر گوستاولوبون فرانسوی می‌گوید: تعالیم اخلاقی قرآن، برگزیده آداب عالی و خلاصه مبادی کرام اخلاق است و از آداب انجیل، به درجات بالاتر است. [۳۱]

۶. ادوار لوهارت می‌گوید: نور حکمت قرآن، نوری است که بر سینه پیغمبری که برای ارشاد بشر مبعوث شد، نازل گشت و دستوری باقی گذارد که هرگز با آن گمراه نمی‌گردند؛ قرآنی که جامع مصالح دنیا و خیر آخرت است. [۳۲]

۷. کنت هنری دی کستری می‌گوید: اگر در قرآن، غیر از جلوه و روشنی معانی و جمال و زیبایی مبانی دیگری نبود، کافی بود که بر افکار مسلط شود و قلوب را فرا گیرد. [۳۳]

۸. ریتورت واجب است اعتراف کنیم که: علوم طبیعی و فلک و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۱

فلسفه و ریاضیات که در اروپا در قرن دهم رواج و رونق یافت، اقتباس از قرآن گردید و اروپا مدیون اسلام است. [۳۴]

۹. جویث قرآن، به جهت کثرت فصاحت و بلاغت، خواننده را به محاسن خود جذب می‌نماید و شوق و علاقه او را به قرائت، زیاد می‌کند. [۳۵]

۱۰. دکتر موریس فرانسوی: قرآن فاضل‌ترین کتابی است که دست صناعت ازلی برای بشر پدید آورده و کتابی است که در آن شک و شبهه‌ای نیست. [۳۶]

۱۱. بولاتیتلر: دشوار است که انسان گمان کند، قوه فصاحت بشری دارای تأثیر قرآنی باشد. قرآن معجزه است؛ زیرا مردان زمین و فرشتگان آسمان از ساختن مثل آن عاجز و قاصرند. [۳۷]

۱۲. پروفیسور دکتر سیلیقیو فردیو ایتالیایی می‌گوید: بیشتر کسانی که در قرآن بحث و بررسی دارند، در تاریخ شرق متخصص هستند و از تعصب برکنارند؛ اجماع دارند بر این که: بزرگ‌ترین عمل ممکن بشر تا این زمان قرآن است. [۳۸]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۲

۱۳. مستر کرنیکو انگلیسی، استاد آداب عربی در دانشگاه «الیکره»، وقتی که اساتید و ادبا در مجمعی از او درباره اعجاز قرآن پرسش کردند، پاسخ داد: قرآن برادر کوچکی به نام نهج البلاغه دارد. آیا در امکان کسی هست که مانند این برادر کوچک بیاورد تا برای

ما جایز باشد که در امکان آوردن مثل برادر بزرگ، سخن بگوییم. [۳۹]

۱۴. لیون در جلالت و مجد قرآن، همین بس که مرور چهارده قرن نتوانسته از آن چیزی بکاهد، و هم چنان تازه و زنده است. [۴۰]
 ۱۵. جیبوس نیز از کسانی است که اعتراف می‌کند به این که قرآن، دستور اساسی و قانون عام برای عالم اسلامی است، دین و دنیا، سیاست و اجتماع، جنگ و تجارت، دادگستری و داوری و آنچه بر آن حیات انسانی دور می‌زند، در قوانین قرآن فراهم شده است. [۴۱]

۱۶. ادموند یورک قانون محمّدی، قانونی است که برای همگان از سلطان تا کم‌ترین فرد مقرر شده، و استوارترین نظام حقوقی و بزرگ‌ترین موازین علمی قضایی و عظیم‌ترین تشریح روشن و منوری است که همانند آن در عالم، هرگز پدیدار نشده است. [۴۲]
 ۱۷. الکس لوازون محمّد صلی الله علیه و آله و سلم کتابی به جا گذارد که در

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۳

میان مسایل علمی جدید و نوین، آیت بلاغت و سجل اخلاق و کتاب مقدّس است؛ مسأله‌ای که با اساس و پایه‌های اسلامی معارضه نماید، وجود ندارد و بین تعالیم قرآن و قوانین طبیعت مناسبت و سازگاری و مطابقت تمام برقرار است. [۴۳]

۱۸. جیمس متشنز: شاید قرآن از هر کتابی در عالم، بیشتر خواننده داشته باشد و به طور حتم از هر کتابی برای حفظ، آسان‌تر و تأثیرش در دل‌ها بیشتر است. و از مزایای آن این است که هنگام شنیدن آن، دل‌ها خاشع و ایمان زیاد می‌شود. [۴۴]

۱۹. دکتر لوئیس صابونجی متوفی ۱۹۲۸، قصیده‌ای در مدح پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم سروده است که مَطَّلَع آن این است:

أَلَى الْعَرَبِ وَافِي بِالرِّسَالَةِ أَحْمَدُ وَجَاءَ بِآيَاتِ الْكِتَابِ يُوْحِدُ [۴۵]

۲۰. عبدالله یورکی در اشعار بسیاری رسول اعظم و قرآن مجید را مدح و ستایش فراوان کرده که از آن جمله این ابیات است:

قَبَسٌ مِنَ الصَّحْرَاءِ شَعَشَعٌ نُورُهُ فَجَلَا ظَلَامَ الْجَهْلِ عَنِ دُنْيَانَا

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۴

وَمَشَى وَفِي أَرْدَانِهِ عَبَقُ الْهُدَى وَارِيحُ فَضْلِ الْعَطْرِ الْإِكْوَانَا

بَثَّ الشَّرِيعَةَ مِنْ غِيَاهِبِ رَمْسِهَافِرَعَى الْحُقُوقِ وَفَتَّحَ الْأَذْهَانَا

مَرَحَى لَأْمَى يَعْلَمُ سَفْرَهُ بُغَاءَ يَعْرَبِ حِكْمَهُ وَبِيَانَا

تا این که می‌گوید:

أَنْتِ مَسِيحِي أَجَلُ مُحَمَّدًاوَرَاهِ فِي سَفْرِ الْعُلَا عُنْوَانَا

وَاطَّأَطَا الرَّأْسَ الرَّفِيعَ لِذِكْرِ مِنْ صَاغِ الْحَدِيثِ وَعَلَّمَ الْقُرْآنَا

أَنْتِ إِبَاهِي بِالرَّسُولِ لِأَنَّهُ صَقَلَ النُّفُوسَ وَهَدَّبَ الْوُجْدَانَا

وَلِأَنَّهُ دَاسَ الْجَهَالَةَ وَأَنْتَضَى سَيْفَ الْجِهَادِ فَحَطَّمَ الْإِوْثَانَا [۴۶]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۵

غیر از شخصیت‌های مذکور، دانشمندان، شعرا و ادبای دیگری مانند: «ودیع بستانی»، «خلیل مطران»، «شبلی ملاط»، «سابازاریق» (شاعر فیحاء)، «حلیم دموس»، «تولستوی» روسی، «میس کوک» آمریکایی، «کارلایل»، «ولز» انگلیسی، «مونتیه» فرانسوی و دیگر

دانشمندان بزرگ کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکایی - که حتی آوردن نام آن‌ها در

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۶

این مجال امکان ندارد - از قرآن به بزرگی و اعجاز یاد کرده‌اند که یکی از اهل اطلاع، کتابی بزرگ در این موضوع نگاشته و در آن، اعترافات بیگانگان را از هر ملت، هر کشور و هر زبان، با همان لغات و خط خودشان جمع آوری کرده و کرامت اسلام، جامعیت، مزایا و مفاخر این دین حنیف را از زبان و قلم آنان شرح داده است.

وَالْفُضْلُ مَا شَهِدْتُ بِهِ لِالْاَعْدَاءِ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۸

فصل چهارم: قرآن، کتاب زندگی

تمسک به قرآن

ما مسلمانان بر آن عقیده‌ایم که قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است و کافی تر و جامع‌تر از آن دستوری برای بشر نیامده و نخواهد آمد و جامعه انسانی با وجود احکام قرآن و مکتب اسلام به هیچ نظام و قانون دیگری احتیاج ندارد. شک نداریم که اگر تعالیم قرآن به اجرا درآید، نقاط ضعف و نابسامانی‌هایی که زندگی جوامع بشری را فرا گرفته، مرتفع خواهد شد و برادری و عدل و داد، جهان را فرا خواهد گرفت.

بنابراین، وظیفه ما است که به حکم حدیث شریف و متواتر:

اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَعِترَتِیْ مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهَمَّا لَنْ تَضِلُّوا اَبْدًا [۴۷]

به قرآن و عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متمسک شویم و رسالت

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۹

قرآن را به جهانیان برسانیم؛ مبدأ و مقصد انجام حرکات و نهضت‌ها، اقدامات و انقلاب‌های اصلاحی را، تعالیم قرآن قرار دهیم؛ همواره آن را نقطه شروع و نقطه پایان، مصدر هدایت و منبع جهش بدانیم. در تمام شؤون و نواحی زندگی فقط به قرآن و عترت رجوع نماییم و آن را یگانه میزان و قانون محترم و واجب‌الاتباع دین و دنیا دانسته، در هیچ اقدام و هیچ حال از آن غافل نگردیم. بدیهی است که مسلمان نمی‌تواند قرآن را از زندگی، اجتماع و دین و دنیای خود دور کرده و به جدایی دین از دنیا و روحانیت از سیاست، قایل شود.

مسئولیتی که متوجه ما مسلمانان، می‌باشد، این است که به جدایی دین از دنیا تسلیم نگردیم؛ اگرچه بسیاری، نادانسته و جاهلانه این جدایی را پذیرفته‌اند.

هر فرد مسلمان باید به این پرسش‌ها پاسخ گوید:

آیا ما قرآن را مصدر واقعی اقدامات و منبع الهامات می‌دانیم؟ و برای اختلالات و ابلاغات اعتبار قایلیم؟ آیا در ایمان به قرآن و راهنمایی‌های آن جدی و پابرجا و استوار هستیم؟

آیا برنامه زندگی ما از قرآن گرفته شده است؟ و به قدر یک رژیم درمانی و بهداشتی و یک نسخه پزشک، از کتاب خدا پیروی می‌کنیم؟ و آیا می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ مثبت بدهیم؟

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۰

تا وقتی که زندگی، اجتماع، اعمال و رفتار، دروس و برنامه حیاتی به گونه‌ای باشد که در برابر این سؤالات، جواب مثبت نداشته

باشیم، از حریم امن و کرامت و عزت قرآن مجید دور هستیم.

قرآن و اجتماع اسلامی

تشخیص و تمیز اجتماع اسلامی از جوامع دیگر به این است که مصدر افکار و افعال و سلوک اجتماعی، تربیتی، تجاری، سیاسی و مبدأ تحرک و محور تمام فعالیت‌های علمی و صنعتی و اصلاحی، «قرآن» و «سنت» باشد. از این رو، اگر مسلمانان بتوانند در آغاز و مطلع قرن پانزدهم چنین انقلابی در جهان اسلام و در جوامع خود به وجود آورند، آینده آنان سعادت بخش و مقرون به رستگاری و آزادی خواهد بود و برای ابلاغ رسالت اسلام به جهانیان و نجات بشر از این همه سرگردانی و گمراهی، لیاقت و شایستگی خواهند یافت.

با کمال تأسف، جهل به احکام و تعالیم و ارشادات قرآن و عدم دست‌یابی بسیاری از مسلمانان به اهداف واقعی و مقاصد این دین حنیف، سبب شده که افرادی به اصطلاح روشن‌فکر اما گمراه و کم‌اطلاع این حقیقت که قرآن باید مبدأ تحرک و مصدر اقدامات و سازنده اجتماع باشد را انکار و یا در آن تردید نمایند.

اگر این گونه افراد، در نظراتی که اظهار می‌دارند، مقصدشان تقلید کور

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۱

کوران از بیگانگان و تأیید دشمنان اسلام و مزدوری برای آن‌ها نباشد و در عقیده خود اصرار و لجاجت ندارند، باید با ادله و براهین و تذکر آیات محکم قرآن در مسایل مهم سیاسی، اجتماعی و انتظامی آنان را قانع سازیم که انسان در هر دور از ادوار حیات و در هر عصری از اعصار و در شئون مختلف از قبیل: حیات دنیا و آخرت، روح و جسم، ظاهر و باطن، انفرادی و اجتماعی، محتاج به هدایت خدا و استمداد از رهبران آسمانی و پیروی از برنامه‌های جامع الهی است. و چنان‌چه تحقیق و مطالعه در ادیان و کتب آسمانی و مکتب‌های اجتماعی نشان می‌دهد: غیر از قرآن، دستورالعمل دیگری - که جاودان و کافی و شامل تمام نواحی زندگی باشد - وجود ندارد.

افراد دیگری فکر جدایی دین و دنیا را پیش کشیده و می‌خواهند دایره هدایت قرآن را تنگ کرده و دین را منحصر به عبادات، اخلاقیات و عقاید سازند و در حقیقت، قرآن را صرفاً یک کتاب اخلاق یا یک کتاب دعا تلقی کرده و آن را در مجالس ترحیم و بر سر قبور اموات بخوانند و هنگام سفر، به همراه آن مسافر را بدرقه کنند و یا در سند ازدواج و جهیزیه، از روی تبرک، وجود یک جلد قرآن را ذکر کنند و یا آن را به بازوی خود ببندند و شاید عده قلیلی هم باشند؛ که گاه گاهی به فیض تلاوت آن نایل شوند.

اما آیا انتفاع و استفاده از قرآن، فقط همین است و معنای

«وَمَنْ جَعَلَهُ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۲

إِمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ» [۴۸]

این می‌باشد؟

بدیهی است افرادی که قرآن را از دنیا و از اجتماع، از معاشرت و مجالست، از اداره مملکت و منزل و امور دیگر جدا ساخته و اسلام را در فکر و عمل تجزیه کرده‌اند، گمراه هستند؛ زیرا بر حسب محکمت آیات قرآن و اجماع مسلمین و سیره رسول اعظم و ائمه علیهم السّلام و احادیث و اخبار و فقه اسلام، دین از دنیا جدا نیست و تعالیم قرآن محدود به امور عبادی، اعتقادی و اخلاقی نمی‌باشد.

درباره نظم بخشیدن به امور دنیایی از قبیل: امور مالی و اقتصادی، قضایی، حکومتی، اجتماعی و سیاسی در قرآن آیات صریح

بسیاری موجود است و هر کس به دقت قرآن را مطالعه کند، می‌یابد که رسالت قرآن، هدایت بشر در جمیع نواحی زندگی است. جدایی دین از دنیا- که بعضی به تقلید بیگانگان، آن را مطرح می‌کنند- به هیچ وجه با تعالیم اسلام سازگار نیست و معنای آن، نقص دین و شریعت (العیاذ بالله) و وافی نبودن آن به رفع حوائج و نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی است.

برخی دیگر نیز هدایت قرآن را تمام و جامع و شامل می‌دانند؛ ولی در مقام عمل به تعالیم دیگر گرایش پیدا می‌کنند و مکتب‌های غیر اسلامی، و افکار و آراء و دستور زندگی خود را از جاهای دیگری اقتباس

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۳

می‌نمایند و سپس سعی دارند با تأویل و توجیه نصوص، کتاب و سنت را با آن افکار و تعالیم، موافق معرّفی نمایند. چنان چه برخی در استفاده از آیات قرآن، اخبار و احادیث را ترک کرده و روایات را کنار می‌گذارند و بدین گونه بین قرآن و عترت جدایی می‌اندازند و به اجماع فقها و فهم و استظهارات بزرگان، اعتنا نمی‌کنند، که بی‌شک هدف آنان از این روش، پیدا کردن معاذیر و دستاویزهایی برای پیروی از نظریات مأخوذ از دیگران و تقلید از اجانب و مکتب‌های غرب یا شرق است.

این دو دسته نیز در روشنی تعالیم اسلام گام بر نمی‌دارند، و روشی که دارند، آنان را از قرآن دور، و جمال زیبای اسلام را مستور، و هرج و مرج فکری و اعتقادی و پراکندگی ایجاد می‌کنند.

این دو دسته را باید به کیفیت صحیح و طریق مستقیم استفاده و استنباط از کتاب و سنت، راهنمایی کرد؛ و از توجیه و تأویل و هم چنین تقلید از افکار بیگانگان و مکتب‌های مادی و ضعف شخصیت، برحذر داشته و آنان را به استقلال فکر و تعقل و تأمل و پیروی از علم تشویق نمود.

دسته پنجم، کسانی هستند که به طور جدی و قاطع، قرآن را منبع هدایت و یگانه کتاب راهنمای دنیا و آخرت می‌دانند؛ و از هیچ مکتب و مصدر دیگری حاضر به اقتباس برنامه زندگی نیستند و متون و نصوص کتاب و سنت را محترم شمرده و به حلال و حرام واجب و مستحب

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۴

و مکروه آن ایمان آورده و قرآن را راهنمایی برای همه می‌دانند.

این افراد را می‌توان اهل قرآن و ائمت قرآن خواند؛ و این‌ها هستند که می‌توانند جمله

«وَالْقُرْآنُ كِتَابٌ» [۴۹]

را بگویند.

این جمعیت، جمعیت وفادار به قرآن و خواهان اجرای کامل احکام قرآن هستند؛ هر چند وفاداری و فداکاری آنان یکسان نیست و امتحانات و حوادث، معلوم می‌سازد که تا چه حد و تا کجا و به چه مقدار برای قرآنی شدن اجتماع، فداکاری و اقدام می‌کنند.

آیا به همان عقیده قلبی و بحث علمی در این موضوع، قناعت کرده یا حاضرند قدم به جلو گذارند و واقعاً هدایت اسلام را بر مسایل زندگی از اخلاق و معاملات، تربیت، اقتصاد و ... تطبیق نمایند و به اختطارات و انذارات و بشارت‌ها و تعالیم قرآن توجه کنند؟

وظیفه‌ای که این دسته در مقابل دین و قرآن دارند این است که: قرآن را مایه نشاط فکری و برنامه عمل و حرکت قرار داده و تصمیم بگیرند که در هیچ جا و هیچ مورد از آن منحرف نشوند و تنها به این که قرآن، زینت اوراق مصاحف و محور بحث‌ها و مطالعات علمی و فقهی و تحقیقی است و از خواندن و نوشتن و شنیدن آن، زبان‌ها و دست‌ها و چشم‌ها و گوش‌ها مستفیض می‌شود، اکتفا نکرده و اجرای احکام قرآن را- که کتاب عمل و کتاب دین و دنیا و برنامه حیات است- هدف

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۵

خود قرار داده و به آن اهمیت بدهند؛ دین و احکام آن را به عقاید و عبارات و جنبه‌های فردی و روحی محدود نسازند و در هر

رشته‌ای احکام قرآن را مطاع و مرجع دانسته؛ و دنیا و آخرت خود را با احکام آن اداره کنند.

تا وقتی که این وضع در جوامع مسلمانان به وجود نیاید و افراد غیور و با همت برای تحقق این مقصد، کمر همت نبندند و صادقانه و مخلصانه، تلاش و جهاد نمایند، از بحث علمی و اعتقادی بی‌عمل، رهبری و هدایت قرآن بر کرسی تسلط مطلق بر تمام شؤون بشر، مستقر نمی‌شود. از این رو باید کاری کرد که آفتاب اسلام در عرصه‌های گوناگون زندگی مسلمانان پرتو افکن شده و جلوه نفوذ و رسوخ اشعه آن در نواحی متعدد حیات آنان آشکار گردد.

یقیناً اگر بحث علمی و اعتقادی مقدمه عمل نباشد، سبب ادای رسالت اسلام و تمکین آن نخواهد شد. رهبران و زعما باید به طور جدی و صادقانه، اقدامات چشم‌گیر و مؤثری بنمایند که اسلام و احکام اسلام در میان متون و کتب حدیث و فقه و در حجره‌های مدارس طلب علم دینی و کتابخانه‌ها مستور و پنهان نماند؛ و در میادین دیگر به ویژه میدان عمل و سازندگی در هر زمان و مکانی آن احکام و دستورات عالی اجرا شود.

مادام که دنیا قرآن را در اجتماع مسلمانان، مرجع امور و مصدر نهضت

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۶

و تحرک نبیند، از حقیقت اسلام و قدرت آن در سازندگی مرفقی‌ترین اجتماعات چیزی نمی‌فهمد. و تا زمانی که قرآن را سازنده اجتماع و مدنیت ما نبینند، هر چه در تبلیغ اسلام و مطالبی که در اجتماع چند صد میلیونی مسلمانان از آن اثری نیست تلاش کنیم، ثمرات و آثار مهمتی نخواهد داشت.

دنیا به ما می‌گوید: اگر چنان چه شما مدعی هستید که از امت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشید؛ اسلام را دین خدا و قرآن را کتاب خدا و قانون حکومت و اجتماع و تجارت و حیات و موت می‌دانید و به آن ایمان دارید و نقص و ناتمامی در آن فرض نمی‌کنید، پس چرا ریزه‌خوار خوان دیگران شده و پای رکاب دیگران می‌دوید و کورکورانه نظریات و آرا و مبانی و راه دیگران را گرفته و ترویج می‌کنید؟

چرا در اجتماعات شما از اسلام جز در داخل مساجد، در مراسم عبادت، در گورستان، در مجالس دینی، مدارس طلب و کتب دینی کم‌تر می‌توان خبر گرفت و برنامه‌های اجتماعی وسیع و مرفقی اسلام، متروک و احکام آن تا حدودی تعطیل شده و مظاهر اجتماعات غیر اسلامی، از جمله در: خیابان‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و حتی تربیت و تجارت و تبلیغات، شما را فرا گرفته است؟!

وظیفه مسلمان‌ها است که با ساختن و روی کار آوردن اجتماع اسلامی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۷

به این پرسش پاسخ دهند.

در عصر حاضر، بهترین و بزرگ‌ترین خدمتی که هر مسلمان باید به اسلام و قرآن بنماید، این است که: با محدود کردن قرآن در دایره عبادت و چهاردیواری مساجد و خانه‌های علما و جدا کردن آن از اجتماع و امور دنیا- که یک فکر خطرناک غربی و بیگانه از اسلام است- مبارزه کند و مفاهیم و مقاصد وسیع اسلامی را ترویج و تبلیغ نماید؛ تا هر جا، هر مقام و هر مجمع، سازمان و مؤسسه‌ای، مظهر تعالیم اسلام گردیده و جامعه اسلامی با سرعت هر چه بیشتر ترقی نماید.

قال الله تعالی:

ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ [۵۰]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۸

فصل پنجم: سلام بر ماه خدا [۵۱]

اشاره

سلام بر میهمانان خدا!

سلام بر روزه داران!

سلام بر آنان که با نیروی ایمان، جنبش‌ها و تمایلات نفسانی را مهار کرده و می‌توانند خود را از آلودگی‌های شهوت و غضب، و از پلیدی و زشتی کنار کشیده و پاک و بی‌غُل و غش زندگی کنند.

سلام بر کسانی که حرمت ماه رمضان را نگاه داشته؛ و از برکات و فضیلت‌های این ماه برخوردارند.

روزه‌دار عزیز! تو میهمان خدایی! تو مشمول آمرزش و رحمت او هستی! نفس کشیدن تو ثواب تسبیح و خواب تو ثواب عبادت را دارد؛

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۹

پس قدر خود را بدان!

بدان که بزرگ‌ترین مکتب تربیتی و روحانی اسلام برای همه طبقات اعم از غنی و فقیر، شاه و گدا و عالم و جاهل، افتتاح شده و شعبه‌های

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۰

آن در کاخ‌های شهری و خانه‌های روستایی، در همه شهرها و نقاط مسلمان نشین باز گردیده و در عالم اسلام، وجد و نشاط و بیداری ضمیر و توجه به معنویات، همه چیز را تحت الشُّعاع قرار داده است.

به راستی که چه فرصت خوب و چه اوقات عزیزی است؛ اگر ما قدر آن را بدانیم. تا چه اندازه این ماه به ما نیرو می‌دهد؟ ما را امیدوار و سرزنده و تازه می‌کند و احساسات انسانی را بیدار می‌سازد؟

درود بر آن رهبرانی که در وصف روزه فرمودند:

الصَّوْمُ جُنَّةٌ [۵۲]

روزه سپر (زره) است.

به راستی روزه، سپر از گناه، از پلیدی و زشتی و از آفات خشم و شهوت است.

برنامه اخلاقی اسلام

در این دنیای پر غوغا که بسیاری از مردم از فشار مادیات و مدنیت (منهای انسانیت) خسته شده و از سرگردانی‌هایی که توجه به مادیات برای بشر فراهم نموده، به ستوه آمده و از رواج فساد اخلاق، فحشا و

بی‌عفتی و خدعه و نیرنگ رنج می‌برند، نیاز جامعه به معنویات و اخلاق هر روز آشکارتر می‌شود.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۱

جمعیتی به نام تسلیحات اخلاقی تشکیل شده است که متأسفانه چون برنامه کار آن‌ها به طور جامع و مستقیم از تعالیم مقدسه اسلام الهام نمی‌گیرد، موفقیتی به دست نمی‌آورند و اگر هم سر و صدایی بلند کنند، بسیار محدود و گاهی ممکن است با اغراض سیاسی توأم باشد. از این گونه جمعیت‌ها و سازمان‌های ضعیف، کاری ساخته نیست؛ و نمی‌توانند در قلب و روح بشر وارد شده و او را در برابر همه این خطرات بیمه نمایند.

یگانه راهی که بشر را به سر منزل رستگاری می‌رساند، راه اسلام است. همان آیینی که تعالیم و برنامه‌های آن، همه جانبه و در هر عصر و زمان مترقی‌ترین تعالیم است. همان دینی که معنویت و روحانیت آن، دل‌های بشر را تحت نفوذ گرفته و ماه رمضان، وضع و اوقات کار و پیشه، اداره و برنامه زندگی و ... را عوض می‌کند.

اسلام برنامه تسلیحات اخلاقی عمیقی از چهارده قرن پیش به اجرا گذارده که اگر همه با هم همکاری کنند تا این برنامه از هر لحاظ اجرا شود، سطح اخلاق فاضله به میزان بی‌سابقه‌ای بالا خواهد رفت.

این برنامه تسلیحاتی اسلام در مقابل سپاه خشم و شهوت، بی‌عفتی و ناپاکی، جنایت و خیانت، حبّ مال و جاه، بی‌رحمی، حرص، حسد، ظلم و ستم، تجاوز به حقوق ضعیفان، ضعف اعصاب و ضعف روح، ناتوانی اراده و آفات دیگر، همان برنامه ماه رمضان است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۲

البته اسلام برنامه‌های اخلاقی و اجتماعی دیگر، بسیار دارد که چون موضوع گفتار ما نمی‌باشد، بحث درباره آن را به فرصتی دیگر محوّل می‌کنیم.

برای ما توجه به برنامه‌های ماه رمضان لازم و مفید است؛ زیرا می‌توانیم با برنامه‌های آن نقاط ضعف و نواقص امور خود را برطرف کنیم.

آری، ماه رمضان، ماه روزه، قرائت قرآن، دعا و ذکر خدا، توبه و اعاده حیثیت، ماه کمک به مستمندان و صلّه رحم، ادب و حسن خلق بوده و دستوراتش به قدری جالب و ارزنده است که ارزش آن را با جواهرات و اموال این دنیا نمی‌توان سنجید. ثواب تمام اعمال حسنه و کارهای نیک در این ماه بیش از ماه‌های دیگر است.

قرائت قرآن مجید- به ویژه اگر با تأمّل در معانی آیات آن توأم باشد- ما را به معارف حقیقی و به عالم انسانیت، آشنا کرده و امراض روحی را شفا می‌بخشد.

رمضان و ادعیه

ادعیه‌ای که در این ماه خواندن آن‌ها توصیه شده، رشد فکری، علمی، اخلاقی و اجتماعی مسلمانان را قوّت می‌بخشد و آنان را به مصالح اجتماع و کوشش در قضای حوایج مردم، علاقه‌مند می‌سازد؛ و آتش

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۳

حرص و آزر را فرو می‌نشانند. [۵۳]

دعای «افتتاح»، معارف اسلام و عقاید حقیقی و حمد و سپاس خدا و کیفیت صلوات و عرض ادب به محضر پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام را می‌آموزد.

سحر گاهان خواندن دعاهای سحر مخصوصاً دعای «ابی حمزه ثمالی» انسان را در عوالمی ملکوتی و روحانی سیر می‌دهد و او را به افق‌های عالی صعود می‌دهد.

آن چه در این دعا درج است از مواد لازم برای ترقی روح، و از تمام موادی که استفاده از آن برای تغذیه جسم و تربیت بدن احتیاج می‌باشد، گران‌بها تر است.

این دعا، برای تربیت روح و اصلاح امور اجتماعی و هدایت فکری، اعتقادی و تنظیم امور معیشت، مانند کتاب جامعی است که حاوی تمام دستورات بهداشتی جسم باشد؛ هر چند این مثال هم در معرفی این دعا ناقص است.

تمام جملات این دعا، ارزنده و با اهمیت است و هر بندی از آن ما را به یک یا چند وظیفه از وظایف انسانی، اجتماعی و اخلاقی متوجه می‌سازد و از همه بالاتر، روحانیت و حقیقتی است که خواننده در این

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۴

دعا احساس می‌نماید.

نماز جماعت، مظهر اتحاد

نماز جماعت که یکی از بزرگ‌ترین شعایر اسلام است و همواره باید مظهر شوکت و اتحاد و نشانه اتفاق و عظمت مسلمین باشد، در ماه رمضان رونق بیشتری یافته و مساجد از نمازگزاران - که کار و شغل خود را رها کرده و در برابر خدا با هم کیشان خود از سیاه و سپید، سر به سجده می‌گذارند - موج می‌زند.

روح عدالت، مساوات و آزادی اسلامی ظاهر می‌شود. آقا و نوکر، استاد و شاگرد، فقیر و غنی، همه در کنار هم می‌ایستند و چه بسا که گاهی سرباز در صف جلو و افسر ارشد در پشت سر او مشغول نماز و نیایش ذات پروردگار است. [۵۴] و از آن‌ها کسی به خدا نزدیک‌تر است که تقوا و پرهیزکاریش بیشتر باشد و چنین همه با هم «الله اکبر» و «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» و «رَبِّيَ الْأَعْلَى» و «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَقَاعِدُ» می‌گویند.

ارشاد و تربیت در رمضان

علما و گویندگان و خطبا بر منبرهای وعظ و ارشاد، توفیق هدایت و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۵

دعوت به دین و بیان احکام و تهذیب اخلاق را در این ماه بیشتر دارند.

در حقیقت باید گفت: ماه رمضان یک مؤسسه تربیتی و ارشادی و مدرسه‌ای است که همه ساله تشکیل می‌شود و تعالیم آن عمومی و همگانی است. مدرسه‌ای که هم وظیفه آموزش و پرورش و هم وظیفه شهربانی خوب و مأموران امین انتظامات و هم وظیفه بهداری و هم عمران و آبادی و هم وظیفه سازمان‌های خیریه و تعاون و نیکو کاری و هم راهنمایی‌های دینی و اجتماعی را انجام می‌دهد.

به طور قطع اگر بشر بخواهد با تمام وسایل مادی و بودجه‌های هنگفت و کلان چنین مدرسه‌ای بگشاید که روحانیت و حقیقت آن را رهبری نماید، قادر نخواهد بود.

اما به نیروی نفوذ کلمه یگانه رهبر بزرگ جهان بشریت حضرت محمد بن عبدالله، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همه ساله این مدرسه و این دانشگاهی که بیش از ششصد میلیون دانشجو دارد و شعبه‌های آن مساجد و خانه‌ها و اطاق‌ها و منازل مسلمین است، افتتاح و معلمین روحانی از فراز منابر و درون مساجد به درس و راهنمایی و هدایت مردم انجام وظیفه می‌کنند.

اگر مسلمین به طور صحیح از این فرصت عالی برای تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی ایمان و صداقت و صحت عمل، بهره‌برداری نمایند، به طور قطع به موفقیت‌های درخشانی نایل می‌گردند.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۶

در این برنامه هیچ عیب و نقصی نیست و کامل‌تر از این برنامه تربیتی پیدا نمی‌شود؛ ولی متأسفانه ما در استفاده از آن کوتاهی می‌کنیم.

روزه دار عزیز! ما می‌دانیم که در روزه‌داری فقط به طاعت پروردگار نظر داری؛ اما بدان که روزه عبادتی است که مصالح و فواید آن بسیار است و فایده آن منحصر به تهذیب نفس و تمرین خودداری و ایستادگی و مقاومت در برابر تمایلات اهریمنی نفس سرکش و صفای باطن و نورانیت ضمیر نیست.

نقش بهداشتی روزه

روزه از نظر بهداشت جسم و جلوگیری از بیماری‌ها و از نظر علاج امراض هم مفید و مؤثر است. و اگر انسان بخواهد از سلامت مزاج برخوردار شود، باید همه ساله این یک ماه را به رژیم اسلام در غذا و سایر تمتعات عمل نماید.

مؤلف کتاب روزه و نفس می‌گوید: روزه از نظر صحی و بهداشتی، وسیله‌ای برای تطهیر بدن از سموم ضاره و از غذاهای غیر لازمه می‌باشد.

دکتر روبرت بارتلو می‌گوید: شکی نیست که روزه از وسایل مؤثر در نجات از میکروب‌های مضره است.

دکتر عبدالعزیز سلیمان می‌گوید: روزه در موارد بسیاری مورد استفاده

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۷

و طریق علاج است و در حالات بیشتری سبب حفظ صحت و سلامت بدن است.

وی پس از آن می‌گوید: حکمت بسیاری از اوامر دینی با پیشرفت علم ظاهر می‌شود و از آن جمله در مورد روزه ظاهر شده است؛

که در حالات بسیاری مفید و نتیجه بخش و در حالات دیگر علاج منحصر به فرد است.

سپس مواردی را که روزه به عنوان علاج تجویز می‌شود (مانند: اضطرابات مزمنه امعاء و التهاب حاد و مزمن کلیه و امراض قلب) را

ذکر کرده و می‌گوید: روزه در هر سال، یک ماه [۵۵] بهترین وسیله پیش‌گیری از جمیع امراض است که در حقیقت این بیان همان

ترجمه حدیث معروف «صُومُوا تَصْحُوا» است.

دکتر ظواهری می‌گوید: کرم ماه رمضان شامل بیماران بیماری‌های جلدی نیز شده است؛ زیرا بعضی امراض جلدی با روزه بهبود

می‌پذیرد.

وی بعد از یک سلسله تحقیقات علمی درباره امراض جلدی می‌گوید: بهترین علاج برای این حالات، خودداری و امساک

(روزه‌داری) از طعام و نوشیدنی‌ها است.

سپس، نظرات علمی خود را راجع به تأثیر روزه در جلوگیری از افزایش میکروب‌های ضاره اظهار داشته و می‌گوید: ماه روزه ماه

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۸

استراحت از این سموم و ضررهای آن می‌باشد.

او امراضی را معرفی می‌کند که «روزه» علاج آن‌ها شناخته شده است.

بعضی از دانشمندان مطلع می‌گویند: روزه وسیله حفظ الصحه و علاج امراضی است که تمدن و رفاه پرستی، سبب پیدایش یا انتشار

آن شده و هر چه وسعت دایره تمدن بیش‌تر شود، رژیم روزه‌داری اسلام بیشتر لزوم پیدا می‌کند. و سرّ این که اسلام از سایر ادیان

به روزه بیشتر اهمیت داده، این است که اسلام آخرین شریعت آسمانی است؛ و در زمانی آمده که امراض به واسطه افراط در

خوش‌گذرانی و خوش‌خوراکی، روز افزون بوده است.

بنا به نقل یکی از کتب علمی، تازه‌ترین نظرات علم بهداشت این است که: بر هر شخصی خصوصاً سالمندان واجب است در هر

هفته یک روز یا در هر ماه یک هفته را روزه بگیرند؛ و بهتر این است که در سال، یک ماه روزه بدارند.

یکی از مشهورترین مراکز بهداشتی دنیا، مرکز بهداشتی دکتر هنریج لاهمان در سدن سکسونیا است. در این مرکز صحی، بیماران

را با روزه معالجه می‌کنند و علاوه بر این، مراکز دیگر مانند: مرکز بهداشتی دکتر برشریز و دکتر مولر و ... نیز وجود دارد که به این

روش، به معالجه بیماران مبادرت می‌ورزند.

یکی از پایه‌های علاج در این مراکز، یکی پاک کردن جسم بیمار از

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۹

فضولات زائده بر حاجت جسم است که اسباب سستی فعالیت سایر اعضا می‌شود. و دیگری، فرصت استراحت دادن به اعضا و جهاز هاضمه است.

غالباً این روش علاج، در امراض مهمی مثل: اضطراب هضم، امراض قلب و کبد و کلیه و بالا رفتن فشار خون، مؤثر واقع شده است. ***

پس ای روزه‌دار عزیز! قدر خود را بدان و فرق خود را با روزه‌خواران نادان و شکم پرست که بی‌عذر شرعی روزه خواری می‌کنند، بشناس.

متوجه باش که تو نیرومند و قوی هستی! تو هستی که سرسختانه و با احاطه بر امیال نفسانی، پیروز شده و کشوری را که قهرمانان زورمند و پیلتن از فتح آن عاجز شده‌اند، فتح کرده‌ای!

روزه رمز صبر و بردباری بشر می‌باشد. کدام صبر بالاتر از صبر بر گرسنگی و تشنگی است که سفره غذاهای لذیذ گسترده باشد و انسان یک لقمه از آن را به دهان نزدیک نبرد و قدح آب خنک حاضر باشد و با غلبه بر تشنگی، شکیبایی ورزد و آب نیاشامد.

این نیروی ایمان است که می‌تواند به جان آدمی چنین صبر و ثبات بخشد و هر جا که خواست خواهش‌های نفس را کنترل کند؛ و او را به نظم و ترتیب و حفظ مقررات و انضباط عادت دهد.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۰

این روزه‌داران بودند که با عده کم، قشون‌های بسیار را شکست دادند و ممالک و کشورهای زیادی را فتح نمودند.

همین روزه‌داران بودند که با دست خالی، اما با دلی پر از ایمان و فضیلت و با سلاح صبر و استقامت و اسلحه‌ای که ماه رمضان به آنان عطا کرده بود، صفوف سپاهیان مسلح دنیا را از هم شکافتند؛ و در میادین جنگ، در حالی که روزه‌دار بودند، شربت شهادت می‌نوشیدند.

روزه‌دار پاکدل! تمام این فواید در مقابل ثواب و اجرهایی که برای روزه مقرر شده و در برابر تقریبی که روزه‌دار به درگاه آفریدگار جهان حاصل می‌کند و معنویت و وسعت روح و نشاطی که در خود احساس می‌کند، ناچیز است.

روزه‌دار موفق و با اراده! حال که در دانشگاه الهی (ماه رمضان) به یاد گرفتن اصول عالی انسانیت و ریاضت نفس و قدرت اراده اشتغال داری، همه دروسی را که در این مدرسه به تو می‌دهند، خوب به خاطر بسپار و آن‌ها را در زندگی خود به کار گیر؛ و بدان که تمام احکام اسلام - دینی که من و تو به آن افتخار داریم - همین قسم است و سعادت بشر در گرو عمل به این دین است.

بیا در این ماه رمضان تصمیم بگیر و تلاش کن هر قدر که می‌توانی به اسلام، به قرآن، به هدف عالی پیامبر و امامان، به توسعه فرهنگ و معارف اسلامی، به تهذیب اخلاق جوانان و نسل حاضر، کمک کنی، و دین خود را به دین اسلام ادا کرده و خود نیز فردی صالح و شایسته،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۱

خیرخواه، خدمت‌گزار جامعه و مواظب وظایف دینیت باش! در اجتماعات مسلمین، در نماز جماعت و مجالس تبلیغ همیشه شرکت کن.

جوانان ارجمند! سالمندان بزرگوار! اساتید دانشگاه و شخصیت‌های کشوری و لشکری! هر که و در هر مقامی که هستید ماه رمضان را احترام کنید. و خود را در معرض نسیم‌های رحمتی که در این ماه همواره در وزش است، قرار دهید. حتماً در نماز جماعت‌ها و در مساجد شرکت کنید و با مردمی که در حقوق انسانی از شما چیزی کم ندارند، در یک صف بنشینید و مساوات اسلامی را به عالم نشان دهید. خود را به برادران دینی خود نزدیک کنید تا همه با هم، هم فکر و هم رنگ، پیوند اتحاد خود را محکم و

استوارتر سازید.

مگر باید بعضی افراد را فقط در سینماها و مجالس شب نشینی معلوم‌الحال (!) ملاقات کنند؟! آیا بهتر نیست که در مسجد و مرکز تعلیم و ارشاد و ایمان حضور یابید و این رسم را در این مملکت اسلامی معمول سازید؟ مگر در ممالک متمدنه، مسیحی‌ها، شخصیت‌ها و رئیس‌جمهوری‌ها، زمامداران و پروفیسورها در مراسم کلیسا شرکت نمی‌کنند؟! ما یقین داریم که بهترین وسیله برای تقویت اتحاد و هماهنگی بین تمام طبقات، شرکت جستن همه مقامات در مراسم دینی و اسلامی است. به امید خدا و به انتظار همت مسلمانان آگاه و غیرت مردان آزاده و پاکدل و ترقی خواه.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۳

فصل ششم: هلال ماه رمضان

اشاره

رَبِّي وَرَبِّكَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ [۵۶]

اینک بیش از هزار و چهارصد سال است که مسلمانان هلال ماه رمضان را با نشاط و اقبال بسیار به عبادت خدا و شور و سرور استقبال می‌کنند، و مانند کسی که مدت‌ها انتظار بازگشت عزیزترین مسافر را کشیده، از مقدمش غرق شادی و خشنودی شده، خدای را بر این توفیقی که یافته‌اند سپاس‌گزاری می‌کنند.

سپاس‌گزاری می‌نمایند؛ چون میهمان خدا شده و در دار الضیافه حق، به کرامت و شرافت مشرف شده‌اند:

وَهُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ [۵۷]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۴

سپاس او را به جای می‌آورند، چون افتخار درک روزها و شب‌های پر برکت ماه مبارک را نصیب آنان فرموده است. پروردگار را حمد می‌کنند که باز فرصت تهذیب اخلاق و اصلاح احوال و نیل به فیوض بسیار و تزکیه باطن و صفای نفس یافته و شعور اسلامی خود را زنده و احساسات پاک انسانی را شاداب ساخته و دلها را با استغفار و توبه، دعا و مناجات و یاد خدا جلا داده و با اولیا و بندگان مقرب خدا در سیر طریق معرفت و اطاعت، همکاری می‌کنند. چه ماه پرارزش و چه اوقات گرانها و چه سرمایه‌های عزیزی که به دست آنها آمده است.

از حضرت باقر علیه السلام روایت است که فرموده: «پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به مردم روی می‌کردند و می‌فرمودند: ای گروه مردم! وقتی هلال رمضان طلوع می‌کند، شیاطین سرکش به غل بسته می‌شوند و درهای آسمان و بهشت و درهای رحمت باز می‌شود و درهای آتش بسته می‌گردد و دعاها مستجاب می‌شود، و در هنگام افطار هر روز، برای خدا آزاد شدگانی است که از آتش، آنها را آزاد می‌کند و هر شب منادی ندا می‌کند: آیا سؤال کننده‌ای هست؟ آیا استغفار کننده‌ای هست؟ خدایا! هر انفاق کننده را عوض عطا فرما و هر امساک کننده را لطف عطا کن.

تا آن که هلال شوال طلوع می‌کند و مؤمنان ندا داده می‌شوند: بامداد به سوی جایزه‌های خود بیایید که روز جایزه است.»

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۵

سپس حضرت باقر علیه السلام فرمود: «سوگند به کسی که جانم به دست او است این جوایز، جایزه دینار و درهم نیست.» [۵۸]

با نو شدن ماه، برنامه‌ها روند دیگری می‌یابد. در کشورهای اسلامی اوقات کار کارگران و صاحبان مشاغل و پیشه‌ها و مؤسسه‌ها و مؤسسات ملی و حکومتی تغییر می‌کند. غذاخوری‌ها، میهمان‌خانه‌ها و ... که در سراسر روز کار می‌کردند، دست از کار می‌کشند. هلال ماه رمضان را که می‌بینند رو به جانب قبله، خدا را می‌خوانند و از او امن و ایمان و تندرستی و اسلام و عافیت و کمک بر اقامه نماز و ادای روزه و انجام شب زنده‌داری و تلاوت قرآن و ... را طلب می‌نمایند:

اللَّهُمَّ اِهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْاِيْمَانِ وَالْاِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالاسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّبَةِ، وَدِفَاعِ الْاِسْقَامِ وَالْعَوْنِ عَلَى الصِّيَامِ وَالْقِيَامِ، وَتَلَاوَةِ الْقُرْآنِ اَللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَسَلِّمْ لَنَا وَتَلَاوَةَ الْقُرْآنِ اَللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا وَغَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا [۵۹]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۶

و این چنین با حال خوش، پاک و بی‌آلایش و با چنین آرمان‌ها و اهداف، وارد ماه رمضان می‌شوند و خطاب به ماه کرده، می‌گویند: «رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

در این جمله پر معنی، ایمان و اعتقاد خود را به توحید تازه کرده و ارتباط و هم‌بستگی تمام مخلوقات و عوالم هستی به نظام اتم الهی را مورد توجه قرار داده و انسان و ماه و جمیع کائنات را تحت تربیت عامه باری تعالی می‌شناسد.

آری، بسیاری از انسان‌ها بوده و هستند که ماه، ستاره، آتش و آفتاب را ربّ النوعی پنداشته و در تاریکی این گمراهی‌ها، از تماشای حقایق نجات بخش و خداپرستی و توحید، محروم گردیده‌اند.

اما مسلمان روزه دار وقتی هلال ماه رمضان را می‌بیند، می‌گوید:

رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

مربّی انسان و حیوان، نبات و جماد، ماه و ستاره، خورشید و کهکشان‌ها و آب و آتش خدا است و پرستش، فقط و فقط سزاوار ذات بی‌زوال او است و بشر و ماه و تمام معبودهای باطل و اتّخاذی، مخلوق و مربوب او هستند و ماه، آفتاب، هر کره و هر مخلوقی - هر چه بزرگ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۷

و عظیم باشد - محتاج به تربیت الهیه هستند و کوچک‌تر از آنند که بشر - این موجودی که تاج «لَقَدْ كَرَّمْنَا» بر سر گرفته - نسبت به آن‌ها کوچکی و حقارت نشان دهد و از نیایش، پرستش و تعظیم آن‌ها چاره‌جویی نماید. خداوند آن‌ها را مسخّر انسان قرار داده و انسان را مستعدّ تصرف و تسخیر آن‌ها آفریده است.

این است فکر بلند و اندیشه روشن مسلمان روزه دار و موّحد خداشناس و این است دینی که بشر را به تسخیر ماه و کرات تشویق می‌نماید و او را در سفر به ماه و کواکب و نجوم، گستاخ می‌سازد. این است دینی که باید پیروان آن همه، جهان‌بین و جهان‌شناس شوند؛ و این است دینی که پیروان خود را به مطالعه عالم آفرینش و دقت و تأمل در نظام جهان و کشف اسرار مخلوقات و خواصّ آن دعوت می‌کند و کسانی را که در آیات خدا مطالعه نمی‌کنند و بر علم و بصیرت خود نمی‌افزایند، به شدّت مورد نكوهش و توبیخ قرار داده است.

آری، در سراسر قرآن آیات بسیاری بشر را دعوت به علم و تحقیق و کاوش و تلاش برای رفع حجب و پرده‌ها کرده و بلکه قرآن مجید خشیت و بیم از خدا را مخصوص آن دسته از علما می‌داند که از عظمت دستگاه آفرینش با اطلاع و جهان‌شناس باشند.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۸

جهان، مسخّر انسان

پیش از این که بشر عملاً دست به کار تصرف کرات و مسافرت به ماه شود، دانشمندان به استناد آیات قرآن این استعداد را برای

بشر ثابت می‌دانستند.

یکی از آیاتی که امکان نفوذ و دست یافتن بشر را به آسمان و کرات آسمانی اعلام کرده است، این آیه کریمه است:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطْعَتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ [۶۰]

به نظر ما صریح‌ترین آیاتی که به تسخیر بشر بر آسمان و زمین و آن چه در آنهاست دلالت دارد، آیاتی است که چند رقم از آنها را در اینجا می‌آوریم:

۱. وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [۶۱]

۲. أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۹

الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً [۶۲]

۳. وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [۶۳]

این گونه آیات به صراحت از این که مخلوقات نامبرده، بالقوه مسخر انسان هستند، خبر داده و بشر را به استعداد خدادادی‌اش برای تسخیر آفتاب و ماه و آن چه در آسمان و زمین است و بهره‌برداری از آنها متوجه فرموده و او را برای به فعلیت رساندن این قوه و استعداد و تسخیر مخلوقات زمینی و فضایی آماده، شجاع و گستاخ می‌نماید.

بدیهی است، مراتب و درجات تسخیر متفاوت است و فعلیت این استعداد و مقدار استفاده بشر از آن، وابسته به کوشش و همت خود او می‌باشد.

کشاورزی، درختکاری، نهرسازی، سدسازی و اموری از این قبیل، تسخیر زمین، آب و هوا، گیاه و درخت است. استفاده از معادن و سنگ‌ها و خانه‌سازی، آجرپزی، نجاری، آهنگری و ... نیز تسخیر زمین، خاک، درخت، آتش، آهن و ... است. هرچه بشر بیش‌تر بکوشد دایره

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۰

تسخیراتش وسیع‌تر می‌شود.

استفاده از شیر حیوانات و ساختن انواع لبنیات، استفاده از پشم آنها برای لباس و فرش و از پوست آنها برای پای افزار و از گوشت آنها برای غذا و خوراک نیز تسخیر حیوان است.

استفاده از ماه و ستاره به منظور راه‌یابی و تعیین ماه و سال و استفاده از نور آفتاب، برای پرورش جسم انسان و حیوان و پرورش نبات و معدن، همه تسخیر آفتاب و ماه توسط انسان است.

قدم گذاشتن در ماه و سفر کردن به کرات آسمانی و دست تملک به سوی آنها دراز کردن نیز تسخیر است.

به همان اندازه‌ای که استعداد بشر توسعه دارد، به همان حد هم دامنه این تسخیرات توسعه پذیر است.

پس قرآن نه فقط با این پیشرفت مخالفتی نکرده و نه فقط آن را غیر ممکن نشمرده، بلکه بشر را به کوشش هر چه بیشتر تشویق می‌کند و آسمان و زمین و ماه و آفتاب را مسخر فکر او می‌شمارد.

زنده باد قرآن! زنده باد تعالیم افتخار آمیز اسلام! و زنده باد مؤمن روزهداری که هلال ماه رمضان را با این کلمه پر معنی «ربی و ربك الله رب العالمين» خوش آمد می‌گوید.

ولی جای تأسف است که مسلمانان از این تعالیم الهام نگرفته و در علوم و صنایع عصر حاضر از دیگران عقب مانده و به تفکر و تحقیقی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۱

که قرآن همه را دعوت به آن کرده- چنانچه شایسته است- نمی‌پردازند. ما کتاب و دینی داریم که با هر ترقی و پیشرفتی در زمینه علم و صنعت موافق است. هر چه علم پیشرفت کند، عظمت و حقیقت آن روشن‌تر می‌شود و در هر زمینه‌ای، راهنمایی بهتر از آن برای بشر یافت نخواهد شد.

اگر بشر صدها هزار ستاره و کهکشان را مسخر کند، از شوکت و عظمت و قدرت هدایت قرآن چیزی کاسته نمی‌شود؛ و تعالیم این کتاب از اعتبار و ارزش نمی‌افتد:

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ [۶۴]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۳

فصل هفتم: پایگاه پرهیزکاری

اشاره

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

از این جمله شریف قرآنی استفاده می‌شود که تعالیم، تکالیف، اوامر، نواهی و ارشادات الهی، متضمن خیر و صلاح فرد و جامعه، و سازنده نظام و اجتماع هر چه صالح‌تر است.

خداوند خواسته است که امت اسلام، خاتمه امم و امت نمونه و امت وسط و حامل و حامی دعوت او به عدل و میزان و توحید خالص و پرهیزکاری باشد.

از باب نمونه در تشریح روزه این مقاصد و فواید، منظور و این رسالت و صلاحیت پی‌ریزی شده است. و اگر کمی فرصت و ضعف استعداد علمی به ما اجازه ندهد که از حکمت‌های تمام احکام و تعالیم شرعیه سخن به میان آوریم و فرصت آن را هم نداشته باشیم که در تفصیلات و شرح مصالح و فواید روزه مطالعات لازمه را بنماییم، این مقدار را فرصت داریم که در جمله کریمه: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» که در آن خداوند در

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۴

پایان، حکم به وجوب روزه فرموده است، تأمل و دقت کنیم.

جمله‌ای که از آن فضیلت تقوا و نقش آن در سازندگی شخصیت مسلمان معلوم می‌شود.

جمله‌ای که در این جا خدا در مقام بیان حکمت روزه به آن اکتفا فرمود، بیان‌گر آن است که محصول و میوه روزه، خودداری از مفطرات و ترک التذاذ و کام‌گیری‌های نفسانی و تقوا و پرهیزکاری است.

متقی و پرهیزکار، کسی است که از گناه اجتناب می‌کند، و اوامر و نواهی خدا را اطاعت می‌نماید، و به آنچه خلاف شرف و فضیلت است، نزدیک نمی‌شود. تقوا مشتق از وقایه است و آن چیزی است که در برابر صدمات و ضربات مادی و معنوی حایل و حاجب و سپر قرار داده می‌شود. روزه داری ماه رمضان و نگاهداری این رژیم شرعی سبب حصول تقوا و تکمیل آن می‌گردد.

در روزه صبر و مراقبت، مخالفت با عادات، جهاد با شهوات و موارد دیگر از این قبیل، وجود دارد که هر کدام آدمی را به صفت تقوا آراسته می‌سازد.

بدیهی است مفهوم تقوا و این ثمره گران‌بهای روزه، محدود به دایره عبادات یا محرمات نیست؛ بلکه تقوا مفهوم وسیع و شاملی است که شعاع آن تمام نواحی وجود شخص را نورانی و نسبت به تمام تکالیف شرعیه از عبادات، معاملات، اجتماعات، سیاسیات و

آنچه در سازندگی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۵

شخصیت اسلامی مؤثر است، او را عهده دار و مراقب می‌سازد؛ و باعث می‌شود که شخص از شاه‌راه شریعت محمدیه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قدم بیرون نهد و امانتی را که به اقرار شهادتین و ایمان به معنی «رَضِیْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِدِهِ الطَّاهِرِينَ إِثْمَةً» [۶۵] عهده‌دار حمل آن شده، حفظ نماید، و در آن خیانت نکند؛ و از این جا پاسخ یک پرسش روشن می‌شود.

پرسش این است که:

آیا اسلام می‌تواند در این زمان هم مسلمانان را به حرکت و ترقی راهنمایی کند؟ و آیا اسلام در تحریک مسلمانان، قدرت گذشته را دارد؟

آیا مسلمانان اگر در امور خود از تعالیم اسلام الهام بگیرند و تکالیف شرعیه را سر مشق خود قرار دهند، می‌توانند در عصر حاضر نیز مشعل دار علم، تمدن، اخلاق و آزادی باشند و بشریت را از این سقوط عجیب و خطرناک و فقر معنوی و بی‌تقوایی نجات بخشند؟

جواب این است که: یقیناً می‌توانند.

قطعاً اسلام استعداد این تحریک را دارا است؛ و هیچ تفاوتی در جهت صلاحیت اسلام بین امروز و دیروز نیست و همان‌طوری که دیروز عالی‌ترین تعالیم و برنامه‌ها، تعالیم اسلام بود، امروز و فردا و آینده تا هر

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق؛ ص ۹۶

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۶

زمان و هر عصر عالی‌ترین تعالیم، تعلیمات اسلام است.

روزه اسلام، همان‌طور که در سال دوّم هجرت (سال فرض روزه) سبب رسوخ صفت تقوا و پرهیزکاری و اعتیاد به حفظ رژیم معنوی و واجد فواید صحی و روحی و اجتماعی بود، امروز نیز چنین است و هیچ تفاوتی پیدا نکرده، بلکه فواید آن آشکارتر و در بعضی قسمت‌ها بیشتر شده است.

عقیده توحید و یگانه پرستی که اساس تعالیم و هسته مرکزی دستورات و هدایت این دین حنیف است، همان‌طور که در گذشته سبب اتحاد، اتفاق، برداشتن فاصله‌ها و الغای امتیازات موهوم و بشرپرستی بود، امروز نیز چنین است؛ و یگانه راه علاج این همه بیماری‌های اجتماعی و استعباد خلق‌الله، فقط عقیده توحید اسلام است.

تفاوتی که ما با آنان داریم و خصلتی که آن‌ها را صاحب آن همه افتخار و عزّت و سر بلندی ساخت، و فقدان آن ما را گرفتار این همه عیوب و نواقص اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و زبونی و ضعف قرار داده، التزام آن‌ها به احکام و تعالیم اسلام بود. آنان گفتن شهادتین را سپردن سند محکم برای عمل به لوازم و آثار آن دانسته و تخلف از مقررات و شرایط این سند را آسان نمی‌شمردند؛ در حالی که ما مثل این است که با گفتن شهادتین، وظیفه و تکلیفی را- که از این اقرار به عهده ما می‌آید- احساس نمی‌کنیم.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۷

آن‌ها معنی شهادتین را باور کرده و دستورات قرآن را ضامن سعادت دنیا و آخرت و سرپیچی و تخلف از آن را عین بدبختی، ضرر، خسارت و بلکه هلاکت می‌دانستند و همان‌گونه که ما از سم کشنده اجتناب می‌کنیم، آنان از محرّمات پرهیز می‌کردند، و همان‌طور که ما برای منافع و مقامات دنیوی می‌کوشیم و هر رنج و زحمتی را در راه دستیابی به آن تحمّل می‌کنیم، آنان در ادای

واجبات کوشا، و رضای خدا را با بذل مال و جان خریدار بودند. آن‌ها به سخنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و رسالت آن حضرت، چنان ایمانی داشتند که اطاعت از اوامر او را عین رستگاری دانسته و سستی و مسامحه را کنار گذاشته بودند. قرآن را برای عمل، و سخنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را برای پیروی فرا می‌گرفتند، و عقیده داشتند که قرآن فقط برای خواندن و نوشتن نازل نشده و احادیث فقط برای این که در سینه محدثین و صفحات کتب ثبت و ضبط شود، وارد نگشته است. یگانه یا مهم‌ترین موردی که اجتماع اسلامی را از اجتماع جاهلی جدا می‌ساخت، التزام مسلمانان به عمل بود و این یکی از مهم‌ترین عللی بود که مشرکان را به آن جنگ‌ها وادار کرد.

مشرکان دریافتند که اسلام به لفظ اکتفا نمی‌کند و پس از شهادتین، نوبت انجام فرایض، اطاعت و پیروی از خدا و رسول و ترک اخلاق ذمیمه و کردارهای نکوهیده است؛ از این جهت از تلفظ این دو کلمه

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۸

طیبه که متضمن خیر و سعادت دنیا و آخرت است، خودداری داشتند و اگر مثل زمان ما اسلام از مسلمانی جدا بود و از آن گفتار، کرداری نمی‌خواستند شاید صلحی بین مسلمانان و مشرکان برقرار می‌شد و غزوه بدر، احد، احزاب و ... پیش نمی‌آمد. اگر اسلام رضایت می‌داد که آنان به زبان، شهادت به توحید دهند، ولی عملاً بت‌ها را بپرستند و دختران را زنده به گور کرده و زنا، قمار، می‌گساری، ربا، خون‌ریزی، سرقت، ستم‌گری و سایر معاصی را مرتکب شوند و نماز، روزه، زکات، حج و دیگر فرایض اسلام را ترک نمایند، میان کفر و شرک و توحید و جامعه اسلامی و اجتماع جاهلیت، این همه فاصله نمی‌افتاد. امّا اقرار به زبان کافی نبود و علاوه بر گفتن شهادتین، به طور جدی و مؤکد موظف بودند که به احکام شرعی عمل کنند و عضویت در اجتماع اسلامی، بدون التزام به رعایت احکام - اگر چه به ظاهر باشد - امکان نداشت.

اسلام با اعمال و روش دوره جاهلیت، با بت پرستی و کفر، با فحشا و منکرات، با روابط نامشروع زن و مرد، با بی‌حجابی و بی‌عفتی، با بی‌عدالتی، با دروغ و خیانت، با زورگویی و استبداد زمامداران، مبارزه را آغاز کرد و این اعمال در جامعه مسلمانان آن روز، با اسلام و تسلیم مغایر بود؛ از این رو، به مجزّد این که در هر موضوع آیه‌ای نازل، و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۹

دستوری صادر می‌شد، فوراً اجرا می‌گردید.

وقتی آیه حرمت خمر نازل شد، خم‌های شراب را روی زمین ریختند و شراب‌سازی و می‌فروشی ممنوع شد. وقتی حرمت ربا اعلام شد، ربا خواری متروک، و قرض الحسنه رایج گردید. هنگامی که آیه وجوب روزه ماه رمضان نازل شد، همه با شور و شعف به اطاعت فرمان خدا کمر بستند. و چون آیه حجاب نازل گردید، حتی یک زن مسلمان نیز بی‌حجاب نماند. هنگامی که فرمان جهاد می‌رسید، شهادت را رستگاری و سعادت می‌شمردند و اگر به آن نایل نمی‌شدند، ناراحت می‌گشتند. آنان با آن که در آغاز تشریح این تکالیف، به آن انس نداشتند، چون شهادتین را برای عمل، به زبان می‌آوردند و به این گواهی خود احترام نهاده و خود را متعهد می‌شمردند، فوراً اجرا می‌کردند.

امّا گویا ما شهادتین را برای عمل، به زبان جاری نمی‌کنیم و خود را در برابر این گواهی بزرگ و پر از خیر و برکت متعهد و ملتزم نمی‌دانیم.

بلندگوی مساجد، رادیوهای شهرها و کشورهای مسلمان نشین در اوقات نماز، نوای خوش اذان سر داده و به توحید و رسالت، شهادت می‌دهند؛ امّا مجامع، محافل، کوچه‌ها، خیابان‌ها، بازارها و مدارس، عملاً این شهادت را نمی‌دهند.

واقعیت این است که فرق اجتماع ما با اجتماع جاهلی این است که

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۰

آن‌ها کلمه اسلام را بر زبان جاری نمی‌ساختند و ما شهادتین را می‌گوییم و بعضی تکالیف عادی و اخلاقی را انجام می‌دهیم؛ ولی به طور مطلق به لوازم آن پایبند نیستیم. قرآن را کتاب دینی خود می‌دانیم؛ اما در مظاهر عمده اجتماعی با آن‌ها که قرآن، کتاب، و اسلام، دین آن‌ها نیست فرق زیادی نداریم.

اگرچه در عصر رسالت و صدر اسلام هم افراد منافق - که به زبان اظهار اسلام می‌کردند؛ ولی در عمل با اسلام مخالفت داشتند - بسیار بود؛ ولی، افراد ملتزم به آداب اسلام و کسانی که منبع تصوّرات، افکار و آرا و اعمال اجتماعی و سیاسی آن‌ها «اسلام» بوده و شخصیتی کاملاً اسلامی داشتند نیز موجود بودند. علاوه بر این، قرآن و حدیث و به طور کلی قوانین اسلام، مرجع و مصدر امور عموم بود و کسانی که تخلف می‌کردند، متخلف از کتاب و سنت و قانون دولت و حکومت شناخته می‌شدند.

مطابق آن چه در تاریخ مطالعه می‌کنیم در عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برنامه کار این چنین بود که اقرار به شهادتین از اطاعت اوامر و نواهی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تفکیک پیدا نکند و حتی منافقین هم ملتزم به حفظ ظواهر آداب شریعت بودند و اگر کسی تخلف می‌کرد، مثلاً مرتکب سرقت، زنا، می‌گساری و یا قمار شده، و یا از شرکت در جهاد خودداری می‌نمود، او را با حد یا تعزیر شرعی کیفر می‌دادند و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۱

چه بسا که در بعضی موارد وی را مرتجع و مرتد می‌دانستند و در بعضی موارد، در مذمت و نکوهش او آیه وارد می‌شد؛ چنان چه بر حسب تفاسیر، نزول آیات:

وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ [۶۶]

(تا آیه ۷۸ از براءت) امتناع «ثعلبه بن حاطب» از ادای زکات بود. [۶۷]

هرگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمانی یا وعده ثواب و اجری در انجام عملی می‌داد، زن و مرد در به جای آوردن آن از هم پیشی می‌گرفتند و مانند زمان ما نبود که هر چه مصلحین، دعوت به اعمال خیر بنمایند، اثر نیخشد. به طور نمونه این داستان را بخوانید:

داستان ابی الدحداح

در شأن نزول آیه شریفه:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً [۶۸]

در کتب تفسیر روایت شده است که پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَلَهُ مِثْلَاهَا فِي الْجَنَّةِ [۶۹]

هر کس صدقه‌ای بدهد، در بهشت دو چندان برای اوست.

ابوالدحداح عرض کرد: یا رسول الله! من دو باغ دارم، اگر یکی از آن‌ها را صدقه بدهم، دو مانند آن در بهشت برای من خواهد بود؟

- بلی.

- مادر دحداح نیز با من خواهد بود؟

- بلی.

- فرزندانم با من هستند؟

- بلی.

ابوالدحاح باغ آبادتر را صدقه داد؛ پس آیه: (مَنْ ذَا الَّذِي ...) نازل شد.

ابوالدحاح به باغ آمد و دید که همسر و فرزندان در آن جا هستند. بر در باغ ایستاد و بدون این که قدم در باغ بگذارد از همان جا صدا زد:

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۲

یا اُمُّ الدَّحاح!

همسرش گفت: لَبَّيْكَ يا اباالدحاح!

ابوالدحاح گفت: من این باغ را صدقه قرار داده و دو مانند آن در بهشت خریده‌ام و شما نیز با من هستید.

همسرش گفت: خدا برکت دهد به آن چه خریداری کرده‌ای.

همه از باغ بیرون آمدند و باغ را تسلیم کردند.

پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمود:

كَمْ نَخْلَةٍ مَّتَدَلِّ عُدُوقَهَا لِأَبِي الدَّحاح فِي الْجَنَّةِ [۷۰]

چه بسیار درخت‌های خرما که در بهشت خوشه‌های آن (از سنگینی) برای ابی‌الدحاح به سوی زمین متمایل باشد.

داستان عمیر بن حمام

در جنگ بدر پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم اصحاب را به جهاد ترغیب می‌کرد و آنان را که شهید شوند، به بهشت مژده می‌داد.

عمیر بن حمام که مشغول خوردن چند دانه خرما بود، گفت: به به! بین من و بهشت فاصله‌ای غیر از این که این‌ها (کفّار) مرا بکشند، نیست.

خرماها را از دست انداخت و شمشیرش را گرفت و جهاد کرد تا

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۳

شهید شد. [۷۱]

داستان عوف بن حارث

و نیز در جنگ بدر بود که عوف بن حارث عرض کرد: «یا رسول الله! ما یضحکُ الربُّ من عبده؟؛ چه کاری سبب خشنودی و رضای خدا از بنده‌اش می‌شود؟»

آن حضرت فرمود:

«عَمْسُهُ يَدُهُ فِي الْعَدُوِّ حَاسِرًا؛

دست را برهنه در دشمن فرو بردن.»

عوف زرهی را که بر تن داشت بیرون آورد و بینداخت؛ شمشیر بگرفت و جهاد کرد تا شهید گشت. [۷۲]

بهترین روزها

جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی مکی از سوید بن غفله روایت کرده است که وقتی سختی و شدت بر علی، امیرالمؤمنین علیه‌السلام زیاد شد، آن حضرت به فاطمه‌زهرای علیها السلام فرمود:

مناسب است خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بروی و از او درخواست نمایی. فاطمه زهرا علیها السلام به محضر پدر مشرف شد و در را کوبید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۴

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این در کوبیدن فاطمه است. هنگامی آمده که عادت نداشت در این هنگام به نزد ما بیاید. دستور داد تا در را باز کردند.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در ساعتی آمدی که عادت تو نبود در این وقت پیش ما بیایی!

فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: یا رسول الله! این فرشتگانند که طعامشان تسیح، تحمید و تمجید است؛ پس طعام ما چیست؟ پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که خود رییس و رهبر زهرا روزگار بود، فرمود: سوگند به آن کس که مرا به حق مبعوث کرده، در خانه ما سی روز است آتش برای طبخ غذا روشن نشده، اما چند رأس گوسفند برای ما رسیده است. اگر می‌خواهی امر کنم تا پنج رأس آن‌ها برای تو باشد و یا اگر می‌خواهی پنج کلمه - که جبرئیل به من تعلیم کرده - به تو تعلیم دهم؟ فاطمه زهرا سلام الله علیها که مرکز زهد و کانون شوق و توجه به خدا و منبع معرفت و کمال بود از مال دنیا در آن حال چشم پوشید و عرض کرد:

آن پنج کلمه را به من تعلیم دهید.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بگو:

يَا اَوَّلَ الْاَوَّلِينَ، وَيَا اٰخِرَ الْاٰخِرِينَ، وَيَا ذَا الْعُرُوَّةِ الْمَتِينِ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۵

وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

فاطمه سلام الله علیها فرمود: از خدمت پدر به خانه باز گشتم.

علی علیه السلام فرمود: چه با خود آوردی؟

فاطمه سلام الله علیها فرمود:

ذَهَبْتُ مِنْ عِنْدِكَ اِلَى الدُّنْيَا وَاتَيْتُكَ بِالْاٰخِرَةِ

از نزد تو به طلب دنیا رفتم و آخرت آوردم!

علی علیه السلام فرمود:

خَيْرَ اِيَّامِكِ. خَيْرَ اِيَّامِكِ

بهترین روزهای تو است. بهترین روزهای تو است. [۷۳]

این حکایت‌ها نمونه‌هایی از ایمان صادق تربیت شدگان مکتب محمدی است و به ویژه در تاریخ زندگی حضرت علی و حضرت زهرا و فرزندان آن دو همسر عالی‌قدر علیهم‌السلام و اصحاب خاص ایشان نظایر آن بسیار است.

مسلمانان صدر اسلام و مسلمانان معاصر

به راستی که قدرت و توانایی مسلمانان صدر اسلام در فراگرفتن

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۶

تعالیم و به کار بستن آن عجیب بوده که ایمان را با حرکت، و معرفت را با قیام و نهضت، هم‌دوش ساخته و در میادین گوناگون

حیات، پیش‌روی می‌کردند.

ولی امروزه شخصیت مسلمانان مورد هجوم افکار و آرای فاسد واقع شده و اوهام و شکوک و جهالت به واقعیت‌های دین اسلام، توانایی عرض وجود و فعالیت و استقامت آنان را ضعیف ساخته است.

میان افکار و آرای که به مسلمانان تعلیم داده می‌شود، با افکار و تصوّراتی که از قرآن بر می‌آید، از زمین تا آسمان و از شرق تا غرب فاصله است.

مسلمانانی که سوره‌هایی مانند: سوره براءت را تلاوت کرده و با جان خود حقایق آن را آمیخته بودند، به جهان و اجتماع و افراد، و زن و فرزند و خویشان و بستگان با چشمی غیر از چشم‌های ما می‌نگریستند. همت بلند و نظر رفیع آن‌ها را هیچ چیز غیر از رضای خدا و اعتلای کلمه اسلام و ساختن یک اجتماع اسلامی متحرک و آزاد، قانع نمی‌ساخت.

سربازان و مجاهدانشان برای گرفتن کشورها و فتح قلاع، خانه‌ها، بلاد، و حکومت بر عباد و این که لشکری بر لشکری پیروز شود و سپاهی سپاه دیگر را مغلوب کند، جهاد نمی‌کردند؛ بلکه جهادشان فی سبیل الله و برای آزاد ساختن انسان‌ها، و برپایی حکومت احکام خدا، فتح قلوب

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۷

برای اسلام، رفع تبعیضات و نشان دادن برتری برنامه و موازین اسلامی و انسانی بر موازین دیگر و بر قراری عدالت واقعی بود. بین ما و آنان که ندای اسلام را ندای حیات و آزادی و حرکت می‌دانستند و آن ندای روح بخش را شنیده و به آن پاسخ مثبت می‌دادند و از آن در همه مسایل و رویدادهای زندگی الهام گرفته و استمداد می‌جستند، تفاوت بسیار است؛ چرا که متأسفانه بعضاً ما که می‌کوشیم واقعیتی را که در آن هستیم و احوال و ظروفی را که برای نیل به مقاصد مادی اختیار و انتخاب کرده‌ایم، با توجیه، تأویل و تحریف نصوص، با اسلام منطبق سازیم و یا اسلام را بر آن تطبیق کنیم و برآنیم که برای انحرافات خود در مقابل اسلام، معاذیری بیابیم و توجیهاتی ارایه دهیم.

اجتماع اسلامی در عصر رسالت و هر جامعه اسلامی که تشکیل شده یا بشود، شعارش رهبری و مرکزیت اسلام و تسلیم امور، به حکومت اسلام است؛ تا طبق احکام خدا و تعالیم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و به دور از دخالت‌ها و آرای اشخاص و حکام، آن‌ها را سامان بخشد.

در حالی که اجتماع بسیار وسیع و چند صد میلیونی به اصطلاح اسلامی ما، به معنای واقعی کلمه در مقابل اسلام تسلیم نیست؛ از اسلام می‌خواهد اوضاع و احوالی را که دارد، تصویب کرده و در انحرافات فکری، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، معاذیر غیرمنطقی را بپذیرد، و اگر اسلام با اعمال زشت و روش‌های منحرف - العیاذ بالله - موافق باشد، آن

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۸

را مرکز اصلاح و ترقی و دین‌روز می‌دانند و اگر انحراف‌ها را امضا نکنند و منحرفان را خطاکار بدانند، چنین دینی را صالح برای حیات و زندگی نمی‌شمارند، و چون نصوص اسلام در اهداف عالی خود آن چنان صراحت دارد که این مسلمان نماهای جاهل و غافل نمی‌توانند آن را به مسخره گرفته، و با شهوات، پستی‌ها، آزادی‌کشی‌ها و اعمال زشت دیگر تطبیق کنند، اسلام را عاجز و ناتوان از رهبری جهان معاصر می‌شمارند؛ و در استعداد آن، برای جلو بردن اجتماع مسلمین و بازگشت آنان به افتخارات گذشته، شک می‌کنند. در حالی که جای هیچ شک و تردیدی نیست که اسلام عاجز از رهبری مسلمین و سایر جوامع بشری نبوده و نیست، و تمام مواد و صلاحیت‌های رهبری و هدایت به سوی یک اجتماع کامل و تمام انسانی، به تصدیق متفکرین و متتبعین بزرگ در آن جمع است.

این ما هستیم که عاجزیم و شهامت آن که خود را با تعالیم اسلام منطبق سازیم، نداریم.

این ما هستیم که در طوفان‌های شهوت و حبّ جاه و مقام و مادیات گرفتار شده و به ندای نجات بخش اسلام پاسخ نمی‌دهیم. این ماییم که در مقابل بیماری‌ها، ضعف و سستی، ناتوانی عزم و اراده، ترس از مرگ و حبّ دنیا، ناتوان شده و از مراجعه به پزشک حاذق و خوردن دارو و گرفتن رژیم، خودداری می‌کنیم و بیماری خود را غیر عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۹ قابل علاج می‌پنداریم.

این ماییم که در دام‌های استعمار گرفتار شده، و برای آن که از آب و نان موقت ما چیزی کاسته نشود، شجاعت پاره کردن این دام‌ها را نداریم.

بی‌تردید، اسلام به ما اجازه نخواهد داد که اجتماع اسلام را مسخ کرده و به ربا، زنا، قمار، می‌گساری، رشوه، خیانت، اختلاط زن و مرد، فحشا و فساد و بیگانه پرستی آلوده سازیم.

یقیناً اسلام به ما این اجازه را نمی‌دهد که اجتماعات جاهلی را چنان چه در کشورهای غیر اسلامی رایج است، از نو بسازیم. و نیز اجازه نمی‌دهد که مرتجعانه به اعصار جاهلیت پیش از اسلام بر گردیم.

اسلام هرگز با بشر پرستی، تبعیضات نژادی، استثمار، شرک و مظاهر آن، با علم کردن پیکره‌ها و بت‌ها و پرستش آن‌ها موافقت نمی‌نماید؛ و مفاهیمی را که کفّار به ما عرضه می‌دارند، صریحاً رد می‌کند و فقط منهج و مفاهیم خود را عرضه می‌دارد.

آری، هیچ‌گاه از قدرت و توانایی اسلام برای اصلاح جوامع و نجات انسان‌ها چیزی کاسته نمی‌شود و صلاحیت رهبری جاویدان آن، روز به روز آشکارتر می‌شود.

اسلام در مکاتبی که در جهان معاصر وجود دارد یا پس از این وجود می‌یابد، هضم نمی‌شود و با آنها آمیختگی و ترکیب پیدا نخواهد کرد.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۰

این اسلام با جوامعی که مسلمان‌نماها می‌خواهند با الهام از استعمار و به نفع شرق یا غرب بسازند، سازگار نیست و صلح و آشتی ندارد و نصوص کتاب و حدیثش با آن‌ها تطبیق نمی‌گردد. از این‌رو، دین اسلام مسلمان دو شخصیتی را نمی‌پذیرد.

اسلام، دین خدا است و دین خدا با استثمار ضعیفان، با سرمایه‌داری - که نتیجه استعباد کارگر و تسلط کارفرما بر سیاست، اجتماع، قانون، محاکم و اخلاق است - با اشتراکیت و الغای مالکیت، و با بی‌شخصیت ساختن انسان‌ها و سلب استقلال از آدمی و به صورت ماشین و جماد از آن استفاده کردن، مخالف است.

حال اگر در یک جا نوکران شرق و دول اشتراکی و در جای دیگر مزدوران و سرمایه‌داران و رژیم‌های به اصطلاح کهنه، آن را پاسخ‌گوی احتیاج بشر ندانند، مهم نیست؛ چرا که اسلام برای همیشه به صدای استعباد و ضدّ آزادی از حلقوم هر کس که بیرون بیاید، جواب موافق نمی‌دهد.

اسلام یک مسلک خدایی و یک منهج مستقل است که باید به تمام و کمال اجرا شود تا جامعه اسلامی به وجود آید.

اگر ما بخواهیم برای ضعفی که در برابر قوای مادی دشمن داریم و خود را ناچار می‌دانیم (در حالی که ناچار نیستیم) به خواسته‌های آنان عمل کرده و اسلام جدیدی اختراع کنیم یا اجازه دهیم که اسلام نوینی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۱

را برای ما اختراع کنند، چنین اسلامی - که با مبانی تفکرات شرق و غرب آمیخته است - اسلام قرآن، دین خدا و دین محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم نیست.

آن اسلامی که پیامبر عزیز اسلام آورد و خداوند متعال در قرآن کریم راجع به آن می‌فرماید:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ [۷۴]

حدود، ارکان، شعائر، احکام، دعوت و مقاصدش روشن است و اکنون هم باید مانند چهارده قرن قبل، منبع حرکت و فعالیت و مصدر اقدام و قیام مسلمین باشد.

اسلام، همان اسلام؛ قرآن، همان قرآن؛ و احادیث و تعالیم، همان تعالیم چهارده قرن پیش است. وسایل تبلیغی عصر، درک حقایق و فهم مشخصات مکتب عالی اسلام را آسان تر ساخته؛ ولی ما در ناحیه عمل، ضعف و کمبود داریم و تصوّرات و افکار دور از حقایق اسلام، ما را به خود مشغول کرده است. شهوات و مادیات در ذایقه ما اثر گذاشته و از این جهت نمی‌توانیم با یک جهش، این دام‌ها و بندها را پاره نموده و به سوی دنیای فضیلت، سعادت و انسانیت و توحید اسلام، پرواز کنیم. اما عاقبت باید بفهمیم و خواهیم فهمید- هر چند دیر شده و هر آن،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۲

دیرتر می‌شود- که یگانه داروی دردها و درمان این همه بیماری که بشریت به آن مبتلا شده و سامان دهنده این همه بحران که در سر تا سر دنیای به اصطلاح متمدّن در هر زمینه وجود دارد، اسلام است. باید با مقیاس‌های اسلامی امور را بسنجیم و فکر و عمل خود را هدایت کنیم. باید همواره در کلاس اسلام، زانوی تلمذ زنیم تا به انسانی واقعی و رشد یافته تبدیل گردیم؛ و به سلاح تقوا و پرهیزکاری، مسلح شویم؛ تقوایی که سبب هدایت جستن و بهره بردن از قرآن مجید است:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ [۷۵]

تقوایی که وسیله نجات از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های زندگی و فشارهای اقتصادی است:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ [۷۶]

تقوایی که سبب آسان شدن امور است:

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۳

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا [۷۷]

تقوایی که باعث جدا شدن حق از باطل است:

إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا [۷۸]

تقوایی که به فرمایش علی علیه السلام امروز پناه گاه و سپری در برابر حوادث جهان است و فردا راه بهشت جاویدان. آری، صیام و روزه ماه رمضان اگر به شرف قبول، مشرف و آداب و وقار آن نگاه‌داری شود، میوه‌اش تقوا و محصول آن استحکام شخصیت اسلامی و مستعد شدن روزه‌دار برای فرمان‌بری و اطاعت اوامر خدا و رساندن دعوت اسلام به جهانیان است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۴

فصل هشتم: روزه، عبادتی آسان

اشاره

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ [۷۹]

شریعت اسلام با فطرت بشر هماهنگ، و احکام آن، خواسته‌های واقعی فطرت و طبع سلیم و ذوق مستقیم است. اسلام به خرد و

نیروی اندیشه بشر اهمیت فراوان داده و او را به تعقل و کنجکاوی و تحقیق تشویق می‌کند و کسانی را که از حکومت عقل و مراجعه به آن سرباز می‌زنند، سرزنش و توبیخ می‌نماید.

تعالیم اسلام تحمیلی بر روح پاک انسانیت ندارد و وجدان بشر از این که روش خود را با آن تعالیم منطبق سازد، سنگینی و فشاری را احساس نمی‌کند.

یگانه صراط مستقیم و کوتاه‌ترین راه به سوی مقاصد عالی، برنامه‌های اسلام است که مصالح دین و دنیا، جسم و روح و فرد و اجتماع را با هم جمع نموده است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۵

آن چه در این دین حنیف مورد نهی و حرمت واقع شده، چیزهایی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۶

است که بر فطرت تحمیل شده و با خواسته‌های آن هماهنگ نیست. و آن چه مورد امر قرار گرفته و حکم به وجوب و استحباب آن شده، مطابق با فطرت است.

«خیر و مصلحت» و «دفع ضرر و مفسده»، پایه احکام اسلام است و در هر کجا، دو مصلحت باهم مزاحمت کنند، حفظ مصلحت مهم‌تر و در هر جا ناچاری به ارتکاب یکی از دو مفسده باشد، پرهیز از عملی که مفسده‌اش بیشتر است، لازم می‌شود.

یکی از مشخصات و علائم شریعت اسلام، «سهولت و آسانی احکام» آن است؛ چنان چه در اموری که تشریح اسلام بر پایه آن استوار است، «امکانات مکلفین» و «عملی بودن تکالیف» مدنظر قرار می‌گیرد.

تعالیم سخت، برنامه‌های دشوار و پر زحمت و مخالفت با فطرت سبب می‌شود که فرد، بیش‌تر از اطاعت سرباز زند؛ و دین به واسطه آن فقط مکتب ریاضت و وسیله کوبیدن و افنای غرایز باشد؛ و از فوایدی که باید برای دنیا و آخرت، نظام اجتماع، تهذیب اخلاق، تربیت و هدایت و ترقی داشته باشد، خالی گردد.

بدیهی است اگر قانون، بر خلاف فطرت و براساس رعایت مصلحت و دفع مفسد نباشد، قابل دوام نیست و عاقبت هم اگر با زور و قهر، بر بشر تحمیل شود، با مقاومت و عکس‌العمل شدید مواجه شده و در مقابل فطرت محکوم می‌گردد.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۷

همان‌طور که در عالم تکوین و طبیعت اگر بخواهیم موجودی را بر خلاف طبع و مسیر طبیعی قرار بدهیم، آن موجود مقاومت می‌کند تا پیروز یا فانی شود، در عالم تشریح نیز باید قوانین با خواسته‌های فطری و نیازهای واقعی سازش داشته باشد و گرنه در میدان تنازع بقاء مغلوب و معدوم می‌شود.

قوانینی که با فطرت بشر موافق باشد، پذیرفته می‌شود و از وجدان خود انسان، مأمور اجرا خواهد داشت. و اگر برخی برای مقاصد شخصی و جهل با آن ستیزه کنند و نگذارند آن قوانین به اجرا درآید، دیگران پشتیبان آن خواهند بود و مخالفت با آن را سرزنش می‌نمایند.

از این جهت اسلام در موارد عسر و حرج، اضطرار، ضرر و تقيه، طبق شرایطی که در فقه بیان شده، احکام و تکالیف خود را برداشته است. و قرآن مجید و نصوص و روایات، این اصول را تثبیت و تقریر فرموده‌اند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

الف- آیات کریمه

فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا [۸۰]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۸

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ [۸۱]

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ [۸۲]

أَلَا مَا اضْطُرَّرْتُمْ إِلَيْهِ [۸۳]

أَلَا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً [۸۴]

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ [۸۵]

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [۸۶]

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَوَسْعَهَا [۸۷]

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا مَا آتَاهَا [۸۸]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۹

ب- احادیث شریفه

لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ [۸۹]

رُفِعَ عَنِ امْتِنِي تِسْعَةَ... [۹۰]

يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَبَشِّرُوا، وَلَا تَنْفِرُوا... [۹۱]

بُعِثْتُ بِالْحَنْفِيَةِ السَّمْحَةَ [۹۲]

مطابق آن چه بیان گردید، بنای شرع بر تسهیل و آسانی است؛ پس، این سؤال مطرح است که چرا تکالیف دشوار- که به بذل مال و جان نیاز دارد- در شرع بسیار است؟

در پاسخ باید گفت: اگرچه بذل جان و فداکاری آسان نبوده و بذل اموال نیز بر کسانی که از خصلت سخاوت محروم‌اند و از همدردی با هم نوع، لذت نبرده و آن را پرداخت غرامت و ضرر می‌پندارند، دشوار است؛ اما برای تحصیل مقاصد مهم و یا دفع مفاسد بزرگ، تحمّل این زحمات، گوارا و موافق با فطرت است و وقتی این تکالیف به نوع بشر عرضه شود، همه با صرف نظر از توجه به خود، انجام آن را لازم و از اصول و نوامیس کمال و بقای نظام اجتماع می‌دانند. این گونه تکالیف،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۰

خلاف یسر و آسانی نیست؛ بلکه تأمین کننده آن نیز است.

در ضمن آیات راجع به روزه ماه رمضان، این جهت سهولت دین اعلان گردیده و نشان‌گر آن است که در تشریح روزه هم این موضوع رعایت شده است.

روزه بر نفوس معتاد به صرف غذا سخت بوده و به نوعی، ریاضت است؛ چرا که مانند هر رژیم تربیتی دیگر، با هوای نفس انسان سازگار نیست؛ ولی این ناسازگاری مثل ناسازگاری دارو با اشتهای بیمار است و قبول نکردن ذایقه و تنفّر مزاج بیمار، به واسطه طعم دارو است؛ ولی فطرت، وجدان و عقل بیمار، خوردن این دارو را پذیرفته و تحمّل زحمت آن را لازم می‌داند و سرباز زدن از خوردن آن را ناپسند و نابخردی می‌شمارد؛ به طوری که اگر بیمار از خوردن آن دارو خودداری کند، پرستار- که عقل و فطرتش پا بر جا است- آن را به زور به او می‌خوراند.

اما اگر دارویی زیان‌آور بود، نباید آن را به بیمار خوراند و یا اگر خوردن آن دارو، ناراحت کننده است، ولی قابل تبدیل به داروی دیگر می‌باشد، پزشک حاذق آن را به داروی دیگر تبدیل می‌نماید و یا اگر تغییر زمان آن، مصلحت مهمی داشت، وقت آن را تغییر می‌دهد.

خداوند متعال در ضمن بیان احکام روزه، دستور فرموده است که مسافر و بیمار در وقت دیگر - که این دو عذر را ندارند - روزه بگیرند.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۱

سپس می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ؛ خدا بر شما آسانی می‌خواهد.» خداوند در روزه نیز، سخت‌گیری و دشواری نخواسته و به طور کلی هدف تکالیف، تنگ‌گرفتن بر مردم و به دشواری انداختن آنان نیست؛ بلکه خدا نسبت به بندگانش رؤوف و مهربان است؛ آسانی امور آنها را می‌خواهد و سخت‌گیری بر آنان را اراده نفرموده است.

اگر چه اصل مذکور، در ضمن احکام روزه بیان شده، اما اصلی کلی است که در تمام موارد دیگر هم منظور شده و تذکر آن در ضمن احکام روزه، به این دلیل است که: بسا بعضی نادانان و ناپخته‌گان گمان کنند که در تشریح روزه بر مکلفین سخت‌گیری شده است و از این رو خداوند برای دفع این توهم فرموده است:

«يريد الله بكم اليسر

»؛ بی‌شک اگر مراد خداوند از روزه به دشواری افکندن بندگان بود، از بیمار و مسافر و پیران سالخورده، وجوب آن برداشته نمی‌شد.

پس، ای برادر مسلمان! سپاس خدای را به جای آور و نعمت اسلام را قدر بدان و در ماه رمضان، فرمان او را به جان و دل پذیرا شو! مبدا که از آموزش خدا در این ماه محروم بمانی:

«فالشقي من حرم غفران الله في هذا الشهر العظيم». [۹۳]

مبدا بدون عذر شرعی روزه‌ها را افطار کنی و با امر الهی در این ماه عزیز مخالفت کرده و معصیت‌نمایی و مشمول این حدیث شریف گردی:

مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ خَرَجَ رُوحَ الْإِيمَانِ مِنْهُ [۹۴]

کسی که روزی از ماه رمضان را [بدون عذر] افطار کند، روح ایمان از او بیرون خواهد رفت.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۲

فصل نهم: روزه و پرورش وجدان

در نهاد انسان نیرویی آسمانی و قوه‌ای ملکوتی است که او را به کارهای نیک تشویق کرده و از کارهای زشت باز می‌دارد. همه این نیرو را در اعماق باطن خود می‌یابند و پیروی از آن را کمال و فضیلت می‌دانند. و تنها از کسانی می‌توان انتظار و توقع امانت‌داری، صداقت و عدالت داشت و به خیر و نیکی آنان دل بست که این نیرو در آنان زنده و بیدار است. و این نور در نهاد هر کس به خاموشی گرایید، دیگر نباید از او انتظار عدالت، فضیلت، شرف و آدمیت داشت.

در اصطلاح علمای اخلاق به این نیرو «وجدان» می‌گویند. حقیقت این نیرو هر چه باشد و اسمش «وجدان» باشد یا «ضمیر» یا «قلب»، تفاوت نمی‌کند. چنین نیرویی در بشر وجود دارد که با انجام کار نیک، شاد و خوشحال می‌شود (مانند: کسی که از عهده تکلیف و مسؤولیت بزرگی بیرون آمده باشد که در این صورت، احساس راحتی و آسایش قلبی می‌نماید.) و هر گاه کار بد و عمل زشت و گناهی از انسان سرزند، این

نیرو او را تویخ و سرزنش می‌کند، و او را از کرده خود پشیمان ساخته

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۳

و بسا که آثار ندامت و کراهت در چهره گرفته او خوانده می‌شود و در ضمیر، احساس ندامت کرده و می‌گوید: کاش این کار را نکرده بودم! و ...

ندای وجدان و صدای ضمیر، همواره به او نهیب می‌زند و او را می‌ترساند و از او می‌خواهد تا نقطه ضعف‌ها را برطرف کند، و شکستگی و خسارت حاصل از گناه را جبران نماید.

قرآن مجید چنین حالت وجدانی را «نفس لؤامه» نامیده است.

بارها افرادی را دیده‌ایم که تحت تأثیر این ندای وجدان و برای خلاصی از تألمات روحی، صفحه زندگی آن‌ها- که از جرم، خیانت، گناه، ستم و فساد سیاه شده بود- عوض شده و در فصل دیگری از زندگی به صورت انسانی پاک و خیرخواه، نوع پرور، خداپرست و با شرافت ظاهر گردیدند.

پیروی از این نیروی خداداد و ذاتی و به کار بستن آن، باعث رشد و ترقی آن می‌شود؛ چنان چه بی‌اعتنایی و اهمال و سستی نسبت به آن، سبب ضعف و فناى آن می‌گردد؛ و از این رو وقتی برای اولین بار، انسان با وجدان خویش مخالفت نماید، سخت ناراحت و نادم است و در آتش عذاب روحی می‌سوزد و اگر آن مخالفت را دنبال کند، وجدان او به تدریج تاریک می‌شود؛ تا حدی که از آن کار زشت و ناپسند، هیچ گونه عکس‌العملی در نهاد خویش نمی‌یابد و مصداق:

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۴

حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً [۹۵]
می‌گردد.

یکی از اهداف و برنامه‌های دینی این است که وجدان بشر همیشه زنده بماند و از ضعف و سستی آن جلوگیری شود. نماز، حج، دعا، اذکار، مواعظ، نصایح، تلاوت قرآن و سایر احکام تربیتی اسلام و به طور کلی، اطاعت از تمام اوامر و نواهی شرع، این نیرو را رشد می‌دهد و وجدان عالی‌تر و نیرومندتری به نام «وجدان دینی و شعور به مسؤولیت» می‌سازد. این وجدان، مظهري از خوف و ترس از خدا و خشیت الله است.

این وجدان دینی است که هنگام وسوسه‌های شیطانی و اندیشه‌های اهریمنی به کمک مردم پرهیز کار بر می‌خیزد و آنان را از خطر سقوط در پرتگاه گناه نجات می‌دهد:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ [۹۶]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۵

این وجدان ایمانی و مذهبی، گناه را مانند سنگ بزرگی- که بیم فرود آمدن آن بر سر شخص وجود دارد- خطرناک و مهیب جلوه می‌دهد:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ صَخْرَةٌ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ [۹۷]

یکی از فواید تربیتی روزه «پرورش وجدان» است. روزه از جمله عباداتی است که با خلوص و پاکی نیت و پیروی از وجدان دینی انجام می‌شود و ریاکاری و اغراض باطل در آن کمتر وارد می‌گردد؛ زیرا روزه، صبر و امساک از مفطرات و خویشتن‌داری است. و کسی که نیت پاک، شوق به اطاعت فرمان خدا و پاسخ به ندای وجدان نداشته باشد، امساک و خویشتن‌داری نیز ننموده و در خلوت از خوردن و آشامیدن پرهیز نخواهد کرد؛ چرا که می‌تواند در حضور مردم از خوردن غذا خودداری کند، و به طور محرمانه روزه خود را افطار کند.

پس بی‌تردید کسی که در حضور و غیاب مردم امساک دارد و روزه است، دارای نیت قربت و اخلاص است و اطاعتش، واقعی و حقیقی است و این است معنای فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام:

وَالصَّيَامُ ابْتِلَاءٌ لِاخْلَاصِ الْخَلْقِ [۹۸]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۶

این روزه دار یقیناً دارای وجدان رشد یافته دینی است و حتماً روزه او سبب رشد بیش‌تر وجدان و شعور او به مسؤولیت می‌شود. پس ای برادر ایمانی وای حبیب روحانی! اگر خواهان رشد وجدان و بیداری ضمیر هستی، روزه بگیر و آن را که یکی از ارکان اسلام است، کوچک‌شمار؛ که در حدیث آمده است:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ، عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ [۹۹]

اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۸

فصل دهم: برنامه‌های عبادی، نجات‌بخش انسان

اشاره

بشر دنیای مادی، انسان عصر فضا، جهان طغیان‌گرایز حیوانی، بشر سرکش و رها شده از التزامات اخلاقی، جوامع ماشینی و اجتماعات سرمایه‌داری که شب و روز از زحمت و تلاش و کار و کوشش برای یک زندگی پر از حرارت مادی آرام نمی‌گیرند؛ اجتماعاتی که رهبران آن‌ها در بند مادیات گرفتارند و فرصت ندارند که امور جهان را از منظر فضیلت و انسانیت بنگرند و با عینک تقوا و شرف، اوضاع به هم پیچیده و دشوار آن را مطالعه نمایند؛ جوامعی که در آن رشته‌های محکم و استوار فضیلت، پاکدامنی و عفاف یکی پس از دیگری گسسته می‌شود، هر روز ناراحتی‌های روحی و فکری و بی‌اعتمادی تازه‌ای بر سرشان سایه می‌افکند.

مللی که در زور و قدرت مافوق دیگرانند و مللی که ضعیف و خودباخته و غارت زده هستند، و بالاخره تمام انسان‌های عصر ما، برای رسیدن به یک حال معتدل، و توازن روحی و برای رفع این همه نگرانی‌ها و تأمین زندگی آرام بخش و محیط اعتماد و سکون و ثبات عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۹

روحی به برنامه‌هایی مانند برنامه‌های اطمینان بخش ماه رمضان بیش از انسان‌های سال‌ها و قرون پیش نیاز دارند.

در آبادترین و آزادترین نقاط این دنیای به اصطلاح متمدّن و در مجامع بزرگ جهانی، جهت دست‌یابی به مقام، استثمار ملل و گسترش نفوذ، توسعه تجارت و بازرگانی، غارت کردن اموال، معادن و دست رنج ملل فقیر و کارگران بیچاره چه خیانت‌هایی که نمی‌شود! کمپانی‌های صنعتی و بازرگانی برای سبقت از هم و زمین زدن حریف و از میدان بیرون راندن او میلیون‌ها دلار صرف می‌کنند. از این رو، شرق و غرب همواره یکدیگر را متهم کرده و از هم شاکی‌اند!

با نگاهی به بودجه‌های تسلیحاتی، سازمان‌های جاسوسی و کارآگاهی - که خواب و اطمینان را از همه ربوده‌اند - به یک باره از بشریت ناامید شده و گمان می‌رود که انسان محکوم به بدبختی و زندگی توأم با ناراحتی است و نباید جز شرّ و فساد از او انتظار دیگری داشت.

خیانت و شهوت‌رانی به سرحدّ افراط رسیده است؛ به گونه‌ای که تاریخ بشر مانند آن را به خود ندیده است.

وضع واقعی زنان در آخرین مرتبه انحطاط و پستی و سقوط قرار گرفته و شرافت و عفاف آن‌ها لکه‌دار شده و بلکه از میان رفته است؛ چرا که خوش‌بخت‌ترین آنان در منطق و مکتب مادی‌گری، کسی است که در کاباره‌ها و اجتماعات شهوترانی، و در بین

مردان پست و کثیف

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۰

بیشتر و برهنه‌تر، آشکار شود و با بوالهوسان هم پیاله گردد و از این رهگذر و از طفیل این روابط به ظواهر زندگی خود سر و سامان داده و شکم خود را سیر سازد.

سرمایه‌داران خون آشام هزاران نفر از آن‌ها را به نام کارگر در اختیار خود گرفته و در حالی که میلیون‌ها جوان بی‌همسر، تحت فشار غریزه جنسی، نظم اجتماع را به هم می‌زنند و متعرض بانوان و دوشیزگان می‌شوند، آن را در انحصار خود قرار داده، به شهوترانی و هوس پرستی سرگرم هستند.

در پاره‌ای از نقاط، وضع به طوری است که زن بدبخت، خواه و ناخواه باید خود را تسلیم امیال حیوانی مردان متجاوز سازد. و اگر این موازین اخلاقی که هنوز پرتو ضعیفی از آن، بر دل‌ها می‌افتد از میان برود و این نور خفیف عفت و پاکدامنی و احترام به ناموس و زن و التزام به انجام غریزه جنسی از طریق ازدواج مشروع- چنان چه دورنمای آینده و تشویق زنان بی‌عفت و خودفروش نشان می‌دهد- از بین برود و اگر یک برنامه تربیتی اسلامی همه جانبه که رهبر و راهنمای بانوان به عفاف و پاکدامنی، تعدیل غریزه جنسی، حفظ موجودیت و شخصیت ارجمند زن موجود نباشد و یا به اجرا در نیاید، زن هیچ‌گونه استقلالی نیافته و برای جلوگیری از تجاوز به او هیچ قانونی و قدرتی دست به اصلاح نخواهد زد و باید به حکم اجبار، به هر پستی و ننگی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۱

تن در دهد و خود را برای پذیرایی از هر مرد جلاّد و زورمندی آماده سازد و هیچ پناه‌گاهی برای دفع ظلم از او- حتی به طوری که در دوران جاهلیت رسم بود- پیدا نخواهد شد.

تصوّر مفاسدی که از تعقیب روش «اختلاط زن و مرد» در اجتماع کنونی پدید می‌آید، واقعاً سرسام آور است.

مهر و عطوفت و بشر دوستی، و الفاظی از این قبیل به صورت تشریفات درآمدی و بی‌اعتبار می‌شود. و اگر مؤسّسات عمومی که به طور ماشینی و برای مقاصد خاصّی به ضعف کمک می‌کنند و اغلب اغراض سیاسی را از کمک به مستمندان و آسیب دیدگان و بازماندگان اجتماع دنبال می‌نمایند، وجود نداشتند، هیچ کس به فریاد نیازمندان و دردمندان پاسخ نمی‌داد.

بی‌شک آرامش و آسایش مصنوعی- که با سرگرمی‌ها، شب نشینی‌ها، پارتنی‌ها و مواد تخدیرکننده قوای عقلی و روحی فراهم می‌شود- نمی‌تواند بشر را سیر و قانع سازد. و افرادی که بدین ابزار متوسّل می‌شوند از بهتر زیستن واقعی که با آرامش و سکون روحی و اطمینان قلبی توأم باشد، دورتر می‌شوند.

در چنین جهانی که تشریح ناکامی‌های آن در این مجال ممکن نیست و آن چه می‌شنویم و می‌بینیم گوشه‌ای از بدبختی‌های جهان انسانی است، و در این جهانی که به علت رواج خیانت، جنایت، بی‌عفتی، پست

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۲

همّتی، بی‌غیرتی، پرستش مادّیات و شهوات، دشواری‌ها روز افزون است، یگانه راه علاج برای آرام کردن روح بشر، توسّل به نیروی ایمان، تقوا، تقویت قوای اخلاقی و کنترل غرایز حیوانی است.

خدایی که این بشر را آفریده و این غرایز را در نهاد او گذارده، می‌دانسته است که اگر این حرص و آز، خودخواهی و تکبر، استبداد و جاه‌طلبی و شهوات بر این بشر مسلط شود، دیگر نه تنها خودش، بلکه دیگران هم آرامش نخواهند داشت. و اگر مادّیات، معشوق و محبوب و معبود او شد، در هیچ حد و اندازه و مقداری قانع نمی‌شود. و اگر تمام کهکشان‌ها را مالک شود، حرص و آرزو پایان نمی‌پذیرد؛ و اگر میلیون‌ها انسان را برای منافع پلید شخصی و جاه‌طلبی استثمار کند یا به کشتن بدهد، آن را ناچیز شمرده و به حساب نمی‌آورد.

خدای متعال می‌دانست که اگر این بشر راهنمایی نشود، برای خودش و از جنس خودش خدایانی می‌سازد و بشر پرستی را در صور مختلف، ذلیلانه می‌پذیرد و در برابر اقویا و استعمارگران به خاک می‌افتد و آن‌ها را از یک انسان عادی، برتر می‌شمارد و برای آن که به اخذ مقام و درجه‌ای نایل آید، به هر پستی و تملّقی متوسّل می‌شود.

خدایی که این انسان را می‌شناخت، او را راهنمایی کرد تا هم به وسیله عقل و خرد و چراغ بینشی که در نهاد او روشن کرده و هم توسط پیامبران و راهنمایان حقیقی، راه سعادت و نیک بختی را بیابد.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۳

راهی که به عنوان یگانه راه، به تمام مقاصد شریفه و هدف‌های ارزشمند انسانی ختم می‌شود و وسیله آرامش روحی، اطمینان قلب، رفع بیم و هراس و نگرانی و وسواس است.

تمام برنامه‌های دینی برای تکمیل و ترقی انسانیت و تقویت اراده پی‌ریزی شده و حبّ فضیلت، بشردوستی و راهنمایی به سوی اهداف عالی‌تر از اهداف مادی را مدّ نظر دارد.

برنامه عبادی رمضان

یکی از برنامه‌ها، همین برنامه «روزه ماه رمضان» است.

آیا می‌دانید و هیچ فکر کرده‌اید که اجرای این برنامه در هر سال تا چه حد انسان را به خود باز می‌گرداند و ضمیر فرد را آگاه و شعورش را بیدار می‌سازد؟!

آیا اندیشیده‌اید که اجرای برنامه ماه رمضان توسط انسان‌هایی که در عصر ما گرفتار مسایل مادی و حیوانی، مسابقات بیهوده، شهوت‌رانی‌های بی‌نهایت کثیف و شرم‌آور، شرکت در مجالس لهو و لعب و رقص و قمار، می‌گساری و صدها آفت دیگر شده‌اند، چه آثار نیک و سودمندی دارد و چگونه آنان را از منجلاب این پلیدی‌ها نجات می‌دهد؟

کسانی که در طول سال به واسطه اشتغالات مادی حتی برای لحظه‌ای فرصت توجّه به امور روحانی را نداشته‌اند و از وجدان انسانی خود جدا

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۴

شده و موج اجتماع، آنان را از این سو به آن سو پرتاب کرده و پناهگاه و آسایشگاهی نیافته‌اند، اکنون در پناه ماه رمضان می‌آرمند و در لذایذ روحانی و معنوی غرق می‌شوند؛ با خدا مناجات کرده و دعا می‌خوانند:

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ اِیْمَانًا تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِیْ ... [۱۰۰]

گریه کرده و اشک می‌ریزند؛ و با روحی سرشار از امیدواری عرض امید نموده و دعای:

اَلِهٰی لَوْ قَرَنْتَنِیْ فِی الْاَصْفَادِ، وَمَنْعَتَنِیْ سَیِّئَاتِکَ بَیْنَ الْاَشْهَادِ، وَدَلَّتْ عَلٰی فُضَائِحِیْ عُبُوْنَ الْعِبَادِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِیْ مِنْکَ، وَمَا صَرَفْتَ تَاْمِیْلِیْ لِّلْعَفْوِ عِنکَ اِنَّا لَانَسِیْ اِیَادِیْکَ عِنْدِیْ [۱۰۱]

را زمزمه می‌کنند که دین، منبع امید و خدا مصدر خیرات است و غیر از این مادیات، غیر از جنگ‌ها و مسابقه‌ها، خیانت‌ها و جنایت‌ها، استثمارها، پرده‌دری‌ها و بی‌غیرتی‌ها، غیر از این مجالس هرزه‌گی و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۵

دانس‌ها و رقص‌ها، سینماها و کاباره‌ها- که خسته‌کننده روح و تاریک‌کننده باطن و باعث تضعیف اعصاب و پرده خرد و بینش و کشنده غیرت و مردانگی و شخصیت است عالم دیگر و لذت‌های بهتری وجود دارد.

می‌فهمند که آدمی زاد می‌تواند به مادیات بی‌اعتنا باشد. و در مقابل شهوات، امیال تشنگی و گرسنگی، زبان، چشم‌چرانی و ... سر

خم نکند.

می‌فهمند که آرامش واقعی روح، در یاد خداست و در عالم فضایل انسانی صفاتی مانند: راستی و درستی، شکیبایی، بشر دوستی، خدمت به هم نوع، دانش پژوهی، نیکوکاری، فروتنی و دادگری وجود دارد؛ و مزاحمت، دشمنی و کینه، جنگ، بی‌خانمان کردن و صفاتی از این قبیل در آن راه ندارد.

عالم فضایل عالمی است که هر چه بشر، عالی همت و بلند نظر باشد، زودتر در آن به مقصد می‌رسد.

راستی، کدام مدرسه و چه مکتبی برای تربیت این بشر، بهتر از ماه رمضان است؟

در ماه رمضان شعائر اسلام - که شعائر انسانیت و فضیلت است - زنده می‌شود. نماز جماعت‌ها رونق یافته و در آن مساوات اسلامی و حس هم‌ردیفی و هم‌قدمی آشکار می‌شود.

همه می‌فهمند که بنده یک خدا هستند و این امتیازات مادی بی‌ارزش

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۶

است. و کسی که به خدا نزدیک‌تر و خلوصش بیشتر باشد - سلطان یا رعیت، کارفرما یا کارگر، فرمانده یا سرباز ساده - محترم‌تر است.

غرورها، خودخواهی‌ها، کبرها و طمع‌ها و حسدها همه در ماه رمضان ضمن اجرای برنامه‌هایی از قبیل: ادعیه، مجالس و عظ و خطابه و ... به اندازه قابل توجه ضعیف یا نابود می‌شود.

اگر کسانی که مادیات، چشم بصیرت آنان را کور کرده، این برنامه‌های اسلامی را انجام دهند و از لذایذ مادی کناره‌گیری نموده و به حال معنوی خود برسند، در یازده ماه دیگر سال نیز از حدود اعتدال، چندان تجاوز نمی‌کنند.

ادعیه‌ای که در ماه رمضان می‌خوانیم، هر یک درسی آموزنده و راهنمایی برای توجه به مصالح عموم و آسایش همگان است.

این جمله‌ها، گویای احساسات و خواسته‌های روزه‌دار است:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ اَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورِ. اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ... [۱۰۲]

هر یک از دعاهایی که خوانده می‌شوند، نردبان ترقی و تکمیل خداشناسی و خداپرستی و آموزنده معارف اسلام و مبین ارتباط بنده با

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۷

خدای جهان و محکم‌کننده ارکان ایمان است.

ما باید از ماه رمضان حداکثر استفاده را برده و شکر این خوان گسترده و نعمت بی‌دریغ را به جای آوریم و از موائد و غذاهای روحی آن بهره‌مند گردیم.

اتحاد اسلامی

روزه دار عزیز! توجه داشته باش که مسلمانان در تمام نقاط دنیا با شادی و احترام فراوان از ماه مبارک رمضان استقبال می‌کنند و تو در این مراسم و در ادای وظایفی که بر عهده‌داری و در این عالی‌ترین مدرسه تربیتی و کلاس آدم‌سازی تنها نیستی؛ چرا که صدها میلیون هم‌کلاس و هم‌شاگرد داری و همه با تو در ادای تکلیف روزه، قرائت قرآن و دعا، و مناجات با خدا همگام هستند.

چنان بیندیش که باید با تمام این صدها میلیون هم‌کلاس، آشنایی و دوستی داشته باشی و خیر و سعادت آن‌ها و هدایت همه بشر را از خدا بخواهی!

متوجه باش که چگونه اسلام تو را و آن‌ها را با هم مرتبط کرده، و از این همه ملیت‌های گوناگون و نژادهای مختلف، یک امت

بزرگ به نام «امت اسلام»، «امت توحید» و یا «امت قرآن» ساخته است.

پس تو یک فرد از افراد این امت و یک عضو از اعضای این جامعه

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۸

هستی و با آن‌ها اهل یک ملت می‌باشی. از این رو باید به سهم خود، با این پیکری که تو عضوی از اعضای آن هستی، همکاری

کنی، و معنی حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله وسلم:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ، وَتَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالْحَمِي وَالسَّهْرِ [۱۰۳]

را آشکار سازی.

متوجه باش که تو مسلمانی و باید اسلام را مافوق هر چیز و هر کس بدانی. ملیت، قانون، فکر و عقیده و همه چیز تو اسلام است.

آن مسلمانی که در دورترین نقاط دنیا و در بین صدها هزار بیگانه اکنون روزه‌دار است، هموطن واقعی تو است و تو باید به فکر

مصلح و سعادت او باشی! او هم باید به فکر تو باشد و هر دو، برای خیر بشریت قدم بردارید.

در ماه رمضان متوجه می‌شویم که مرزهای جغرافیایی، سازمان‌های حکومتی و ... میان مسلمانان فاصله‌ای ایجاد نمی‌کند و این

اصطلاحات و تقسیمات هیچ اثری در همبستگی قوای مسلمین ندارد.

مسلمانان باید با التزام به احکام قرآن، دیگر بار سر بلند کرده و امت اسلام را قوت و نشاط بخشند، و فاصله‌ها را شکسته و با آنان

که

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۹

قومیت‌های خاصی را ترویج می‌کنند و می‌کوشند که میان مسلمانان فاصله اندازند، مبارزه نمایند و اموری را که خارج از اسلام و

مخالف با دعوت اسلام است، سبب امتیاز و جدایی از دیگر مسلمانان سازند.

قانون و احکام روزه و نماز و دیگر تکالیف و احکام اسلامی، در همه جا یکسان است و مرزبندی‌های جغرافیایی، و عوامل دیگر

سبب تغییر قوانین و یا چندگانگی نمی‌شود.

روزه‌دار عزیز! در این ماه تأمل و اندیشه کن. به وضع اسلامی خود و جامعه‌ات رسیدگی کن. تا آنجا که در توان داری به اسلام و

توسعه قلمرو آن، به دفاع از احکام الهی، به حفظ ملت خود و سایر مسلمانان خدمت کن؛ که اگر بتوانی و از آن دریغ کنی،

مسئول هستی و در سرای دیگر باید جواب گو باشی.

ماه رمضان ماه تربیت است؛ ماه تعویض حال و روش و ماه تصمیم و عزم و همت است.

در طول این ماه به قضایای اسلامی، به نقشه‌های خائنه دشمنان اسلام، به میزان آمادگی خود برای دفاع از اسلام، به آینده اسلام،

به یافتن بهترین راه برای تبلیغ اسلام، به اتحاد مسلمین، و به مسایل دیگر فکر کنید و از دانشمندان و متفکرین اسلامی استمداد

نمایید تا شما را در درک صحیح مسایل و موضوعات راهنمایی کنند؛ تا دریابید که مسایل و قضایای اسلامی در اجتماعات ما

فراموش شده و اگر به هوش

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۰

نیاییم و بیدار نشویم، در یک چنین اجتماع ناهنجار و مسخ شده‌ای همه چیز خود را خواهیم باخت.

پس برای یاری دین خدا بکوشید و برای نگاه‌داری پرچم اسلام، با مال و جان فداکاری نمایید.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ [۱۰۴]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۲

حضرت مولای مَقیمان علیه السّلام رهبر آزاد مردان و آزادی‌خواهان می‌فرماید:

الْأَحْرُ يُدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا أَنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا [۱۰۵]

آیا آزاده‌ای نیست که این بازمانده غذای دهان دیگران (دنیا) را برای اهلش بگذارد؟ به درستی که برای جان‌های شما بهایی غیر از بهشت نیست؛ پس آن را به غیر بهشت نفروشید.

نظامی شاعر حکیم می‌گوید:

دگر باره پرسید آن شهریار که: «تو کیستی من کیم در شمار؟!»

چنین داد پاسخ سخن گوی پیر که: «فرمان دهم من، تو فرمان‌پذیر!

مرا بنده‌ای هست نامش هوادل من به آن بنده فرمان رو اتو آنی

کی آن بنده را بنده‌ای پرستار ما را پرستنده‌ای!»

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۳

بسا افرادی که داد آزادی‌خواهی دارند و دیگران را به آزادی می‌خوانند و بی‌آن که توجه داشته باشند، اسیر و بنده هستند و از خود اختیاری ندارند.

بسیاری از اشخاص که آزادی و حقوق دیگران را پایمال کرده و آن را دستخوش امیال و اراده خود ساخته و خود را بر ملل و جوامع، فرمانروای مطلق می‌شمارند نیز از نعمت آزادی محروم هستند.

این هر دو دسته بنده‌اند و مقید و مملوک؛ امّا نه بنده و مملوک یک تن؛ نه بنده‌ای که جسمش در اختیار غیر باشد، و فکر و اندیشه‌اش در اختیار خودش.

اینان بنده هوا، بنده پول، مال، اسب، اشتر، گاو، الاغ، گوسفند و بنده مقام هستند. غلام حلقه به گوش شهوت، غلام اربابان قدرت و کخدایان، حاکمان و امیران، بنده مقاصد رذیله و اشیای خسیسه و بنده عادات و خرافات هستند. بندگانی که علاوه بر جسمشان، روح و فکرشان نیز بنده است و همه چیزشان در بند افتاده و از آزادی واقعی و استقلال روحی و فکری بویی نبرده‌اند. عادت به خوردن و نوشیدن، عادت به شهوت رانی، قمار، شراب، می‌گساری، شب‌نشینی‌های زیان‌بخش، سیگار و دخانیات، ظلم و ستم،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۴

و بی‌اعتنایی به ضعیفان و زیردستان و ... آن‌ها را چنان اسیر و مقید کرده که، نجات از این طلسم عادات را غیرممکن می‌دانند. در میدان سیاست، در عرصه مبارزات ورزشی، در جنگ و نبرد و لشکرکشی، پیروز می‌شوند و حریف را بر زمین می‌زنند؛ امّا در میدان مبارزه با عادات و آزاد شدن از قیود هوا و هوس، بیچاره و مغلوب، شکست خورده و بر زمین افتاده‌اند. چنین کسانی، خود و انسانیت خود را در اسارت عادات انداخته و نتوانسته‌اند از وادی تنگ و تاریک بندگی و بردگی مخلوقاتی مانند خود، با بال همت پرواز کرده و در باغستان آزادی واقعی، وارد شوند.

برنامه کار روز و شب و حاصل زندگی آن‌ها انجام یک سلسله عادات و تکرار مکررات است و به طور خلاصه حیات آن‌ها مصداق سخنی است که از «روسو» نقل شده است:

«انسان، بنده و برده متولّد می‌شود و بنده و برده می‌میرد. روز ولادت او را در قماط می‌پیچند و روز مرگ، او را در کفن قرار می‌دهند. [و در دل خاک پنهان می‌کنند] و در میان این دو روز، بنده و اسیر و مملوک و خاضع عادت است.»

آیا کسی که تمام عمرش را در لهو و لعب و بازی به سر می‌برد، و نمی‌تواند دمی از آن، خود را کنار بکشد، آزاد است یا بنده؟!
آیا کسی که دست از قمار بر نمی‌دارد و شب‌ها را تا نزدیک سحر بر
عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۵

سر سفره قمار، مال و وقت عزیز خود را به باد فنا می‌دهد، بنده است یا آزاد؟!!

آیا شخصی که جام شراب را- با آن که به زیان‌های خانمان براندازش واقف است- مثل آب گوارا می‌نوشد، بنده است یا آزاد؟!
آیا آن که نمی‌تواند از زندگی تجملی و از طعام‌های رنگارنگ سفره‌اش و از لباس‌های گران‌بها و متنوعش، چیزی کم بگذارد و از
هم‌نوعان خود- که درمانده و گرفتار، مستمند، بیمار، زلزله‌زده و مبتلا هستند- دستگیری و به آنها کمک نمی‌کند، بنده است یا
آزاد؟!!

آیا کسی که برای مقام و منصب، حفظ ریاست و برای تجملات بیش از حد، و شکم پرستی، حقوق ضعفا را پایمال و دسترنج
کارگران را غارت می‌کند و از رشوه‌خواری و دزدی از بیت المال مسلمین، باک ندارد آزاد است یا بنده؟!
آیا این است زندگی آزاد و شرافتمندانه انسان؟!!

یقیناً این گونه افراد، بنده‌اند و آزاد ساختن آنان، از آزاد کردن رفیق و عیب‌دشوارتر است، چنان چه دین اسلام برای آزادی غلامان
و کنیزان کوشش‌های ثمربخشی نموده و برنامه‌های سودمندی تنظیم کرده و آن را از عبادات بزرگ قرار داده است و حتی در
بعضی موارد، حکم به وجوب آن نموده و در موارد دیگر، به طور استحباب آن را از مسلمانان خواسته است، برای آزاد کردن این
ممالک فکری و بندگان و غلامان

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۶

واقعی نیز برنامه‌های وسیعی را پیشنهاد کرده تا بشر را از بند استعباد، عادات رذیله و هوای نفس آزاد سازد و همان گونه که در
قرآن ذکر شده، یکی از اهداف دعوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم برداشتن این گونه بارها از روح و فکر بشر
است:

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ [۱۰۶]

و تا بشر به این آزادی نرسد طعم آزادی را نمی‌چشد و در سایر امور کسب آزادی نمی‌کند.
یکی از برنامه‌های آزادی بخش اسلام، «روزه» است.

روزه، آدمی را از بند عادات حیوانی آزاد می‌سازد و او را به سوی ملکوت اعلی پرواز می‌دهد:
طیران مرغ دیدی تو زپای بند شهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیت!

خور و خواب و خشم و شهوت، شَغَب است و جهل و ظلمت حیوان خبر ندارد زجهان آدمیت!

فرد مسلمان به قصد روزه، سحر از میان بستر آرام خواب، برای خوردن سحری و انجام عبادت و خواندن دعا و نماز بر می‌خیزد و از
عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۷

قید خواب و عادت به استراحت، آزاد می‌شود و در تمام مدت روز از تحت سیطره و تسلط جسم و غرایز حیوانی و عادت به خوردن
و نوشیدن، خود را بیرون می‌کشد و طلسم هوا و هوس را می‌شکند و از خوردن غذاهای لذیذ و میوه‌های شیرین و خوش طعم و
نوشیدنی‌های خنک و گوارا خودداری می‌کند و به عادات روزهایی که روزه نبود، نمی‌اندیشد و برنامه‌های غذایی روزانه را ترک
کرده و فکر و عقل و وجدانش را آزاد می‌سازد و خود را در افقی عالی‌تر و نورانیت و روشنایی دیگر می‌بیند. ادعیه‌ای را که جهت
ماه رمضان و برای مواقع سحر و روز و شب، وارد شده، می‌خواند؛ ادعیه‌ای که اغلب دارای جملات آموزنده، حقیقت و روح
آزادی است.

ادعیه‌ای که عقیده توحید را با جان و روان و وجدان آمیخته می‌سازد و خواننده را از بندهای گران اخلاق زشت و صفات ناپسند نجات داده و به صفات پسندیده و اخلاق کریمه دعوت می‌نماید.

روزه‌دار عزیز! و برادر مسلمان! از ماه رمضان، درس آزادی بگیر و نخست از عادات زشت و تقیدات بی‌جا، خود را آزاد ساز و بدان که یکی از مقاصد اسلام، آزادی افراد و جماعات از یوغ حکومت‌های مستبد و سلطه‌های فردی و شخصی است.

این گونه آزادی، هدف مقدس تمام انبیا است و همان سان که قرآن کریم بیان می‌دارد، آن‌ها برای آزادی بشر مبعوث شده‌اند:

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۸

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ [۱۰۷]

مشاهده می‌کنید که چه معانی بزرگ و آزادی بخشی در این آیه نهفته و چگونه با نهایت صراحت و قاطعیت، پرستش غیر خدا و استعباد و شرک و طاغوت‌پروری را محکوم کرده است.

این است اساس آزادی اسلامی که هیچ کس و هیچ مقامی حق گردن‌کشی و زورگویی ندارد. و هیچ کس نمی‌تواند دیگران را فرمان‌بر خود و خاضع جلال و جبروت مادی خود سازد و طبق خواسته و هوا و هوس خود، مانند دوران جاهلیت و پیش از اسلام بر دیگران فرمان‌روایی کند.

کسانی که در برابر این افراد، خاضع می‌شوند، از دستور صریح این آیه محکم قرآن تخلف می‌کنند و سران قدرت را به گردن کشی، خودکامگی و فساد، تشویق می‌نمایند.

دین اسلام همواره آزادی کشی، تکبر، بلندپروازی و استعلائی فرد بر دیگران را به شدت مورد نکوهش قرار داده و ابطال فرموده است:

چنانچه این آیه شریفه بیان می‌دارد:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ [۱۰۸]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۹

کلام الهی و احکام و قوانین خدا باید بر همه چیز و همه کس و بر هر قانون بشری، سیطره داشته و حاکم باشد و کلام مؤمنان و مقصد و هدف آنان، ترویج و بلند آوازه شود.

بیشتر شقاوت‌ها، و بدبختی‌های بزرگ، ناشی از عدم درک حقیقت آزادی و حریت اسلامی و یا عدم استقامت در راه آن است. از این رو، کسانی که به این درک و استقامت، موفق نمی‌شوند، تکبر و گردن‌کشی و استعباد دیگران را می‌پذیرند و با اظهار تملق در برابر متکبران و گردن‌کشان، بر کبر و طغیان آنان می‌افزایند؛ در حالی که اسلام از تمام افراد بشر دعوت می‌کند تا در برابر خدا و حکومت خدا خاضع باشند.

آن چه باعث تأسف است این است که مسلمانان به آیات توحید قرآن کمتر توجه دارند و از میوه‌های درخت طیبه توحید، کمتر تناول می‌کنند.

روزه‌دار عزیز! با دقت در آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا، وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنْ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۰

الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ [۱۰۹]

درمی‌یابیم که چه حقایق بزرگ و معانی بلندی در آن درج شده است. این آیه، عموم بشر و انسان‌ها را مخاطب قرار داده و به

پرستش آفریدگار یگانه و ترک شرک دعوت می‌کند، و عالی‌ترین مفهوم آزادی را به بشر عرضه می‌دارد.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۲

فصل دوازدهم: روزه و سیر زمان

نقش علم در ایمان

به گواهی دانشمندان بزرگ غرب و شرق، پیشرفت‌های علمی و صنعتی روز افزون- که حکایت از استعداد وسیع و توان اندیشه بشر دارد- به هیچ وجه موجب سستی ایمان به خدای جهان و برنامه‌های آسمانی و هدایت‌های اخلاقی و اجتماعی پیامبران نمی‌شود؛ و اصولاً تا آنجا که فکر دوربین بشر به کاوش‌های بزرگ علمی توفیق یافته و به کشف مجهولات بسیار نایل شده، هیچ رابطه‌ای میان ترقی دانش و صنعت، و کاهش نیروی ایمان یافت نشده و پس از این هم رابطه‌ای پیدا نخواهد شد؛ بلکه هر چه بشر در ناحیه کشف قوای طبیعت و تسخیر زمین و آسمان قدم به جلو بردارد، نیروی ایمان او استوارتر و احساس او به آن وجود بزرگ (خدا)- که تمام این نظامات جهان، از کهکشان‌ها تا ذره و اتم را برقرار کرده- بیشتر می‌شود.

تاریخ سیر ادیان نشان می‌دهد که به موازات ترقی علم و دانش، ایمان واقعی بشر نیز همواره رو به تکامل بوده است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۳

تمام اقداماتی که دانشمندان در زمینه کشف خواص پدیده‌های این عالم دارند و تمام دانش‌هایی که در رشته‌های گوناگون این پدیده‌ها شب و روز دانشمندان را به بررسی و تحقیق وادار کرده- از دانش پزشکی، گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی و ...- همه دلایل خداشناسی قرآن مجید و معارف دین اسلام را تأیید می‌کنند؛ و آن چه را در قرآن و احادیث اسلام درباره تمام موجودات به طور عام بیان شده، این دانش‌ها آن را به طور استقراء و بررسی در هر رشته، بیان می‌دارند.

قرآن می‌گوید: تمام عالم، تحت یک نظام دقیق قرار داد.

دانش‌های بشری نیز، از هر یک از نظام‌ها و ارتباطی که میان این پدیده‌های جهانی برقرار است، سخن می‌گویند.

به طور مثال: اگر نظام دقیق و ارتباط بین اجزای این جهان وجود نداشت، امکان موفقیت بشر برای تسخیر ماه و کرات دیگر خرد پسند نبود.

تمام دانش‌ها، روی نظم و ارتباط اجزای این جهان پیدا شده است؛ حتی دانش پزشکی بر اساس نظام جسمی بدن انسان پیشرفت کرده و بیماری‌ها را علاج می‌کند.

این نظم همان است که در قرآن مجید مکرر از آن یاد شده است. دانش امروز امکان تسخیر کرات را عملی کرد. قرآن هم چهارده قرن

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۴

پیش تمام کرات و مخلوقات را صریحاً مسخر انسان معرفی فرموده است.

اسلام، تمام افراد بشر را عضو یک جامعه و همه حیوانات و نباتات و جمادات را اعضای یک جامعه بزرگتر و بالاخره تمام مخلوقات کوچک و بزرگ را با هم مرتبط و عضو جامعه بزرگ ممکنات- که یک اراده بر همه آنها حکم فرما، و یک نظام در همه آنها برقرار است- می‌داند.

علوم امروز نیز همه این ارتباطات و هم بستگی‌ها را کشف می‌کنند.

از نظر دانشمندان و علما، علم مؤید ایمان، و ایمان مشوق علم است؛ ولی افرادی نادان که از علوم و دانش‌های قدیم و جدید

بی‌اطلاع می‌باشند، گمان می‌کنند که چون وسایل زندگی مادی عوض شده، مسایل اخلاقی و معنوی و برهانی نیز عوض می‌شود؛ و چون مظاهر زندگی مادی دستخوش تحوّل و تغییر است، همه چیز قابل تحوّل و تغییر می‌باشد و چون از ابتدا ایمان پا برجا و با اساس نداشته‌اند و از حدود تقلید جلوتر نرفته‌اند، نسبت به تعالیم اخلاقی و دستورات انبیا، بی‌اعتنا شده‌اند و گمان می‌کنند که مثلاً چون بشر، اسب و ... را کنار گذارده و از اتومبیل و هواپیما و ... استفاده می‌کند، باید ایمان، امانت، صداقت، محبت، عفاف، پاکدامنی و سایر تعالیم اخلاقی را کنار بگذارد.

این تفکر نتیجه جهل و نادانی و بی‌اطلاعی از حقایق دین و دعوت دین، و خلط و اشتباه بین امور روحانی، معنوی و اخلاقی و اجتماعی با

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۵

امور صناعی است. و با اندک توجه، این اشتباه برطرف می‌شود؛ زیرا اگر بین ضعف ایمان و پیشرفت صنعت و تغییر مظاهر زندگی مادی رابطه‌ای بود و به موازات ترقی و تحولات مادی و صنعتی، ایمان ضعیف شده و در قوس نزولی حرکت می‌کرد، قرن‌ها پیش از این، فاتحه ایمان خوانده شده و همه جا بی‌ایمانی، حاکم مطلق شده بود؛ چرا که تمام مظاهر زندگی بشر از خانه، لباس، خوراک، کسب و تجارت، زراعت، آلات و ادوات، خواندن و نوشتن، کتاب و چاپ، نقل و انتقال، ریسندگی و بافندگی، همه به تدریج و در اثر پیشرفت صنعت و اختراع و کشف مجهولات، ساخته و تکمیل شده و هر روز، بشر قدمی به جلو برداشته و در جهان علم و صنعت اطلاعات تازه‌ای کسب کرده است. و در حالی که این مظاهر زندگی از هزاران سال پیش تاکنون در حال تغییر بوده و هست، ایمان و لوازم آن همواره ثابت و برقرار باقی مانده است؛ به طوری که اگر یک مؤمن و یک موخّذ حقیقی چند هزار سال پیش، مانند: ابراهیم خلیل علی نبینا و آله وعلیه السّلام به این دنیای ما باز گردد، اصلاً و ابداً چیزی از ایمانش کاسته نمی‌شود و با همان ادله‌ای که قرآن از آن‌ها حکایت کرده، اکنون هم مردم را به خدا راهنمایی می‌کند؛ و همان‌طور که آن روز بشرپرستی و شرک را محکوم می‌کرد، امروز هم بشرپرستی را که به صور دیگر رایج شده، محکوم می‌کند؛ زیرا هیچ فرق و تفاوتی پیدا نشده، جز ترقی علم و افزایش اطلاع بشر، که آن هم مؤید

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۶

ایمان و سبب نیاز بیشتر انسان به یک نظم دینی و وجدانی شده است.

توجه به یک نکته

نکته‌ای که در این جا باید به آن توجه داشت این است که: برخی از ملل به جای عقاید صحیح و حق، و کیش معقول و دین خردپسند، و توحید خدا، خرافاتی را پذیرفته و به آن ایمان دارند.

این ملّت‌ها یا از اساس، عقاید خرافی داشته؛ یعنی، کیش آن‌ها مبنای منطقی و پاک نداشته و یا اگر داشته به واسطه علل و دسایس و حوادث و تحریفات خرافاتی که داخل آن دین شده، به شرک و پرستش غیر خدا آلوده گشته است؛ که چون تاریخ روشن و کتاب دست نخورده و مورد اعتماد هم در دست ندارند، نمی‌توانند آن خرافات را از حقایق جدا کنند؛ مانند: کیش مسیحیت کنونی. از این جهت ناچار به ضدیت با علم برخاسته و در میدان مبارزه با دانش‌های بشر، شکست خورده و ایمان پیروان آن مذاهب، سست و بی‌اثر گردیده است.

تاریخ کلیسا کاملاً این موضوع را نشان می‌دهد که علّت بزرگ و اساسی زوال حکومت کلیسا بر قلوب و تسلط افکار مادی‌گری در جهان مسیحیت، خرافاتی بود که به اسم دین به آن معتقد شده و ترقی علم، بی‌مایگی آن عقاید خرافی را آشکار کرد. از این جهت اروپا تا مدّتی به اساس مذهب و دین بی‌عقیده شده و دین را از ریشه و پایه،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۷

بی‌اساس می‌پنداشت.

اسلام و خرافات

اما اگر دینی مثل اسلام خالی از خرافات باشد و راه اجتهاد و بررسی در آن دین به واسطه وجود کتابی مانند قرآن مجید، و احادیث و سنت و سیره پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام برای همه باز، و تاریخ روشن و معتبر آن در دسترس مطالعه عموم باشد، با پیشرفت علم و صنعت از ارزش و نفوذ آن چیزی کاسته نمی‌شود؛ بلکه بر اهمیت و اعتبار آن افزوده می‌گردد؛ چرا چنین دینی با خرافات به شدت مبارزه کرده و بشر را به عقل و تفکر و تعلیم و تعلم دعوت نموده و تمام بدبختی‌های او را معلول جهالت و نادانی می‌شمرد.

خدایی که اسلام معرفی می‌کند و به سوی او می‌خواند، اگر صدها میلیون سال و با سرعت هر چه شکفت‌انگیزتر، بشر در کشف مجهولات به پیش برود، به جایی و نقطه‌ای که او را به انکار این خدا وادار کند یا از پرستش او باز دارد، نخواهد رسید.

خدای بشر همان خدای یگانه اسلام است؛ همان خدای ناپیدا؛ همان خدایی که نظم جهان‌ها، کیهان‌ها، ذره‌ها و همه را او برقرار کرده؛ همان خدایی که همه را آفریده است؛ خواه انسان در ناحیه علم و در یک نقطه بماند و تغییر وضعی ندهد، یا هر آن و هر روز با نیروی کوشش و تأمل

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۸

و تفکر، گام‌های وسیعی بردارد و خواه بیابان نشین باشد، یا در آسمان خراش‌ها زندگی کند، او خدا و معبود و مسجود همه و بی‌نیاز و توانای مطلق، و پاک و منزّه از شرک و انباز است.

سایر عقاید اسلامی و فروع و اصول و تعالیم این دین - که جنبه‌های گوناگون آدمی زاد و جامعیت او را از هر جهت رعایت کرده و جسم و روح او را در یک میزان قرار داده و با هم، هماهنگ می‌سازد - همین گونه است؛ یعنی مرور زمان آن را متزلزل و کم اعتبار نخواهد کرد.

اگر دنیا با این ترقی‌های شگرف و عمیق مادی، از تعالیم و هدایت‌های اسلام و قرآن و روش تربیتی اولیا و رهبران اسلام و توجه آن‌ها به عدالت گستری و تساوی حقوق و تأمین رفاه و آسایش واقعی بشر الهام می‌گرفت، به طور قطع زمین نمونه‌ای از بهشت برین بود.

قرآن را بخوانید؛ نهج البلاغه را مطالعه کنید و اصول عالی و همیشه نوین اسلام را در قسمت‌های اجتماعی و سیاسی بررسی فرمایید تا بدانید هر آنچه در ستایش این دین و تعالیم و اصول و فروع آن گفته شود، گزاف نیست و یگانه راه نجات بشر از اضطراباتی که به واسطه پیشرفت صنعت و غلبه مادیات بر روحانیات و ادغام جامعه‌ها در یکدیگر و اصطکاک منافع پیش آمده، التزام به احکام اسلام و جهانی شدن این نظامات است.

از باب نمونه، یکی از احکام اسلام همین «روزه ماه رمضان» است. هر

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۹

چه اعصار مترقی‌تر، جلو بیاید، نه از حکمت‌ها و فواید روزه چیزی می‌کاهد و نه نقش روزه را در تربیت روح و جسم و تهذیب اخلاق انکار می‌کند. و همان طور که چهارده قرن پیش، روزه ماه رمضان از کامل‌ترین و آموزنده‌ترین مکتب‌های اخلاقی و انسانی و آموزنده تقوا و پرهیزکاری و رشددهنده فضایل و ملکات شریفه بود، امروز هم همین منافع و مصالح را دارا است.

اگر چهارده قرن پیش آن طور که باید نوع مردم از فواید آن آگاه نبودند، در عصر ما فواید صحی و بهداشتی و روانی و تربیتی و اجتماعی آن آشکارتر شده است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۰

فصل سیزدهم: نقش روزه در روح انسان

انسان در زندگی و در راه ترقی و تکامل، باید با دشواری‌ها و سختی‌ها دست و پنجه نرم کند و از گردنه‌های خطرناکی عبور نماید و رنج‌ها و زحماتی را در این راه متحمل شود، تا به سر منزل مقصود برسد؛ و تا بر این دشواری‌ها پیروز نشده و این گردنه‌ها را پشت سر نگذارد، به مقام کمال انسانیت واصل نخواهد گشت.

متاعب، صدمات و خطرات، بشر را آزموده و پخته و خالص می‌سازد؛ به شرط آن که بتواند با صبر و شکیبایی با آن‌ها روبرو شود، ثبات ورزد و از میدان به در نرود.

برای این که جان انسان به صبر و شکیبایی معتاد و نیرومند شود، اسلام برنامه‌هایی عالی و مؤثر پیشنهاد کرده که از آن جمله «روزه» است.

روزه، انسان را به صبر و تحمل عادت می‌دهد و به روح او نیرومندی و توازن و سنگینی خاصی می‌بخشد که در برابر حوادث و ناملازمات عقب‌نشینی ننماید و به سوی اهداف انسانی پیش برود.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۱

از نظر دیگر در وجود انسان احساسات و غرایز متضاده‌ای است که باید آدمی بر همه آن‌ها مسلط باشد و در عین حالی که آن غرایز را به نحو معقول ارضا و اشباع می‌کند، بر کارشان نیز نظارت نماید.

وجود بشر منبع خواسته‌های بسیار است که هر یک در سیر او به سوی کمال، دخالت دارند و عوامل و اسباب ترقی و سعادت او می‌باشند.

این غرایز اگر به طور صحیح رهبری نشود، برای انسان درد سرهای بسیار ایجاد کرده و باطن او را از طوفان‌های نگرانی و وحشت و اضطراب پر می‌سازد و زندگی را بر او تلخ و ناهنجار و ملامال از عذاب و خطا می‌کنند و حسد، تکبر، حرص، طمع، شهوت، هوای نفس، ستمگری، چالپوسی، تملق و زبونی، حبّ جاه و ریاست و استعمار دیگران در آن حاکم می‌شود و اگر به طور خردپسند و در لوای راهنمایی دین و قرآن هدایت شوند، باعث رستگاری و سعادت شده و فرد را به صفات انسانی مانند: تواضع، حلم، قناعت، پارسایی، عفت، تقوا، عدالت، شرافت، استقامت و شجاعت آراسته می‌سازد.

انسان برای تسلط بر غرایز و برقراری نظم و ترتیب در اعمال آن و حفظ اعتدال و هماهنگی ساختن تمایلات و رهبری آن‌ها، محتاج به صبر و شکیبایی است که یورش‌های این غرایز از قبیل: حسد، شهوت، حبّ جاه، میل به غذا و یورش‌های دیگر او را از پا در نیاورد و در او

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۲

اختلال ایجاد ننماید. این یورش‌ها بسیار خطرناک و ضربه‌زننده هستند و اقناع نفس و دفع این یورش‌ها، با تسلیم شدن و ترک مقاومت کردن و آتش بس دادن در برابر آن‌ها امکان پذیر نیست و این امیال و خواسته‌های نفس، بیرون از حد و حصر است.

دوزخ است این نفس و دوزخ اژدهاست کان به دریا نگردد، کم و کاست

هفت دریا در آشامد هنوز کم نگردد سوزش این خلق سوز

نفس را هفتصد سر است و هر سری از ثری بگذشته تا تحت الثری

اگر نفس از تسلط بر این غرایز باز داشته شد و عقل آن‌ها را تحت فرمان قرار داد، انسان به سوی کمال می‌رود و اگر به خود

واگذار شدند، مانند طفل شیرخواری که اگر او را از شیر باز نگیرند، به همان حال بزرگ می‌شود، این غرایز نیز در مسیر غیرعقلانی رشد یافته و قوت سرکشی خود را افزون می‌سازند.

النَّفْسُ كَالطِّفْلِ إِنْ تَهْمَلَهُ شُبَّ عَلَى حُبِّ الرِّضَاعِ وَإِنْ تُفْطِمَهُ يَنْفَطِمُ
كَمْ حَسَنَتْ لُذَّةَ اللَّمْرِ قَاتِلُهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَدِرْ أَنَّ السَّمَّ فِي الدِّسَمِ
وَخَالِفِ النَّفْسَ وَالشَّيْطَانَ وَاعْصِمَاوَانَ هُمَا مَحَاضَاكَ النَّصِيحَ فَاتَّهَمِ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۳

یکی از فواید روزه همین است که برای این پیکار داخلی، انسان را آماده می‌سازد، و نیروی شکیبایی او را زیاد می‌کند.

مگر روزه ترک شهوات، غذا و خوردنی‌های لذیذ و آشامیدنی‌های گوارا و خودداری از اعمال غرایز نیست؟

فردی که توانست یک ماه و هر روز تقریباً چهارده ساعت، غذا نخورد، تشنگی را تحمل کند، به غریزه جنسی اعتنا نکند و آزاد زندگی نماید، خواهد توانست در مواقع دیگر نیز از شهوات نامشروع و آلوده دامانی، خود را حفظ کند. بیشتر آلودگی‌ها و گرفتاری‌ها و سقوط در سیاه چال‌های زندان‌ها برای همین است که آدمی نتوانسته است برای مدّت زمانی هر چند کم، خود را در برابر خشم و شهوت نگاه بدارد و شکیبایی پیشه سازد.

روزه این حال و این وزن را به انسان می‌دهد که جنبش‌ها و یورش‌های نفسانی او را از این سو به آن سو پرتاب کند.

روزه یار و مددکار و راهنمای ما است که هم بتوانیم هجومی را که از خارج به ما وارد می‌شود دفع کنیم و هم حملاتی را که از داخل ما را تهدید می‌کند، بشکنیم.

از این رو است که از روزه، به «صبر» تعبیر شده و آیه کریمه

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۴

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» [۱۱۰] تفسیر به «صوم» گردیده است.

چنان چه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هرگاه بر کسی پیشامد سختی فرود آمد، پس باید روزه بگیرد؛ زیرا خداوند می‌فرماید:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ

از «شکیبایی» و «نماز» یاری جوید.

پس، فرمود: «صبر» یعنی «روزه».

از این جا معلوم می‌شود که روزه در حصول صفت صبر، یک علت و عامل مهم است و به این دلیل است که از آن تعبیر به «صبر» می‌شود.

آری، بهترین تقویت کننده صبر و شکیبایی، «روزه» و برترین یاد خدا «نماز» است که هر کس از این دو یار قوی کمک بگیرد، بی‌شک بر حوادث، مصایب، هوای نفس، و تمایلات شیطانی پیروز می‌شود.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۶

فصل چهاردهم: روزه، مدرسه عالی اجتماعی

چنان چه می‌دانیم روزه دارای فواید، حکمت‌ها، مصالح روانی و اخلاقی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، درمانی و حتی سیاسی است و باید در هر یک از این فواید جداگانه و مستقل به بحث پرداخت و تذکر و توجه به این فواید یقین مسلمان را به دین اسلام، زیاد و اطمینانش را به حکمت خدا در تشریح این فریضه بزرگ قوی‌تر می‌سازد.

در این مجال، می‌خواهیم برخی از حکمت‌های اجتماعی روزه را یادآور شویم؛ تا در روشنائی آن به اوضاع اجتماعی کنونی نیز توجه کنیم و از ماه رمضان و آیین روزه‌داری برای اصلاح وضع اجتماعی خود کمک بگیریم.

۱. یکی از فواید اجتماعی روزه- چنان چه مکرر تذکر داده‌ایم- این است که روزه، اراده اجتماع را قوی و همت جامعه را بلند و بر هواها و امیال و شهوات، حاکم و مسلط می‌سازد.

کسی که توانست مدت چهارده ساعت- کمتر یا بیشتر- در شدت

گرما، طعام و غذا را ترک و زحمت و رنج تشنگی را تحمل کند، و از

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۷

لذا بدین جنسی خودداری نماید، می‌تواند برای خاطر مصالح بزرگ اجتماعی و برای حفظ شرف و آبروی خود و جامعه نیز شکیبایی ورزد، و زحمات و دشواری‌ها و ناراحتی‌ها را برای نیل به مقاصد عالی اجتماعی متحمل گردد.

بدیهی است هر اجتماعی که بخواهد در راه ترقی قدم به جلو بردارد و با حرکات و نهضت‌های مترقیانه به پیش رود، به قوت اراده، عزم آهنین و همت بلند نیاز دارد؛ قوت و همتی که او را به اقدامات بزرگ و نهضت‌های خطیر برانگیزد، و از تصور شکست و ضعف و عقب‌نشینی در برابر عوامل مایوس‌کننده و مخرب مصون بدارد.

یگانه چیزی که سبب امتیاز افراد و اجتماعات از یکدیگر و باعث پیروزی و غلبه آن‌ها بر مشکلات است، قوت اراده و عزم سخت است که هر ملتی از آن بیشتر برخوردار باشد، بیشتر می‌تواند با مشکلات و مصایب دست و پنجه نرم کند و مصالح عالی عمومی را با بذل مصالح و منافع شخصی و ترک هواهای نفسانی بازخرد نماید.

نقش روزه و تأثیر آن در تکمیل و تقویت اراده، بسیار مهم است؛ زیرا روزه تمرین صبر و خویش‌داری و قوت اراده و ایجاد‌کننده عزم محکم به واسطه ترک لذایذ حلال، و سبب صبر و شکیبایی در ترک لذایذ حرام است.

۲. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه، تذکر و یاد کردن حال فقرا و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۸

طبقه محروم و توجه به شرافت نفس و علو طبع بی‌نویان صابر و شکیبا است.

اگر روزه‌دار متمکن و توانگر فقط در ماه رمضان به صبر و شکیبایی می‌پردازد و از خوردن غذاهای لذیذ و اعمال غریزه جنسی خودداری می‌کند، فقیر و محروم صابر و با ایمان، علاوه بر اجرای برنامه ماه رمضان در دوره سال، بر محرومیت‌هایی که دارد صبر می‌کند و از حدود شرع تجاوز نمی‌نماید و زبان به شکایت از خدا نمی‌گشاید و به مال کسی چشم طمع ندوخته و به اغنیا و ثروتمندان حسد نمی‌ورزد.

پس روزه‌دار توانگر و فهیم در می‌یابد که چه بسا این دسته از فقرا و محرومین مؤمن به واسطه صبر بر محرومیت‌ها در قوت اراده و شرافت طبع و بلندی همت بر او فضیلت داشته باشند؛ زیرا هر چه کام‌گیری‌های نفسانی بیشتر باشد و طبع، معتاد به هواپرستی، و مشغول به التذاذات جسمانی شد، مقاومت در برابر آن دشوارتر، و اراده ضعیف‌تر و توانایی انسان به تحمل مشکلات و سختی‌ها و اقدام به اعمال نیک و بزرگ کمتر می‌شود.

چنان چه در تاریخ بزرگان دیده شده و به تجربه نیز ثابت گردیده، در خاندان‌هایی که با ناز و نعمت فراوان خو گرفته باشند، افراد برجسته، با همت، شجاع و با اراده کمتر پیدا شده و در خانواده‌هایی که با اختیار یا بدون اختیار، به ترک لذایذ و بی‌اعتنایی به امور

مادّی و تن پروری

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۹

مبادرت شده، نوابغ و مردان باشخصیت و با اراده، بیشتر ظهور کرده‌اند.

پس، روزه‌دار هم به عزّت نفس و شرافت فقرای فاضل آگاه گشته و هم از سختی و رنج آن طبقه محروم اجتماع، خبردار می‌شود و به فکر کمک به آن‌ها می‌افتد.

در حدیث است که «حمزه بن محمّد» به حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام نوشت: چرا خدا روزه را واجب فرموده؟ پاسخ رسید:

لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَضْضَ الْجُوعِ فَيَحْنُو عَلَى الْفَقِيرِ [۱۱۱]

برای این که توانگر درد گرسنگی را بیابد و به فقیر عطوفت نماید.

و از حضرت صادق علیه السّلام روایت است که فرمود:

أَمَّا فَرَضَ اللَّهُ الصَّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرَ الْحَدِيثَ [۱۱۲]

خداوند روزه را واجب گردانید تا به وسیله آن غنی و فقیر مساوی گردند.

۳. از دیگر فواید روزه آن است که روزه‌دار، حقیقت آزادی و حرّیت را درک می‌کند و روزه او را از عبادت، شهوات، عادات و پرستش هوای نفس آزاد می‌سازد و روح او را ارتقا داده و فکرش را روشن می‌نماید و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۰

در پیکر اجتماع، روح آزادی می‌دمد و همه را به خضوع در پیشگاه آفریدگار- که جز او کسی سزاوار پرستش نبوده و هر مخلوقی از قید رقیّت و عبودیت او بیرون نیست- رهبری می‌نماید و از بشرپرستی و کرنش و تعظیم در برابر صاحبان قدرت‌های مادّی و ستمگران باز می‌دارد.

روزه‌دار مؤمن و خداشناس، آزاد واقعی است؛ آزادی که کامل‌ترین معانی و مفاهیم آزادی را درک کرده است.

کسانی که آزادی را به ترک وظایف و التزامات شرعی و عقلی و هوس‌رانی و شهوت‌پرستی می‌دانند، بنده شهوات و عادات و اسیر هوای نفس هستند. چنین کسانی مؤمنان را- که به پرستش خدای یگانه می‌پردازند- مسخره می‌نمایند؛ در حالی که خودشان در پرستش هوا و شهوات و لذّات خسیسه، طوق عبودیت به گردن انداخته و مصداق این کلام معجزه نظام الهی می‌باشند:

أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ [۱۱۳]

آن هنگام که هوای نفس مطاع و معبود شد، استبدادش از استبداد هر سلطان مستبد خطرناک‌تر است و اگر از استبداد هوای نفس پیروی شد،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۱

خطرش، زوال شخصیت، شرف و حیثیت است و آن کسانی که پیروی از پلیدی‌های نفس و شهوت‌پرستی و سرپیچی از اوامر شرع را آزادی می‌دانند، علاوه بر آن که معنای آزادی را نفهمیده‌اند، در پلیدترین قید و بندها مقید و بسته هستند و تا این قیود، صفات ذمیمه از قبیل: حرص و آز، حبّ دنیا، تجملات و جاه و ریاست و ... را پاره نکرده و به جهان آزاد خداپرستی و صف آزادمردان موّحد منتقل نشده و اعلان آزادی بشر را در تعالیم اسلام نخوانند، از نعمت آزادی بهره‌ای نمی‌برند.

«ابن خضرویه می‌گوید:

فِي الْحُرِّيَّةِ تَمَامُ الْعُبُودِيَّةِ، وَفِي تَحْقِيقِ الْعُبُودِيَّةِ تَمَامُ الْحُرِّيَّةِ

در آزادی حقیقی تمام عبودیت و پرستش خدا، و در پرستش خدا تمام آزادی درج است.

آزادی، رهایی از بندهای پرستش غیر خدا، قیود و اخلاق زشت و عادات ناپسند است و اعتماد و اتکای به خدا و بندگی خالص و حقیقت عبودیت خدا، آزادی از قید بندگی و اسارت دیگران است.

۴. روزه، تمرین اخلاص و پاکی نیت و تنزه از ریا، و اجتناب از شهرت طلبی و مدح و ثنای خلق است. این عیوب و آفات در امور نیک دیگر بیشتر وارد می‌شود؛ ولی روزه‌دار برای ریاکاری ناچار به حفظ رژیم روزه و امساک از مفطرات نیست؛ زیرا ممکن است در خلوت از

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۲

مفطرات امساک ننماید و خود را روزه‌دار معرفی کند.

پس اگر شخصی در تمام مدت روز و در خلوت و جلوت، پنهان و آشکار روزه‌دار بود، علامت پاکی نیت و صدق باطل و اخلاص او است و فایده آن، تمرین و تربیت نفس بر خلوص نیت و طهارت مقصد و پرهیز از حبّ شهرت و عوام فریبی و حبّ جاه و کسب اعتبار در بین مردم است.

هر مقدار اجتماع از آفات عوام فریبی و حبّ شهرت و جاه و مقام پاک شود، واقعیات و حقایق، میزان سنجش کارها معلوم می‌شود و اشتباه کاری‌ها از بین می‌رود و بزرگ‌ترین خطری که حیات زعما و رهبران ملل و حتی حکما و دانشمندان را تهدید می‌کند، همین عوام‌فریبی و حبّ جاه و شهرت است که به واسطه آن اعمال از مسیر حقیقت پرستی و واقع‌بینی منحرف شده و اجتماع در اشتباه می‌افتد و علت عمده شکست بسیاری از نهضت‌ها و قیام‌ها و حرکات اصلاحی، عدم خلوص نیت از ابتدا و یا آلوده شدن نیت در میانه راه و وسط کار، به این آفات است و هر چه اجتماع انسانی از این آفات تطهیر شده و سران و رهبران از حبّ مدح و سپاس پاک باشند و مدح و سپاس، وسیله تقرب به آنها نباشد و مبالغه و گزافه‌گویی و نیایش و تواضع نسبت به آنها از بین برود چنین جامعه‌ای به سوی ترقی واقعی خود

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۳

بهرتر قدم بر می‌دارد. [۱۱۴]

از این جهت در اسلام به اخلاص در نیت، و توحید در عبادت، اهمیت بسیار داده شده است.

قرآن مجید می‌فرماید:

وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ [۱۱۵]

معنای خالص قرار دادن دین، برای خدا این است که انسان‌ها اعمال و رفتارهایی که جنبه معنوی و وجه ربوبی داشته و نمایش پرستش و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۴

حاکمی از حسن ضمیر و صفای باطن است، فقط برای خدا به جای آورند و در برنامه‌های بازرگانی و روابط اجتماعی، سیاسی و نظامی فقط به احکام خدا ملتزم باشند، و از غرور و حبّ جاه و جنبه‌های شخصی، خود را پاک کرده و از التزام به آن چه بیرون از احکام خدا و حدود شرع است پرهیز نمایند، و در هر کار و عمل و هر حرکت، رضای خدا را شرط بدانند.

در روزه و برنامه‌های ماه رمضان، درس این معانی و آموزش این حقایق عالی و این حکمت‌های بزرگ نهفته است و به قدری این عبادت از ریا دور است که خدا آن را برای خود و مخصوص خود معرفی فرموده است؛ با این که تمام عبادات باید برای خدا انجام شود.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

الصَّوْمُ لِيْ وَأَنَا اجْزِيْ عَلَيْهِ [۱۱۶]

ز هر حرف بشارت ده سراسر بود لفظ انا اجزی نکوتر [۱۱۷]

۵. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه حصول ملکه حسن خلق و عفو

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۵

و گذشت و دوری از کینه‌توزی، تندخویی، بدزبانی، ستیزه‌جویی، غیبت و دشنام است؛ زیرا از جمله تعالیمی که به طور مؤکد به روزه‌دار داده شده، این است که مواظب چشم و زبان و گوش خویش باشد و اگر از کسی نادانی و بی‌ادبی دید یا دشنام و سخن زشتی شنید به او پاسخ ندهد.

در حدیث است که حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام فرمود:

اِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ وَشَعْرُكَ وَعَدَدَ اَشْيَاءٍ غَيْرِ هَذَا وَقَالَ: لَا يَكُونَنَّ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فَطْرِكَ [۱۱۸]

وقتی روزه می‌گیری باید گوش تو و چشم تو و موی تو روزه بگیرد. و چیزهای دیگر را شمرد و فرمود: نباید روزی که روزه هستی تو مثل روزی که روزه نیستی، باشد.

و از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ صَائِمٍ يَشْتُمُ فَيَقُولُ: اِنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ لَا اَشْتِمُكَ كَمَا تَشْتِمُنِي اِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَعَالَى: اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي قَدْ اجْرَتْهُ النَّارُ [۱۱۹]

بنده روزه‌داری نیست که به او دشنام داده شود و او به دشنام

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۶

دهنده بگوید: من روزه هستم. سلام بر تو! من دشنام نمی‌دهم؛ چنان چه تو دشنام می‌دهی؛ مگر این که پروردگار تعالی می‌فرماید: بنده من به وسیله روزه از شر بنده [به من پناه جست. من به تحقیق او را از [شر] آتش پناه دادم.

ذکر فواید و حکمت‌های اجتماعی روزه نشان می‌دهد که روزه یک کلاس تربیتی، اجتماعی و عملی و تعلیم سلوک و معاشرت هر چه بهتر و منزه‌تر و انسانی‌تر است. از این رو در صدر اسلام اجتماع اسلامی از حیث سلوک اجتماعی و معاشرت افراد با یکدیگر و روابط آن‌ها با هم راقی‌ترین اجتماعات بود و مدرسه عبادات اسلام، از جمله کلاس «روزه»، مسلمانان را شایسته آن نمود که رسالت اسلام را به دنیا ابلاغ کنند و از ثمرات اخلاقی و برکات درس‌های آن - که عبارت از ایثار، فداکاری، استقامت، تملک نفس، کوشش در راه هدایت و بیداری ملت‌ها و آزادی اجتماعات از ظلم سران و فرمان‌روایان و پیکار با جهل، فساد عقیده و رذایل اخلاقی است - جهانیان را به حقیقت اسلام متوجه سازند.

این معانی بلند را در ضمن ادای مسلمانان صدر اسلام، عبادات و برنامه‌های نماز، روزه، حج و ... فرا گرفته و در پیاده کردن آن می‌کوشیدند.

اکنون نیز ماه رمضان این آثار را داراست و طبق آمارهایی که داده می‌شود، از میزان و تعداد جرایم و جنایات در این ماه کم می‌شود.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۷

مسلمانان در وضع اجتماعی کنونی به تلمذ در مدرسه عالی روزه ماه مبارک بیش از گذشته احتیاج دارند و هتک حرمت این ماه با افطار روزه، مبارزه با این مدرسه تربیتی اسلامی و مخالفت با تهذیب نفوس و تزکیه اخلاق و تکامل و ترقی جامعه بوده و معاندت با خدا و اهانت و استخفاف فرمان خالق جهان و جهانیان است. (اعاذنا الله منه).

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ [۱۲۰]

یکی از وظایف و برنامه‌هایی که روزه‌داران در ماه رمضان اجرا می‌نمایند، دعا و مناجات و طلب حوائج از خداوند قاضی الحاجات است.

خواندن دعا و طلب خیرکردن از خداوند در هر زمان، مستحب و توان بخش روان و از اسباب نشاط دل، انبساط خاطر و تجدید قوای فکری و روحی است.

«دعا» رافع غم و اندوه، غذای مقوی روح، برطرف کننده ناراحتی‌ها، سبب خوش‌بینی و امید به آینده و نجات از کابوس ناامیدی است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق؛ ص ۱۷۸

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۸

دعا، خواندن پروردگار و یاری خواستن و حاجت طلبیدن از اوست که انسان فطرتاً از این نعمت بزرگ و رحمت واسعه الهی، بهره‌مند است.

بشر- هر چه هم قوی و نیرومند باشد- در شداید و سختی‌ها به وجود خدا- که برتر از همه و بی‌نیاز از همه و کارساز همه است- رو می‌آورد و به او پناهنده می‌شود و رفع سختی‌ها و بلاهایی را که به آن گرفتار شده را از او می‌طلبد. فطرتش او را به سوی خدا رهبری می‌نماید و غیر از خدا کارسازی نمی‌یابد:

قُلْ ارْءَيْتُمْ كُم انْ اَتَيْكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ اَوْ اَتَتْكُمْ السَّاعَةُ اَغَيْرَ اللّٰهِ تَدْعُونَ انْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ اِيَّاهُ تَدْعُونَ [۱۲۱]

اگر افتی بدام ابتلائی به جز او از که می‌جویی رهایی [۱۲۲]

انسان در پستی و بلندی‌های زندگی و حوادث روزگار و در برابر پیشامدهای سخت و ناگوار به مواردی می‌رسد که غیر از دعا هیچ‌گونه

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۹

تکیه‌گاهی برای خود نمی‌یابد و فقط دعا می‌تواند ضعف و ناتوانی روحی او را جبران کند.

یکی از چیزهایی که هر بیمار و گرفتار به آن شایق و مایل است «دعا» است.

هر شخص بیمار و هر انسان مبتلا و ناراحت مایل است دوستی داشته باشد که دردهای خود را با او بگوید و او را از ناراحتی‌های خود آگاه ساخته، گرفتاری‌های خود را برایش شرح دهد و آن چه را بر سرش آمده یکایک برای او بازگو کند و به اصطلاح، «عقدہ گشایی» نماید.

علم روان‌شناسی این را یکی از راه‌کاری‌های تخفیف آلام و سبک شدن اضطراب، نگرانی و ناراحتی روحی شناخته است.

اگر شخصی غصه و اندوه خود را در دل نگاه داشته و پنهان کند و یا کسی را نیابد که غم دلش را آن‌چنان که هست به او بگوید، در آتش اضطراب و خیالات غم افزا می‌سوزد و دنیای وسیع را بر خود تنگ و تاریک می‌بیند.

یکی از فواید دعا این است که مؤمن، با خدای مهربان و شنوا، رازها، غصه‌ها و رنج‌ها و افسردگی‌هایش را در میان می‌گذارد و گرفتاری‌های خود را بی‌کتمان شرح می‌دهد؛ و از او چاره‌جویی می‌کند و می‌داند که خدا از هر کس به او نزدیک‌تر است؛ ناله و صدایش را می‌شنود و او را پاسخ می‌گوید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۰

بنده مؤمن، پس از دعا احساس می‌کند که آلام درونی‌اش تخفیف یافته و سنگینی بار اندوه و فشارهای روحی‌اش سبک‌تر شده است.

راستی اگر دعا نبود و اگر بندگان راه به دعا نمی‌بردند و ناچار بودند راز دل و غصه‌های خود را بازگو نکنند، چقدر زندگی ناگوار و تلخ می‌شد و عقده‌های روحی، آنان را آزار می‌داد.

ما باید به خاطر وجود نعمت «دعا»، حمد خدا را به جای آوریم و این نعمت را عزیز و گرامی بداریم.

در دعای «ابی حمزه» است که:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ادْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَأَنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي

حمد برای آن خدایی است که او را می‌خوانم؛ پس مرا جواب می‌دهد، هر چند من در جواب او - وقتی مرا بخواند - کند هستم. و در همان دعا می‌خوانیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَلُّهُ فَيُعْطِينِي وَأَنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

حمد، مخصوص خدایی است که از او می‌خواهم، پس مرا عطا می‌کند؛ هر چند وقتی از من وام بخواهد [۱۲۳] بخل می‌ورزم.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۱

و در فرازهای دیگری از این دعای زیبا می‌خوانیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اِنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَّتِي وَاخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بَعِيرٍ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَّتِي

سپاس مر خدای را که هر زمان بخواهم برای نیازم او را ندا می‌کنم و برای راز گفتن با او خلوت می‌نمایم؛ بدون این که شفיעی داشته باشم، پس حاجتم را برمی‌آورد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ادْعُوهُ وَلَا ادْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

سپاس از آن خدایی است که او را می‌خوانم و غیر او را نمی‌خوانم و اگر غیر او را بخوانم، دعایم را مستجاب نمی‌کند.

دعا، همت را بلند، اراده و تصمیم را استوار، و انسان را در برابر حوادث بزرگ و مصایب جانکاه مجهز و بیمه می‌سازد.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آغاز روز عاشورا - که می‌بایست به استقبال آن همه بلا و مصیبت برود و آن شداید و سختی‌ها هر کدامش برای این که تهمتان جهان را از پای در آورد و به خاک ذلت و تسلیم بنشانند، کافی بود - روی به درگاه خدا آورد، و

با این جمله‌های پر معنی خدا را خواند و از او تأیید و قوت خواست و در آن میدان شداید و نوائب، سر مویی از صراط مستقیم منحرف نشد و لحظه‌ای از هدف و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۲

مقصد عالی خود دیده بر نداشت.

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ سِتْدَةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعَدَّةٌ كَمَ مِنْ هَمٍّ يَضْعَفُ فِيهِ الْفُؤَادُ وَتَقَلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ أَنْزَلْتَهُ بِحُكِّكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مَنَى إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ عَنِّي وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِي فَأَنْتَ وَلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ [۱۲۴]

در جمله‌های روح بخش این دعا دقت کنید تا دریابید سلاحی که حسین علیه السلام به آن مسلح بود، سلاحی بود که اگر تمام دنیا، سپاه و لشکر می‌شد و با سپاه کوفه هم دست می‌شدند، نمی‌توانستند حسین حقیقت و فضیلت را بشکنند و شهادت و شجاعت و استقامت او را متزلزل سازند و او را از مقصد و هدفی که دارد به جای دیگر و نقطه دیگر متوجه نمایند.

آری، خدا پشتیبان، مددکار و امید و مقصد و منتهای حسین علیه السلام بود، که توانست از آن میدان بلا، شرافتمندانه و سربلند

بیرون آید و ذلیل و زبون و تسلیم کفّار نگردد؛ و دین خدا را با بذل جان خود و جوانان و یارانش یاری نماید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۳

دعا، وسیله تهذیب باطن و نشان از شعور دعا کننده به فقر و نیازش به خدا و باعث رسوخ صفت تواضع و فروتنی و افتادگی و پرهیز از تکبر و گردنکشی است.

همه باید دعا کنند

بشر در حال شدت و سختی بیشتر به خدا روی می‌آورد؛ و «یا الله»، «یا رحمن»، «یا شافی»، «یا کافی» و «یا رازق» می‌گوید؛ ولی به هنگام ناز و نعمت، خدا را فراموش کرده، باد غرور و تکبر در سینه‌اش می‌افتد و خود را ضعیف و محتاج نمی‌شمرد و مغرورانه از اوامر الهی سرپیچی می‌کند. با اندک مال و عزت، تندرستی، جاه و مقام، قدرت و قوت جوانی چنان فریفته می‌شود که کسی را نمی‌بیند و به اصطلاح، خود را گم می‌کند، روی زمین متکبرانه راه می‌رود؛ و مانند آن که جهان را به اختیار او داده باشند، دیگران را بنده و ناچیز شمرده و به خود می‌بالد و خود را می‌آراید؛ به بندگان خدا به نظر حقارت نگاه می‌کند و از خدا اعراض نموده و مصداق این آیه کریمه می‌شود که:

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَابِجَانِيهِ وَأَظْلَمَ الشَّرُّ فُؤَادًا عَرِيضًا [۱۲۵]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۴

برای این دسته از مردم دعا و اظهار فقر و حاجت در درگاه حق و آن دسته گرفتار و مبتلا، لازم‌تر است. آن دسته گرفتار و مبتلا چندان نیازی به آموزش دعا ندارند و همان ابتلائی که دارند، آنان را به سوی دعا می‌برد. امّا این دسته برخوردار و متمتع را باید به دعا دعوت کرد و به آن‌ها گوشزد کرد تا همواره خدا را بخوانند و شکر او را به جای آورند؛ تا متواضع و فروتن شده، از ادعاهای خود بکاهند و از خلق خدا فاصله نگیرند؛ و به پلیدی، کبر و گردن‌کشی آلوده نشوند. از این جهت دعا یک برنامه عمومی و همگانی است. هر فرد به اندازه استعداد و لیاقت خود، از آن بهره‌مند می‌شود و حتی پیغمبران و اولیای دین نیز از آن منتفع شده و بیش از دیگران در دعا کردن و طلب حوائج از خداوند اهتمام داشته‌اند.

بهترین دعاها

بهترین دعاها، دعایی است که برای زیادتی معرفت و نورانیت قلب، پاکی و صفای باطن، حسن عاقبت و توفیق در کارهای خیر، کسب ثواب، تخلّق به اخلاق حمیده، انجام وظایف اسلامی، طلب مغفرت و آمرزش و تقرب به درگاه باری تعالی باشد. این گونه دعاها یقیناً مستجاب است و آثار اجابت آن خیلی زود ظاهر

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۵

می‌شود و شخص با این گونه ادعیه به سوی خدا سفر می‌کند و به درگاه او نزدیک می‌شود.

ادعیه دیگر در صورتی مستجاب می‌شود که با سنن الهی مطابق بوده، و از سوی دیگر موافق مصلحت دعاکننده باشد.

گاهی ما دعا می‌کنیم و در آن دعا از خداوند بلا- و گرفتاری را برای دیگری طلب می‌کنیم، که این گونه دعاها یقیناً مستجاب نیست و خداوند عادل حکیم حلیم، منزّه از این است که چنین دعاهایی را مستجاب فرماید.

این گونه دعاها علامت عدم رشد و کمی معرفت و بی‌صبری دعا کننده است.

کامل‌ترین ادعیه، آن‌هایی است که قرآن از زبان پیغمبران و مؤمنان حکایت کرده و دعاهایی است که از پیغمبر اعظم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام روایت شده است.

این دعاها مثل: دعای کمیل، دعای عرفه، دعای ابی حمزه، دعا‌های صحیفه کامله سجّادیه، دعاکننده را در اوج مقام بلند انسانی قرار داده و به سوی عوالم بالا پرواز می‌دهد.

از جهات بسیار ارزنده دعا، جنبه تربیتی آن است. مضامین دعا‌هایی که از پیشوایان دین و رهبران مذهب وارد شده، همه تربیتی و آموزنده و تکمیل‌کننده بصیرت و معرفت است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۶

راجع به دعا و آثار و برکات و شرایط و آداب آن در این مجال نمی‌توان حقّ سخن را ادا کرد و علاوه بر آن از عهده ضعیفانی چون من نیز خارج است و خوانندگان گرامی باید کتب بزرگ و پرارزشی را که علما و اساتید فن در این موضوع نوشته‌اند، مطالعه فرمایند.

از جمله اخبار درباره «فضیلت دعا» این روایت است:

الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ [۱۲۶]

دعا مغز و حقیقت بندگی و پرستش است.

و نیز در حدیث دیگر است:

الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ [۱۲۷]

دعا اسلحه مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است.

ماه رمضان بهار دعا است

پر واضح است که ماه رمضان، بهار دعا و موسم آن است. افراد ناامید، شکست خورده، گرفتار، بی‌نشاط و ناراحت، کم صبر و بی‌شکیب در این ماه از برکت دعا و توجه به رحمت و اسعه الهی امیدوار، با نشاط،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۷

بردبار و شکیب گردیده و از نو با روح شکست‌ناپذیر، در میدان حیات و زندگی به فعالیت و کوشش مشغول می‌شوند.

ماه رمضان به انسان این نوید را می‌دهد که نباید در کشاکش دشواری‌ها و سختی‌های این جهان خود را بیازد و از دست و پنجه نرم کردن با حوادث عالم بیم‌ناک گشته و مغلوب پیشامدها گردد.

خواندن دعای ابی حمزه، افتتاح و دعا‌های دیگر، چنان شخص را گرم و پرشور و سرشار از نشاط و معنویت می‌سازد که تمام مصائب دنیا را فراموش کرده و وجودش غرق خوش‌بینی و خوش‌گمانی به آینده می‌شود و همان‌طور که در حدیث است این گونه دعاها- که در ماه رمضان رسیده و نمونه‌های آن در ماه‌ها و مواقع دیگر نیز زیاد است- سلاح و زره مؤمن است و وجود او را در برابر حوادث، بیمه قطعی کرده و روحش را غیرقابل نفوذ قرار می‌دهد.

سرتاسر دعای ابی حمزه، برنامه تسلیح اخلاق واقعی و درس رضا و تسلیم و قناعت و توکل و حبّ به خدا و پیغمبر خدا و اولیای دین است. همان سلاح و زرهی که مجاهدان اسلام با آن به جهاد دشمنان خدا می‌رفتند و آن‌ها را- که غرق سلاح و زره بودند- شکست می‌دادند و اسلام را بر کفر غالب می‌ساختند.

همان سلاح و زرهی که علی علیه السلام اوّل مجاهد و یگانه سرباز اسلام به آن مسلح بود و در جنگ‌ها از انبوه دشمنان بیم نمی‌کرد و در هیچ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۸

میدان نبردی پشت به جهاد نکرده و می‌فرمود:

وَاللَّهُ لَو تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَّا وَّلَّيْتُ عَنْهَا [۱۲۸]

خواننده عزیز! روزه‌دار ارجمند! از برنامه‌های دعایی این ماه استفاده کنید. وقت را غنیمت بشمارید. فرصت را از دست ندهید که: «الفرصة تمر مرالسحاب» [۱۲۹] با خدا سخن بگوئید و سپاس و ستایش او را که شایسته سپاس و ستایش است به جای آورید. از دعا روی نگردانید و اظهار تکبر ننمایید.

و خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ [۱۳۰]

توبه و استغفار

وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [۱۳۱]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۹

بنده گناهکار به هیچ چیز مثل رحمت و آمرزش و مغفرت خدا احتیاج ندارد و چیزی جز توبه و مغفرت خدا، درون تیره او را روشن نمی‌سازد.

چنین بنده‌ای خود را آلوده گناه، و شرافت خویشتن را لکه‌دار می‌بیند و دلش می‌خواهد تا آثار گناه را محو کند و پرونده سیاهی را که از زشتکاری برایش باز شده، ببندد.

آیا می‌شود با گذشته خود وداع کند و سوابق ننگین خود را فراموش ساخته و از بین ببرد؟

آیا می‌شود این مجرم جنایتکار، یک فرد با شرف و وظیفه شناس شود؟!

آیا این همه نواقص و کمبودها و این لکه‌های ننگ همیشه با او خواهد ماند و یا می‌توان خرابی‌ها را ترمیم و عیب‌ها را برطرف کرد؟

آیا می‌تواند در صف نیکوکاران و خداپرستان قرار گیرد؟

آیا این ناراحتی‌های درونی و پریشانی وجدان از میان می‌رود؟

آیا راهی برای اعاده حیثیت او پیدا می‌شود و یا برای همیشه محکوم به بدبختی و ناپاکی است؟

اگر راهی نباشد، آیا بهتر نیست که خود را از این عذاب روحی و از این که خود را یک عنصر شرارت و خباثت و جنایت می‌بیند، خلاص

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۰

کند و به زندگی کثیفی که دارد خاتمه دهد؟

حال که نمی‌تواند مانند انسان‌های شرافتمند زندگی کند، برای او زندگی چه مفهوم و ارزشی دارد؟

فرض کنیم که به طور موقت و با سرگرمی‌هایی، تبهکاری‌ها را از یاد ببرد، و یا به وسیله مواد مخدر از خود بی‌خود شود؛ اما خود می‌فهمد که این یک زندگی سالم نیست؛ بلکه منتهای پستی و سقوط و بیچارگی است.

هرچه گناه عظیم‌تر باشد، تراکم این افکار و فشار وجدان، بیشتر او را رنج می‌دهد، و بسیاری از گناهکاران از شدت این اندیشه‌ها گرفتار جنون و امراض عصبی می‌شوند.

پس چه باید کرد؟

اما واقعاً چه باید کرد و چگونه باید این بیچاره گناهکار و سرافکنده تبهکار را آزاد ساخت؟

شاید بوده و هستند افرادی که عقیده دارند خلاصی از آثار گناه و ننگ و پستی آن ممکن نیست و پلیدی آن از گناهکار جدا نمی‌شود.

بعضی از ملل هم، راه نجات از این حالت و اعاده شرافت و حیثیت خود را تعذیبات شدید بدنی می‌دانند و گمان می‌کنند که اگر عضوی از اعضای بدن را قطع کنند نفس خود را تأدیب، و از هوای نفس انتقام

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۱

کشیده، و آن را به مجازات رسانده‌اند. افرادی هم خودکشی کرده، و راه خلاص شدن از پستی و احساس ننگ و عار رذیلت و آلوده دامانی را «انتحار» می‌دانند.

اکنون هم در میان بعضی از طوایف، تعذیبات بدنی شدید رایج است و گناهکاران نگون‌بخت برای راحتی از عذاب وجدان و انجام مراسم توبه، خود را شکنجه می‌دهند و میخ و سوزن و مانند آن در بدن خود فرو می‌برند.

داستان بومیان موریس

راجع به بومیان جزیره «موریس» [۱۳۲] یا انسان‌های خارپشتی، مقاله عجیبی از سفرنامه «کریستیان زوبر» [۱۳۳] نگاشته شده بود که واقعاً عجیب است.

در این مقاله ضمن آن که مراسم توبه این مردم را به طور مفصل شرح داده، چگونگی توبه یکی از مردان توبه‌کار را چنین توصیف می‌کند: ... دو سوزن بلند نقره‌ای شفاف از هر دو طرف به قسمت پایین چهره‌اش فرو کرده و سوزن سوم را از پایین به بالای زبانش عبور داده و به همین دلیل قادر نبود دهانش را ببندد و از دهانش کف می‌ریخت و واقعاً وحشتناک بود ... در گونه‌های او سنجاق فرو نرفته بود، بلکه سیخ‌های درشتی بود که یکی را در نزدیکی لب و دومی را قدری پایین‌تر و به

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۲

همین قسم، چهارمی و پنجمی را در گونه فرو کرده بود. تازه این مرد نسبت به سایر مردان توبه‌کاری که بعداً دیدم تازه‌کار و مبتدی بود.

وی سپس می‌نویسد: زنی سی ساله که سر و صورتش پنجاه ساله می‌نمود، یک سوزن از چهره‌اش عبور کرده و مجبور بود به اندازه سی کیلو نی و گل و غیره به پشت گردنش تا پای پلکان حمل کند و به معبد برود. ... در تمام مدت روز شکل و شمایل‌های مختلف از مقابل ما گذشتند.

از پنجاه نفر توبه‌کار که سوزن و میخ و سیخ به تنشان فرو کرده بودند، هشت نفرشان زن، سه نفرشان بچه و بقیه، مرد بودند. چند نفرشان بیش از دویست میخ به تنشان فرو کرده بودند.

عده دیگری به بازوان و میچ هر دو دست خود، متجاوز از دویست سوزن فرو کرده بودند. یکی از آنها علاوه بر بازو و میچ دست روی سینه‌اش نیز سیخ‌های بلندی شبیه نیزه، فرو کرده بود.

عجیب‌ترین مردی که در این مراسم دیدم، مردی بود که سر و سینه و شکم، و بازو و گردن و پشتش پر از میخ، سوزن و نیزه بود. برای توصیف او هیچ کلمه‌ای به جز «مرد خارپشتی» نمی‌توان پیدا کرد. نیزه‌ها به طور عمودی به بدنش فرو رفته و کمترین تنه‌ای که به او می‌خورد، نیزه‌ها را در گوشت بدنش فروتر می‌برد.

بدیهی است این مناظر دلخراش عکس العمل همان احساس پلیدی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۳

گناه و توجه و علاقه به پاک‌شدن از آلودگی جرایم و جنایات است که چون به طور صحیح رهبری نشده، مانند سایر احساسات و

غرایز هدایت نشده و عکس العمل غیرمنطقی و نامعقول پیدا کرده است؛ ولی این موضوع را تأیید می‌کند که آدمی از احساس پستی گناه، سخت نگران و ناراحت می‌شود و می‌خواهد خود را از این پستی نجات دهد و از این آلودگی پاک سازد و باید او را به برنامه‌های خردپسند که قانع‌کننده روان و وجدان و بازگرداننده حیثیت و شرافتش باشد، هدایت کرد.

ملل دیگر

برخی از ملل (مانند: مسیحی‌ها) شرط آموزش گناه را اقرار و اعتراف در حضور کشیش و رهبر روحانی می‌دانند. این نوع تکفیر گناه و توبه سبب بیرون افتادن رازها و اسرار و افشای عیب در نزد کسانی که به آن آگاهی ندارند، می‌شود و باعث می‌گردد که گناهکار علاوه بر آن که در پیشگاه وجدان، خویشتن را شرمنده و بی‌آبرو ببیند، در نزد دیگران نیز حیثیت و شرافتش لگه‌دار و سوء سابقه‌اش آشکار گردد و نیز سبب می‌شود که کشیش‌ها و پاپ‌ها به عنوان مالکان دروغین عفو و بخشش گناه و ولی نعمت گناهکاران مطرح شوند.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۴

بهترین روش

بهترین روش‌ها برای ترمیم و جبران گناه و اعاده حیثیت و شرافت گناهکار - که از عوامل مهم تربیت و تهذیب اخلاق و تصفیه ارواح نیز هست و در عین حال از سهولت و آسانی و وسعت دین اسلام حکایت می‌کند و شرافت و آبروی گناهکار را در نزد دیگران نمی‌ریزد و وجدان و قلب او را از تاریکی و کدورت پاک می‌سازد - استغفار، طلب آموزش و توبه و بازگشت به سوی خدا است.

اسلام در ضمن بسیاری از تعالیم اجتماعی، حفظ شرف و موقعیت و مقام اجتماعی و حرمت و آبروی افراد را منظور داشته و کشف و آشکار شدن نهانی‌های کارهای مردم را نخواست و افشای معایب و اشاعه فحشا را به شدت ممنوع کرده است. نظر اسلام آن است که هر که قدمش به سنگ معصیتی خورد و لغزشی او را به زمین انداخت، باید به پا خیزد و در راه خدا و به سوی خدا قدم بردارد و از مجاهده و کوشش باز نایستد.

هر فردی باید خود به حساب خویشتن رسیدگی کند، و به پرونده اعمال خود نظر نموده، و در محکمه وجدان، بازپرس خودشود.

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَزُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُزْنُوا،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۵

وَتَجَهَّزُوا لِلْعُزْرِ الْأَكْبَرِ [۱۳۴]

جبران گناه و آموزش معاصی، به رفتن نزد کشیش، و اقرار به گناه در نزد او احتیاج ندارد؛ شکنجه بدنی و مقرض کردن و قطع اعضا نمی‌خواهد.

جبران گناه و آموزش و پذیرش توبه، بیش از بیداری ضمیر و شعور و توجه به زیان گناه و پشیمانی و تصمیم به پاک شدن از گناه، بازگشت به راه خدا، ادای حقوق و خلاصی از مظالم، شرط دیگری ندارد.

اگر مؤمن مرتکب گناهی شد [۱۳۵] چون به آثار شوم و خطرناک گناه آگاه است، پشیمان می‌شود؛ همان‌طور که اگر فردی ندانسته یا در حال عصبانیت سم بخورد، یا اموالش را آتش بزند، یا فرزند خود را به قتل رساند، یا به ولی نعمت خود توهین کند، پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشود بر حسب حدیث:

فَمَنْ لَمْ يَنْدَمْ عَلَى ذَنْبٍ يَرْتَكِبُهُ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ [۱۳۶]

او مؤمن نیست.

اثر «ایمان»، ندامت و پشیمانی از گناه است و ندامت از گناه در «توبه»

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۶

کافی است.

وَكَفَىٰ بِاللَّدَمِ التَّوْبَةَ [۱۳۷]

وقتی مؤمن گناهی را مرتکب شد، پشیمانی او را به استغفار و آمرزش خواستن وادار می‌سازد و تعالیم اسلام گناهکاران را به

رحمت خدا امیدوار و از ناامیدی و یأس نجات می‌دهد. این مژده الهی و بشارت قرآنی در کالبد مرده، روح تازه می‌دمد:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ انْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ [۱۳۸]

آری، خدا غفار، رحیم، ستار، توّاب و واسع‌المغفره و الرّحمه است. بنده توبه کار را دوست می‌دارد؛ و هیچ انسانی محکوم به

بدبختی نیست.

در برخی اخبار و روایات [۱۳۹] آمده است که وقتی بنده‌ای از گناه پشیمان شد و به سوی خدا بازگشت و گفت:

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۷

الهِی اَنَا اسَاْتُ

خدای من! من بد کردم.

خدا می‌فرماید:

وَاَنَا سَتَرْتُ

من آن را پوشاندم.

فَيَقُولُ: «الهِی اَنَا نَدَمْتُ».

و چون می‌گوید: خدای من! من پشیمان شدم.

خدا می‌فرماید:

وَاَنَا قَبِلْتُ

من قبول کردم.

أَيُّهَا الشَّابُّ إِذَا تَبَّتْ ثُمَّ نَقَضْتَ فَلَا تَسْتَحِيَ ان تَرْجِعَ إِلَيْنَا

: ای جوان، اگر توبه کردی و شکستی، حیا نکن که دیگر بار به سوی ما برگردی!

وَإِذَا ثَانِيًا فَلَا تَسْتَحِيَ أَوْ يَمْنَعُكَ الْحَيَاءُ ان تَأْتِنَا ثَالِثًا

و هر گاه دوباره توبه را شکستی، حیا نکن. آیا حیا تو را از این که سه باره به سوی ما بیایی، منع می‌کند؟ (حیا نکن و بیا.)

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۸

وَإِذَا نَقَضْتَ ثَالِثًا فَارْجِعْ إِلَيْنَا رَابِعًا

و هر گاه برای سومین بار توبه را شکستی، برای چهارمین بار به سوی ما بیا.

فَأَنَا الْجَوَادُ الَّذِي لَا ابْخُلُ

من بخشنده‌ای هستم که بخل نمی‌ورزم.

وَأَنَا الْحَلِيمُ الَّذِي لَا اعْجَلُ

من بردباری هستم که شتاب نمی‌کنم.

وَأَنَا الَّذِي اسْتَرْتُ عَلَى الْمَعَاصِي وَأَقْبَلُ التَّائِبِينَ، وَأَعْفُو عَنِ الْخَاطِئِينَ، وَارْحَمُ النَّادِمِينَ

من آنم که: بر معاصی پرده می‌پوشم، و توبه‌کنندگان را قبول می‌کنم و از خطاکنندگان می‌گذرم و به پشیمانان، رحم می‌کنم.

وَأَنَا ارْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و من رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگانم.

مَنْ ذَا الَّذِي اتَى إِلَى بَابِنَا فَزَدَنَا؟

کدام فردی به سوی درگاه ما آمد و او را رد کردیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي لَجَأَ إِلَى جَانِبِنَا فَطَرَدَنَا؟

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۹

چه کسی به سوی ما پناه برد و ما او را دور کردیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي تَابَ إِلَيْنَا وَمَا قَبَلْنَا؟

چه کسی به سوی ما بازگردید که او را نپذیرفتیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي طَلَبَ مِنَّا وَمَا اعْطَيْنَاهُ؟

چه کسی از ما درخواستی کرد که به او عطا نکردیم؟

مَنْ الَّذِي اسْتَقَالَ مِن دُنْيِهِ فَمَا عَفَرْنَا؟

چه کسی از ما آموزش خواست و ما او را نیامرزیدیم؟

أَنَا الَّذِي اغْفِرُ الذُّنُوبَ وَاسْتُرُّ الْعُيُوبَ وَاغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَارْحَمُ الْبَاكِيَ الْتَدُوبَ وَأَنَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ

من آنم که گناهان را می‌آمرزم و عیب‌ها را می‌پوشانم و اندوهناکان را یاری می‌کنم و به گریان ندبه‌کننده رحم می‌کنم و من دانای امور نهان و پنهان هستم.

دعاهای مأثوره، عذرخواهی و پوزش طلبی را به بندگان گناهکار یاد می‌دهد.

در این جمله از دعا دقت کنید که چگونه معاذیر بنده را در درگاه خدا عرضه می‌دارد و او را با خدا آشنا می‌سازد:

الهِى لَمْ اعْصِكَ حِينَ عَصَيْتَكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاهِدٌ وَلَا

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۰

بِأَمْرِكَ مُسْتَحْفٌ وَلَا- لِعُقُوبِيَّتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا- لَوْعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ وَلَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا

شِقْوَتِي وَغَزَنِي سُرُّكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ ...

خدای من! معصیت تو را نکردم در هنگامی که معصیت کردم؛ در حالی که پروردگاریت را منکر باشم و فرمان تو را سبک شمرده

باشم و یا آن که خود را در معرض عقاب تو قرار دهم و یا تهدید تو را سست گرفته باشم؛ ولی خطایی روی داد و نفس من، آن را

از برای من زینت داد و شقاوتم کمک کرد و پرده‌پوشی تو بر من، مغرورم نمود.

در این جمله نیز دقت کنید

الهِى رَبِّيْتِي فِي نِعْمِكَ وَاحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضَّلْتَهُ وَنِعْمَهُ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى

عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ. مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ ...

معبود من! مرا در نعمت و احسانت پرورش دادی در وقتی که صغیر بودم و نامم را آن هنگام که کبیر شدم، بلند کردی. پس ای

کسی که تربیت کرد مرا در دنیا به احسان و فضل و نعمتش و برای من در آخرت به سوی عفو و کرمش اشاره کرد. ای آقای من!

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۱

معرفت من راهنمایم به سوی تو است و دوستیم شفیع من در نزد تو است.

و یا:

اِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ وَاذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ ...

وقتی گناهانم را می‌بینم، می‌هراسم، و وقتی کرم تو را می‌نگرم به آن طمع می‌کنم. پس اگر عفو کنی بهترین رحم کننده‌ای و اگر عذاب کنی، ستمگر نیستی!

این جملات از دعای «ابی حمزه ثمالی» است. تمام جمله‌های این دعا روح بخش است و خواننده را به عالم روحانی و ملکوتی سیر می‌دهد. انتخاب جمله‌های این دعا ممکن نیست؛ چون تمام جمله‌هایش منتخب است. این جملات، انسان را به سوی خدا می‌برد؛ و او را از گناه به توبه حقیقی روانه می‌کند.

توبه در اسلام برای همه انسان‌ها فراهم است. هر شخص در هر کجا که باشد؛ می‌تواند اگر گذشته تاریک و ندامت‌انگیز دارد، آن را با توبه و استغفار فراموش سازد و اگر چند قطره اشکی هم بریزد و به درگاه خدا اظهار بندگی و عجز نماید، خوشا به حال او. برنامه توبه و استغفار این است:

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۲

عَفُورًا رَّحِيمًا [۱۴۰]

و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشتن ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

و نیز:

كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بَیْهَاتَهُ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَاصْلَحَ فَإِنَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ [۱۴۱]

پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گناه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است.

در ماه رمضان برنامه توبه و استغفار، تازه می‌شود و مسلمانان عموماً در هر حال و در هر شرایطی که هستند باید بر سر این خوان و سفره گسترده آمرزش و مغفرت خدا بنشینند و هر فردی به فراخور حال خود به استقبال آینده بهتر و شرافتمندانه‌تری برود. چرا که در غیر این صورت:

فَالشَّقِيّی مَنْ حَزَمَ عُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ [۱۴۲]

بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۳

بماند [و نتواند خود را عوض کند و گناه و معصیت را کنار بگذارد].

از اوّل ماه رمضان تا پایان آن باید زبان مؤمن روزه‌دار، به استغفار باز باشد.

ادعیه شب‌ها، سحرها و روزها و هنگام افطار، همه متضمن طلب مغفرت است. مخصوصاً شب‌های قدر برای توبه و اصلاح حال و تغییر روش و حرکت فکری و اخلاقی، فرصت‌های عزیزی است که فوت آن فرصت‌ها، نشان بی‌لیاقتی است.

پاینده باد اسلام! که با چنین تعالیم و برنامه‌های نجات بخش به کمک بشریت آمده و او را به عالی‌ترین اخلاق انسانی رهبری می‌نماید.

نویسنده‌ای به نام «فرانزستال» در مقاله‌ای که در یکی از مجلات منتشر نموده، بعد از مقایسه‌ای که بین حرکت تسلیح اخلاقی و نظر «دکتر فرانک بکمان» مؤسس «جمعیت تسلیح اخلاقی» کرده، نتیجه گرفته است که اسلام از جهت تسلیح اخلاقی اسبق است. وی

می‌نویسد:

توبه در اسلام وسیله‌ای است که افراد خودشان خود را تغییر دهند و سلاح اخلاقی بزرگی است؛ زیرا متضمن پشیمانی و تغییر حال و تحوّل است.

اگر این نویسنده از برنامه‌های ماه رمضان و از ادعیه‌ای که مؤمنان می‌خوانند و از حالات، گریه‌ها، مناجات‌ها، زاری‌های آن‌ها آگاه بود،

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۴

می‌دانست که وسایل تسلیح اخلاقی آن چنان که در اختیار مسلمانان است در اختیار هیچ ملت و جامعه‌ای نیست.

حیف که از این وسایل چنان چه باید و شاید استفاده نمی‌شود و افسوس که از این مکتب تربیت، قدردانی نشده و به حقایق و مقاصد آن آشنا نمی‌شویم.

برادر و خواهر عزیز! قدر این همه درهای رحمتی را که به سوی تو گشوده شده است، بدان. توبه و استغفار کن، تغییر حال بده و رفتار خود را با تعالیم اسلام منطبق ساز. حال که خدا به تو توفیق داده و ماه رمضان را درک کرده‌ای و در مجالس قرائت قرآن، دعا، موعظه و اخلاق و در مساجد و نماز جماعت و مراسم دیگر شرکت می‌کنی، استفاده کن. میان بنده‌ای که به سوی خدا کوچ می‌کند، چندان مسافتی نیست.

«وَأَنَّ الْقَاصِدَةَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ» [۱۴۳]

حقیقتاً توبه کن. تصمیم بگیر که خود را عوض کنی و تغییر وضع بدهی. تصمیم بگیر که از گناه و گناهکاران فاصله بگیری.

بی‌شک اگر در صف توبه‌کاران، استغفار کنندگان در نیایی و فقط بر زبان «استغفرالله» جاری کنی، توبه حاصل نمی‌شود.

گناهان خود را به یاد آور و به حافظه‌ات مراجعه کن و بین خود و خدا به معاصی اقرار و اعتراف کن و از همه گناهان توبه نما و یک

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۵

لحظه نیز توبه را تأخیر نینداز که بسا پس از آن، دیگر توفیق توبه حاصل نخواهد شد.

گریه کن، اشک بریز و فرصت را غنیمت شمرده و با دل سوخته خدا را بخوان و بگو:

سَيِّدِي أَنَا اسْتَيْسَأَلُكَ مَالًا - اسْتَيْسَأَلُكَ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَاهْلُ الْمَعْفَرَةِ فَمَا عَفِرْ لِي وَالْبَسِيْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُعْطَى عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعَاتِ وَتَغْفِرْ هَالِي وَلَا اطَّالِبُ بِهَا أَنْكَ ذُو مَنْ قَدِيمٌ وَصَفْحٌ وَتَجَاوُزٌ كَرِيمٌ... [۱۴۴]

شب قدر

أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ [۱۴۵]

أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ [۱۴۶]

«شب قدر»، شب نور، رحمت، شب نزول قرآن و مطلع خیرات و سعادات، و هنگام نزول برکات و سرآغاز زندگی نوین بشر و مبدأ

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۶

تحوّل و تاریخ کمال واقعی انسان‌هاست.

شبی که اگر نبود و نیامده بود، شب تیره بدبختی انسان به پایان نمی‌رسید و بامداد نیک‌بختی او طلوع نمی‌کرد و از بند اسارت اقویا و استعمارگران آزاد نمی‌گشت.

شب قدر، ليله مبارکه، شب آزادی بشر و اعلان حقوق انسان و حکومت عدالت و دادگستری است.

شبی که برای ملت‌های غفلت زده، ناآگاه و آلوده به فساد و تباهی و گمراهی، صبح هدایت و بیداری و آگاهی و رستگاری گشت و بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین کتب آسمانی - که الی الابد و جاودان، راهنمای بشر و ضامن سعادت است - نازل شد و با اشراق ملکوتی، جهان را از ظلمت شرک و ثنویت مجوس، تثلیث ترسا، خرافات یهود و بت پرستی و ... به روشنایی توحید و پرستش خدای یگانه راهبر شد.

اگر این شب نبود، تمدن عظیم اسلامی با آن همه ارزش‌ها و علوم معارف، اخلاقیات، عرفان، فقه، فلسفه و ... شخصیت‌های والای پرورش یافته در دامن آن نیز وجود نداشت.

مدارجی که بشر پس از نزول قرآن طی کرده و به منازل و معارجی که پس از این می‌رسد، همه از برکات این شب و هدایت قرآن است.

برای این که تأثیر این شب عزیز در پیشرفت اهداف انسانی و ترقی جامعه بشری آشکار شود، موفقیت‌های بزرگ و حرکت‌ها و جهش‌هایی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۷

را - که تحت تأثیر تعالیم آزادی بخش قرآن در علم و صنعت و تمدن در طول چهارده قرن، نصیب انسان شده است - در نظر بگیریم و با زندگی کم تحرک و خاموش و کم نور پیش از آن مقایسه کنیم تا معلوم شود چگونه جنبش و نهضت اسلام و قیام مسلمین و رسالت پیامبر بزرگ خدا محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم مبدأ اصلاحات، جنبش‌ها و انقلابات آزادی خواهانه و مترقی گردید و کاروان بشریت را با سرعت و شتاب روزافزون، هر چه بیشتر به پیش برد و این آدمی‌زاد را که صدها قرن بود با کندی و سستی و ناتوانی گام بر می‌داشت، در ظرف چهارده قرن به کجا رسانید و دامنه فکر و اندیشه او را از حدود زمین و ماه و کرات در گذرانید.

آری، قرآن افکار را دگرگون کرده و شخصیت انسان را محترم شمرد؛ و حقوق بشر را با صراحت اعلام کرد و پرستش افراد را محکوم کرده و قدرت‌های شخصی را در هم شکست؛ و هیأت حاکمه را محدود و از آن تجملات، تزیینات، امتیازات و حیف و میل بیت المال و غارت دست‌رنج مردم باز داشت و برای همه، حقوق مدنی متساوی قرار داد.

پس، شب قدر از فرصت‌های بسیار ارزنده و مغتنم است و ما باید این شب را برای تفکر در اوضاع اسلامی و توجه بیشتر به تعالیم قرآن مجید غنیمت بدانیم و به مقدار ارتباط خود با قرآن و احکام آن، کاملاً رسیدگی کنیم.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۸

باید از لیالی متبرکه «احیاء» - که در فضیلت آن و شب زنده‌داری و عبادت در آن در کتب دعا و حدیث، اخبار بسیار وارد شده - استفاده کنیم. شب‌های قدر شب‌هایی است که هر شخصی در آن به در خانه خدا برود، به سعادت حضور معنوی و لذت تقرب نایل می‌شود.

قرآن، شب قدر را «لیله مبارکه» خوانده و در شأن آن یک سوره نازل شده و شرافت آن شب، از هزار ماه بیشتر است.

تعیین شب قدر

هر چند در تعیین شب قدر اختلاف است، ولی قول معتمد و محقق - که از روایات معتبره گرفته شده - این است که از شب «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوم» ماه رمضان بیرون نیست و به احتمال قوی - که برخی از احادیث هم مثل «روایت جهنی» مؤید آن است - شب قدر، شب بیست و سوم است و از برخی اخبار دیگر استفاده می‌شود که هر یک از این سه شب «شب قدر» است.

حکمت پنهان بودن شب قدر

به هر حال اگر به طور یقین، شب قدر معلوم نشود، پنهان بودن آن متضمن حکمت و مصلحتی بوده و ممکن است آن مصلحت این باشد که مسلمانان تمام شب‌های این ماه، یا لاقلاً این سه شب را در عبادت و پرستش خدای تعالی و تلاوت قرآن و آموختن معارف، حقایق و تعالیم

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۹

آن، بیشتر اهتمام نمایند و سراسر ماه را «ماه قرآن» قرار دهند و در شب‌های «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوم»، در توبه و استغفار و اصلاح احوال و خواندن قرآن و دعا، جدّ و جهد بلیغ نمایند و تا صبح بیدار باشند.

نکته دیگری که در پنهان ماندن شب قدر به نظر می‌رسد، این است که اگر این شب با این همه قدر و منزلت، مشخص و شناخته شود، بسیاری از مردم به عبادت در آن اکتفا کرده و از فیض توجه و دعا در سایر شب‌ها باز می‌مانند و بسا که سبب غرور یا عجز بعضی شود؛ در حالی که چون پنهان و نامشخص است، مؤمنان در تمام شب‌هایی که طرف احتمال است به ذکر الهی و توبه اشتغال می‌ورزند و از برکات و ثواب‌های بیشتری مستفیض شده و به واسطه تمرین زیادتر، ملکات فاضله در آن‌ها راسخ‌تر می‌شود.

تجدید عهد با ولی امر علیه السلام

از جمله وظایف مهم در این شب‌ها، تجدید عهد با ولی امر، حضرت بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه و خواندن دعای معروف: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...» [۱۴۷] می‌باشد؛ زیرا شب قدر به آن حضرت تعلق خاص دارد و در آن شب ملائکه بر آن بزرگوار نازل می‌شوند و تمسک به قرآن و عترت و کتاب

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۰

مبین و امام مبین هم اقتضا دارد که در شب قدر، مؤمنان به تقلید قرآن مجید و آخرین امام عدالت گستر و بقیه عترت هادیه و مصداق حقیقی «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» [۱۴۸] ی عنی به حضرت حجّه بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفدا تمسک نموده و بدانند که به تصریح اخبار متواتره ثقلین، امن و نجات از ضلالت و گمراهی، فقط در سایه تمسک به قرآن و عترت حاصل می‌شود و برای نجات از این همه انحرافات و سرگردانی‌های گوناگون، راهی جز توسل و تمسک به هدایت «قرآن و عترت» نیست.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۲

فصل پانزدهم: رمضان از دیدگاه «اسلام» و «ما»

بی‌تردید کسانی که می‌خواهند اسلام را در آینه اعمال و رفتار اجتماع مسلمانان این عصر ببینند و آن جمال نورانی و خورشید جهان تاب را در چنین منظر و آینه تیره و تار زیارت کنند، سخت در اشتباهند.

اگر تصویر چهره اسلام ممکن بود و یک نفر آگاه به تمام تعالیم و امتیازات و هدایت‌های اسلام و برنامه‌های تربیتی و جامع آن، چهره زیبای آن را تصویر می‌کرد، از هر اثر هنری دیگر زیباتر و جالب‌تر می‌شد.

اگر خدای جهان و آفریننده زمین و آسمان - که نعمت اسلام را به وسیله حضرت خاتم الانبیا انعام و اعطا فرمود - آن را به صورتی تمثیلی می‌ساخت، یقیناً زیبایی و جمال آن صورت، خلق اولین و آخرین را از خود بی‌خود می‌کرد.

چنان چه هم اکنون جمال روحانی و روح‌بخش و دل‌نواز اسلام، فلاسفه محقق و علما و دانشمندان متبّع را مجذوب و دل‌باخته ساخته است.

آری، چقدر جمال توحید اسلام زیباست و چه خورشید عدالت

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۳

اجتماعی اسلام گرمابخش است!

کدام جلوه‌ای در دل‌ها از جلوه معارف اسلام نافذتر و کدام روشنایی از روشنایی آیات قرآن مجید روشن‌تر است؟! این پرتو خورشید اسلام است که دنیای متمدن را به حقوق انسان‌ها روشن و منور کرده، و نغمه آزادی را این همه روح افزا قرار داده است.

هیچ یک از بیانیه‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشر- که به دست ناتوان انسان تهیه و تدوین شده است- اصلاً قابل مقایسه با حقوق و قوانین نافذ و همه‌جانبه اسلام نیست.

نگرشی هر چند کوتاه به این آیات الهی مصداق این مدعاست:

۱. تَعَالُوا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ لَا شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ [۱۴۹]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۴

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ [۱۵۰]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۵

۳. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ، وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [۱۵۱]

و کدام یک از تعالیم و هدایت‌های اخلاقی را می‌توان از تعالیم و آداب اسلام برتر و مفیدتر دانست؟ نمونه آیات ذیل بیان‌گر بزرگ‌ترین و برترین تعالیم و هدایت‌های اخلاقی است:

۱. وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ [۱۵۲]

۲. وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَاللَّهُ يَكْفُلُ الْعَهْدَ [۱۵۳]

۳. وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ، وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [۱۵۴]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۶

۴. قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا [۱۵۵]

۵. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا [۱۵۶]

کدام دین و کدام کتاب آسمانی به اندازه قرآن به علم و عمل اهمیت داده و به عقل و منطق و تفکر و اندیشه در اسرار آفرینش و نظام جهان و اوضاع زمین و آسمان، دعوت و تشویق کرده است؟

اسلام را باید در آینه نصوص قرآن و سنت، و در سیره رفتار و گفتار و کردار پیشوایان دین و کسانی که اسلام در وجودشان به تمام معنا منعکس شده و در سلوک مجاهدین و مسلمانان صدر اسلام تماشا کرد.

نقش و تأثیر اسلام را در سازندگی و به وجود آوردن مترقی‌ترین و ممتازترین اجتماعات، باید از قوت احکام آن و از اجتماعی که بیشتر تحت نفوذ منطق اسلامی قرار گرفت، استنباط کرد.

مسلمانان عصر ما نمی‌توانند با اجتماعی که دارند اجتماع الهی اسلام را به دنیا نشان دهند و اگر چه در بین آن‌ها افراد آگاه به مفاهیم و مقاصد اسلام کم نیست، ولی متأسفانه جلوه مجتمعات آن‌ها، جلوه اجتماع کاملاً اسلامی نیست، و چرخ زندگی اجتماعی

و سیاسی آنان

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۷

تحت لوای حاکمیت مطلقه، و مشروعیت و قوانین و احکام الهی در گردش نیست.

یگانه عامل و علت انحطاط مسلمانان، جهل آنان به مفاهیم اسلامی و دوری از روح اسلام و درک نکردن واقع دین و توحید، و ایمان به شهادتین است.

ایمان به اسلام سرگرم شدن به یک سلسله مفاهیم نظری نیست:

لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالْتَّمَنَى وَلَا بِالْتَّحَلَّى وَلَكِنْ هُوَ مَا وَقَرَفِي الْقَلْبَ وَصَدَقَهُ الْعَمَلُ [۱۵۷]

و از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَأَقْرَابٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ [۱۵۸]

قرآن مجید مؤمنین را چنین توصیف می‌فرماید:

أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ، وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ [۱۵۹]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۸

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا [۱۶۰]

و نشانه کفر را این گونه بیان می‌فرماید که:

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ [۱۶۱]

اجتماعی را می‌توان یک جامعه کاملاً اسلامی دانست که همه احکام و دستورات اسلامی بر تمام مسایل زندگی فردی و اجتماعی آن جامعه منطبق بوده و به عبارت دیگر، اسلام از برنامه‌های کسب و کار، معاشرت، حکومت، سیاست و ... آن‌ها تفکیک نشده باشد.

با این وصف، اجتماعات ما معرّف یک اجتماع کامل و تمام عیار اسلامی نیست؛ زیرا بسیاری از احکام اسلام در بین مسلمانان معاصر متروک گردیده، و جز «عبادات» (مثل: نماز و روزه، حج و ...) - که اجتماع اسلام به آنها نیز قائم است - بقیه احکام و دستورات اسلامی کم‌تر مورد عنایت قرار گرفته و بعضاً مهجور مانده است. چه بسا که

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۹

عبادات ما نیز آن طور که شایسته است نشان دهنده مقاصد اسلام نیست و کسانی که از آثار و برکات آن هم محروم می‌باشند، بسیارند.

در «عبادات»، معانی بزرگ و درس‌های عمیق به ما آموخته می‌شود که اگر به آنها توجه کنیم، افق افکار ما روشن و طرز تصور ما دگرگون می‌شود.

در عبادات هم جنبه عادت نهفته است و هم اظهار شوکت اسلام، اتحاد و هماهنگی مسلمین، ارشادات اخلاقی، آموزشی و تربیتی، تعالیم اجتماعی، رشد فکری، عقلی و علمی و بلکه فواید بهداشتی و اقتصادی نیز منظور شده است.

همین روزه ماه رمضان که از ارکان اسلام و نیز شعایر بزرگ و وسیله‌ای جهت تقرب به خدا است، آیا با همان برنامه مقرر انجام می‌شود؟ و آیا ماه رمضان ما همان ماه رمضان اسلام است؟

این موضوع و مسأله‌ای است که به بررسی و تحقیق نیاز دارد.

ماه رمضان اسلام: چنان چه از خطبه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم استفاده می‌شود، فرصتی برای افزودن به اعمال خیر و کارهای نیک، دستگیری از فقیران و بی‌نویان، پیوند با خویشاوندان، یاری ضعیفان، تکمیل و تهذیب اخلاق، فرو خوردن خشم و غضب و کنترل قوای شهوانی است.

اما برنامه ماه رمضان ما: پرخوری در افطار و سحر، تندخویی و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۰

بدزبانی با نزدیک و بیگانه، شب نشینی‌های زیان بخش، معاشرت‌ها و جلسات بیهوده است.

ماه رمضان اسلام: موسم وزش نفحات رحمت، تجلی حقیقت و زمان نزول برکات است که جویندگان این معانی بدون هیچ گونه ملال و خستگی خود را در معرض این نسیم‌ها قرار داده و هشیارانه از آن استفاده می‌کنند، و دل‌های خود را مهبط این فیوض رحمانی قرار می‌دهند.

بیشتر افراد در غفلت از این معانی به سر برده و از روحانیت و نورانیت این ماه استفاده نمی‌کنند.

در ماه رمضان اسلام: شیاطین مغلول‌اند و اسباب گناه در این ماه فراهم نبوده و محیط، برای فعالیت شیاطین و رشد قوای اهریمنی و افکار زشت ابلیسی مساعد نمی‌باشد.

همه جا به نور این ماه متور است و صدای دل نواز و روح بخش تلاوت قرآن مجید و صوت مناجات و دعا و استغفار، دل‌ها را به سوی خدا متوجه می‌سازد و خفتگان بستر غفلت را بیدار می‌نماید.

ماه رمضان ما: شیاطین در آن مشغول کار و اغوا و اضلال بوده و جز چند شب، بقیه اوقات سینماها، میکده‌ها، کاباره‌ها، مراکز فساد و انحراف باز است و زنان برهنه و نیم برهنه در ملاء عام در خیابان‌ها آمد و شد می‌کنند و صدای موسیقی از هر سو بلند است و از مصونیت‌هایی که

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۱

باید در این ماه از معاصی وجود داشته باشد، خبری نیست و چشم و گوش، همیشه در معرض گناه و معصیت است.

ماه رمضان اسلام: بهترین فرصت و گرانبهاترین وقتی است که حتی یک دقیقه و ثانیه‌اش نباید هدر برود و بیهوده مصرف شود؛ بلکه باید تمام دقایق و ساعات آن در انجام کارهای نیک و اعمال حسنه، تفکر و تأمل، توبه و اصلاح حال سپری شود.

ماه رمضان ما: بیشتر اوقاتش تلف می‌شود و اوقاتی به این عزیزی، آسان از دست می‌رود.

ماه رمضان اسلام: مسلمانان باید در آن به مناسبت نزول قرآن در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شخصیتی که قرآن به او نازل شد به طور عمیق مطالعه نمایند و ارشادات و راهنمایی‌های آن رهبر عالی‌قدر آسمانی را- که دافع هر ضرر و خسارت، و علاج کننده تمام مشکلات اجتماعی و حیاتی است- سرمشق خود قرار دهند و به حکم:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ [۱۶۲]

به روش و سلوک آن رسول اعظم خدا صلی الله علیه و آله و سلم تأسی نمایند.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۲

ماه رمضان ما: اکثریت مسلمانان از سیره رهبر عظیم خود بی‌اطلاع بوده و در این موضوع که درس و بحث، تفکر و مطالعه در آن بر هر مسلمانی لازم است، نه در ماه رمضان و نه در ماه‌های دیگر اهتمام شایان ندارند و به دانستن تاریخ حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که آموزنده‌ترین صفحات تاریخ است- اعتنایی لازم و کافی نمی‌کنند. تاریخ کدام شخصیت‌ها، و رجال تاریخ، زعما و رهبران اصلاحات و انقلاب‌ها و پیامبران بزرگ، مانند تاریخ پیامبر بزرگ اسلام، آموزنده و سودمند است.

ماه رمضان اسلام: ماه درس علوم دین از قبیل: فقه، احکام و معارف حقیقی است تا خدا را از روی معرفت و بصیرت بپرستیم و طعم ایمان را بچشیم و در جمال ربوبیت، واله و حیران گشته و روح ما به عوالم عالی‌تر طیران نماید:

طیران مرغ دیدی تو زپای بند غفلت به در آی تا ببینی طیران آدمیت [۱۶۳]

و این حدیث که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است، بر ما منطبق شود:

إذا اراد الله بعبدٍ خيراً فقهه فی الدین، ویلهمه رشده [۱۶۴]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۳

ماه رمضان ما: در جهالت و نادانی می‌گذرد و این مدرسه عالی و همگانی اسلامی به صورت تعطیل جلوه کرده و معلّم و مدرّس، شاگرد و دانشجو در آن کم است و ادعیه آن کمتر مورد استفاده و تأمل قرار می‌گیرد.

ماه رمضان اسلام: ماه نشاط، و اقبال و شتاب به سوی عبادت و تقرب به خدا است.

ماه رمضان ما: بعضی آن را در کسالت و سستی و تن‌پروری و خواب و بی‌خبری به پایان می‌رسانند.

ماه رمضان اسلام: آغاز فصل جدید و مرحله نوین عمر و زندگی است که در آن باید قوای فکری و اخلاقی خود را از نو به رشد و نمو و داریم و با گذشته خود وداع کرده، و دل خود را جلا دهیم و زنگار معصیت و گناه را از آن بزداییم.

ماه رمضان ما: تغییر مختصر در وقت خوردن غذا و امساک از مفطرات است که هر چند امتثال و اطاعت فرمان خدا و دلیل بیدار بودن وجدان دینی و شعور مذهبی است و نسبت به آن بدبخت‌ها و گمراهانی که روزه را افطار می‌کنند شرافت و فضیلت آن بسیار

است؛ اما با این وجود، روزه‌دار نباید فقط به امساک از مفطرات قناعت کند؛ بلکه باید

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۴

سایر برنامه‌هایی را که برای روزه‌داران معین شده نیز انجام دهد تا از فواید بسیار و رحمت‌های وسیع الهی در این ماه حداکثر استفاده را بنماید.

ماه رمضان اسلام: سبب تهذیب نفوس، تطهیر قلوب و تخلّق به اخلاق حمیده، اعتیاد به عادات حسنه، تمرین خلوص نیت، احیای معالم و مبانی اسلامیت و انسانیت، انتشار محبت و نوع‌پروری و صداقت است.

ماه رمضان ما: بسا شب نشینی‌ها و مجالسی که پس از افطار برپا می‌شود و با متحمل شدن مصارف زیاد به پرخوری، غیبت، لهو و مزاح‌های باطل و گفت و شنودهای بی‌ثمر مشغول شده و با شکم‌چرانی‌هایی که می‌کنند از حکمت نبویه «صَوْمُوا تَصْحُوا» محروم می‌شوند. و چون از روح همکاری و همدردی اسلامی و ارتباط معنوی و اتصال ناگسستنی قلبی و ایمانی، نشانه و علامتی نیست، آن دید و بازدیدها و معاشرت‌ها، سبب کینه و عداوت و دشمنی و سوء تفاهم می‌گردد.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِسَهْرِ رَمَضَانَ الْإِسْلَامِ وَارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَاهْدِنَا فِيهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ [۱۶۵]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۵

فصل شانزدهم: عید سعید فطر

اشاره

اسئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً [۱۶۶]

غرض از «عید» نه آن است که از باب جلال جامه ناز بپوشند به الطاف مزید ای خوش آن عید، کز آن شاه و گدا خوش باشند که چنین «عید سعید» است و جز این نیست سعید

در روز «عید فطر» همه مسلمانان در سراسر جهان، غرق احساس افتخار بوده و سربلند و سرفرازند که ماه مبارک رمضان را با توفیق به پایان رسانده و از برکات معنوی و تربیتی آن مستفیض شده‌اند.

خدا را شکر می‌نمایند که یکی از بزرگ‌ترین کلاس‌های تربیتی اسلام را در طی یک ماه گذرانده، و از درس‌هایی که در آن‌ها داده شده، به اندازه استعداد و آمادگی خود استفاده کرده و با روح و جان خود آمیزش داده و بر الواح دل‌ها و ضمائر خود ثبت کرده‌اند.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۶

در این روز، مسلمانان از یک جهاد حسّاس و خطرناک - که پهلوانان، قهرمانان و شیرافکنان جهان در آن میدان به خاک هلاکت افتاده و مغلوب شده‌اند - فاتحانه و پیروزماندانه باز می‌گردند.

این جهاد، جهاد با نفس، جهاد با امیال و غرایز حیوانی و لذایذ نفسانی است.

بازداشتن نفس از کام‌گیری‌های شهوانی، نگهداری نفس از خوردن غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های شیرین و خوش‌گوار، خودداری از چشم‌چرانی و هوس‌های شیطانی، از دروغ، غیبت، خشم و غضب، بدخویی و ترش‌رویی، تکبر و جاه‌طلبی و دوری از هر معصیت و گناه دیگر در این میدان جهاد، فتح و پیروزی است.

همه این‌ها جهاد است و همان «جهاد اکبر»ی است که پیامبر بزرگ اسلام به گروهی از صحابه که به جهاد رفته بودند و با دشمن با شمشیر و اسلحه دست و پنجه نرم کرده و زور بازو نشان داده بودند، فرمود:

مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ [۱۶۷]

«جهاد اکبر»ی که جز افراد با ایمان و مردان و زنان تربیت شده در دامان اسلام، هیچ شخص دیگری نمی‌تواند در صحنه آن عرض اندام

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۷

کند و در میدان رزم آن، افتخاری کسب نماید.

میدانی که در آن پیلتن‌های قوی پنجه و عشاق مال و مقام دنیا، شهوت پرستان، جَلَمادان خون‌خوار، فاتحان جاه طلب کشورها، جوانان مغرور، خشم‌گینان پلنگ آسا، ستمگران بی‌رحم، آدم‌کشان و قصابان تاریخ، زنان هوس‌باز، دوشیزگان ناپاک و پرستندگان مظاهر مادی به خاک هلاکت افتاده؛ و از این که بتوانند افتخاری کسب و در مسابقات آن شرکت نمایند عاجز و ناتوانند.

میدانی که مردان و بانوان با ایمان، خداپرست، فروتن، پاکدل، پرهیزکار، شکیبیا و بی‌اعتنا به زر و زیور دنیا در آن لباس رزم پوشیده، با اراده محکم و همت بلند حریف را شکست می‌دهند و در مسابقه با افتخار به پیروزی دست می‌یابند.

آری، نبرد با هوای نفس در عین آسانی، دشوار است. آسان است، برای این که وجدان پاک و فطرت آدمی و عقل و خرد، مصلحت و لزوم آن را درک می‌نمایند و اگر انسان در این میدان قدم نهاد، هر چه پیش رود موفق‌تر می‌شود؛ تا سرانجام نفس سرکش و جنود اهریمنی را مغلوب و ذلیل خود کند و قوای ملکوتی و عقلانی و وجدانی را در کشور بدن، حاکم و کارفرما سازد.

از سوی دیگر این کار دشوار است؛ برای این که جهاد با نفس، ایستادگی در برابر غرایز گوناگون و تلاش و کوشش برای کنترل و

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۸

انضباط آن‌ها است. و شناخت دام‌های شیطان و هواهای پنهانی کار هر شخصی نیست. و رام کردن نفس اماره و چشم پوشی از لذایذ و کام‌گیری‌های نفسانی و خواسته‌های هزارگونه نفس وسیع و سرکش، به این زودی‌ها میسر نخواهد بود و این دشمن خانگی با غرایزی که انسان را در دفع دشمن خارجی یارو یاور و محرک و مشوق هستند، آشنایی و ارتباط برقرار می‌کند و از آن‌ها کمک و یاری می‌گیرد.

از این جهات، مبارزه با نفس کاری بس دشوار است و رستگار، کسی است که بتواند نفس را تعدیل کرده، و به نظم و ترتیب صحیح وادار سازد.

ماه مبارک رمضان، ماه مبارزه با نفس و مدرسه تعدیل و اصلاح غرایز و خواسته‌ها و نمایش قوت اراده و توان روان، سپری شده و اینک فرصت برگزاری مراسم عیدی بزرگ و پرفضیلت است. این عید، عید اسلامی فطر است که عید همگان و عید عموم طبقات و افراد است.

اسْتَلْكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً

عیدی که خدا آن را برای همه مسلمانان قرار داده و همه را در آن شریک فرموده است.

عیدی که در آن مساجد و مجامع اسلامی و در گستره جهان اسلام، شکوه عبادت و بندگی خدا دیده می‌شود.

مراسم این عید اختصاص به توانگران، کارفرمایان، رجال و زمامداران

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۹

و طبقات به اصطلاح ممتاز ندارد.

تشریفات مادی، تقدیم هدایا و تحفه‌های گرانبها- چنان چه پیش از اسلام در اعیاد رسم بود- در این عید مرسوم نیست.

زیردستان موظف به دیدار زمامداران نیستند، و کارگر و کارفرما، افسر و سرباز، فقیر و غنی، شاه و گدا و همه اقشار و طبقات باید در صف بندگی خدا و دعا و عبادت برادرانه بایستند.

چنان چه می‌دانیم مراسم عمده و حساس این عید «نماز» و «زکات» است.

نماز و زکات

چنان چه بیان شد در مراسم نماز، همه اصناف شرکت می‌کنند، و مساوات و برادری اسلامی آن‌ها آشکار می‌شود. در ضمن ادای نماز و خواندن دعایی که در قنوت است، در دو خطبه و سخنرانی پس از نماز، عالی‌ترین دروس به همگان آموخته می‌شود، و مطالب لازم و مورد حاجت به عموم گوشزد می‌گردد، و از همه دعوت می‌شود تا در پیش بردن مقاصد اسلام و تعظیم شعایر و تعمیم علم و دانش و امر به معروف و نهی از منکر، مجاهدانه کوشش کنند.

کسانی که دارای مخارج سال خود هستند و یا دارای کار و پیشه‌ای می‌باشند که درآمد آن‌ها وافی به مخارج سال آنهاست، در اعطای زکات

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۰

و کمک به مستمندان شرکت می‌کنند.

هیچ گونه مراسم کمرشکن و مصارف رقابت انگیز و مخارج بیهوده در این جشن اسلامی وجود ندارد و از این رو نمی‌تواند بهانه‌ای جهت کردارهای پلید عیاش‌ها، هرزه‌ها، پول‌داران، شهوتران‌ها و می‌خواران باشد.

این عید، نه مثل «عید کریسمس» است که در آن، جهان مسیحیت در کارهای زشت و فحشا و فساد غرق شده، و در هرزگی و رقص و باده و فسق و فجور، خود را آلوده می‌سازند، و به نام مسیح علیه‌السلام و دین، مجالسی برای لهو و قمار، مستی و شراب و

ساز و آواز بر پا می‌کنند که بی‌شک حضرت عیسی علیه السلام پیامبر پاک خدا- از آن بیزار است؛ [۱۶۸] و نه مثل سیزده نوروز و تعطیلات نوروزی است که تا چندی پیش نیز در آن بازار باده فروش‌ها و کاباره‌ها، مجالس لهو و قمار، سینماها و عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۱

فیلم‌های شهوت‌انگیز رواج داشت و آمار جنایات و بی‌ناموسی و خیانت و چاقوکشی و انتحار در این ایام بسی فراوان بود و حتی طبق آمارهایی که داده می‌شد فرزندان که در این مراسم و اوقات نطفه آن‌ها منعقد می‌گردید، اختلال فکری و جسمی داشتند. روزهایی هم به نام‌های مقدّسی مانند: «روز مادر»، «روز معلّم»، «روز کودک» و ... نام‌گذاری می‌شود که بیشتر آن‌ها از حقیقت خالی است و فقط تشریفات و برگزاری مراسم، منظور می‌باشد و احساسات را کودکانه و جاهلانه و به طور موقت تحریک می‌سازد.

چنین روزهایی را نباید عید دانست؛ این مراسم، تقلید از بیگانه و سوغات دروغین و بی‌حقیقت غرب است؛ و گرنه همه روزها، «روز مادر» است و در هر روز، رعایت حقّ مادر و معلّم و احترام به آن‌ها لازم و واجب است. [۱۶۹]

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۲

در محیط اسلامی- که کانون عواطف عالی انسانیت است- همواره و در همه لحظات، تکریم مادر، معلّم، کودک و ... باید مورد عنایت باشد.

در جاهایی که در دوره سال پدر و مادر و معلّم مورد فراموشی‌اند چون می‌بینند که این عواطف به صورت مرده در آمده و از بین رفته است، برای تذکار و تجدید خاطرات آن، در سال یک روز را معین می‌کنند که مثلاً به سراغ مادران بروند و به طور مصنوعی از آن‌ها یاد کنند و از این رو، این روزها را باید یادبود و سالگرد از بین رفتن و نابود شدن آن عواطف عالی انسانی شمرد. ملتّی که واقعاً و حقیقتاً خود را مدیون مادر و پدر و معلّم خود می‌داند و دینش او را برای ادای این گونه حقوق تربیت می‌کند، چه حاجت به این صحنه سازی‌های بی‌مغز و بی‌حقیقت دارد؟!]

ما مسلمانان در همین ماه رمضان چقدر درس حق شناسی درباره پدر و مادر و ... می‌آموزیم و در ادعیه، مکرر از مادر و زحمات او یاد می‌کنیم و خدمات او را در ذهن می‌سپاریم؟

زنده باد اسلام! که تربیت و بهبود روح و روان جامعه را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و از هر فرصت برای ترقی فکر و قوت اراده بشر استفاده کرده است.

این عید فطر هم برای تمام مفاهیم ارزنده و عالی انسانی تذکار بوده و به سوی هر عمل نیک و انسانی هدایت‌گر است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۳

ان تُدْخِلِنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ [۱۷۰]

این عید، عید خدا و موسم دعا و نماز و احسان و نیکی به بندگان خدا و دیدارهای پاک و منزه است. نزدیک به چهارده قرن است که این عید برگزار می‌شود؛ تاکنون شنیده نشده که برای تهیه وسایل این عید و شرکت در مراسم آن یک نفر خودکشی کرده و یا پای یک زن و شوهر به دادگاه کشیده شده باشد.

این عیدی است که در آن به جای تفریحات ناسالم، همه به سوی مساجد و مراکز اقامه نماز عید می‌روند و خدا آن را ذخیره خیر و نشان شرف و کرامت پیامبر اسلام و سبب ارتقای افتخارات اسلامی قرار داده است.

داستانی از زهد علی علیه السلام

در خاتمه، با خواندن این حدیث و دقّت نظر در روش و آیین حکومت و مساوات اسلامی، از آن پند و اندرز گرفته و درس

آزادگی بیاموزید.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۴

«محمد عبدالرحمن جدیلی مصری در کتاب «امالی رمضان [۱۷۱] می‌گوید:

مردی بر علی بن ابیطالب علیه السلام (در هنگامی که زمامدار رسمی مسلمانان بود) در روز عیدی وارد شد.

مرد دید امیرالمؤمنین علیه السلام در روز عید، نان خشکی را میل می‌فرماید.

فقال: یا امیرالمؤمنین اِیُّ یَوْمِ الْعِیدِ تَأْكُلُ خُبْزًا خَشِنًا؟ [۱۷۲]

[مرد گمان می‌کرد که چون روز عید است، باید در سفره علی علیه السلام همه‌گونه طعام، چیده شده باشد] عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین! در روز عید نان خشک می‌خوری؟

علی علیه السلام فرمود:

أَمَّا هُوَ عِیدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صِیَامَهُ، وَشَكَرَ قِیَامَهُ، وَكُلَّ یَوْمٍ لَا یَعْصِیَ اللَّهُ فِیهِ فَهُوَ عِیدٌ [۱۷۳]

همانا عید فطر عید است برای کسی که روزه‌اش را خدا قبول کرده باشد و از قیامش سپاسگزاری نموده باشد و هر روزی که در آن

معصیت خدا نشود آن روز عید است.

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۵

الْیَوْمَ لَنَا عِیدٌ، وَغَدَا لَنَا عِیدٌ، وَكُلُّ یَوْمٍ لَا تُعْصَى اللَّهُ فِیهِ فَهُوَ لَنَا عِیدٌ [۱۷۴]

امروز برای ما عید است و فردا هم برای ما عید است و هر روزی را که در آن معصیت خدا نکنیم آن روز برای ما عید است.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَاحْشُرْنَا فِی زُمْرَةِ نَبِیِّكَ وَصَفِیِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱۶ جمادی الثانیه ۱۳۹۱ هجری قمری

از خوانندگان ملتمس دعا

لطف الله صافی

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۷

ماه یزدان

در آمد بار دیگر ماه یزدان به فرّ و شوکت و فیض فراوان

صبح مکرمت گردید طالع منور شد جهان از طلعت آن

بهار توبه و آمرزش آمده ایمان و عید حق پرستان

نسیم مغفرت هر سو وزان است سحاب مرحمت باشد خروشان

مه روزه است و هنگام عبادت خوشا حال نکوی روزه داران در آ در مکتب «صوموا تصحوا» که در آن می‌شود امراض درمان هلا بر خود بنازید و ببالید که ایزد را در این ماهید مهمان الا ای معصیت کار گرفتار! که از کردار خود هستی پشیمان عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۸

چرا بیگانه‌ای از درگه دوست؟ چرا حال تو زار است و پریشان؟
بنه تاریکی جهل و ضلالت بیا در پرتو انوار قرآن
مپو زین پس ره شرّ و شقاوت بیا اندر طریق خیر و احسان
مشو نومید از عفو خداوندو گر هستی غریق بحر عصیان [۱۷۵]
عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۹

مکتب «توبوا الی الله»

بیا در مکتب «توبوا الی الله» ز قرآن آیه «لا تقنطوا» خوان
جهان را نور رحمت کرده روشن منور شد ز اشراقش دل و جان
مبادا کفر این نعمت نمایند که نعمت سلب می‌گردد ز کفران
مبارک ماه و اوقات شریفی است به لهُو و بیهده ضایع مگردان
غنیمت دان دعا و عرض حاجات نماز و روزه و نیکی به اخوان
به خود آ ای گنه کار نگون حال! رها کن رشته بیداد و طغیان
بیا با خالق خود آشنا شو مرو زین بیش، اندر راه شیطان
خدایا! از کرم بر من ببخشای به رویم باز کن ابواب عرفان
ز ما بر احمد (ص) و آتش تحیات فروزان تا بود مهر درخشان [۱۷۶]

[۱] (۱). قسمتی از دعای چهل و چهارم «صحیفه سجّادیه» است که سزاوار است هنگام ورود ماه مبارک مسلمانان با تأمل تمام آن دعای عالی مضمون را خوانده و خود را برای استفاده از فیوض این ماه شریف آماده سازند ..

[۲] (۱). وافی، ج ۷، ص ۵۸، ب ۶۲ ..

[۳] (۱). وافی، ج ۷، ص ۵۵، ب ۵۸. سزاوار است روزه داران خطبه مفصله‌ای را که در کتب ادعیه و حدیث از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت شده و مشتمل بر فضایل این ماه و ترغیب به مکارم اخلاق و فضیلت تلاوت قرآن و دعا و توبه و احسان و ادای صدقات

است، به دقت مطالعه فرمایند.

[۴] (۱)

[۵] (۱) - سوره بقره، آیه ۱۸۳؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است.

[۶] (۲) - مجمع البیان، تفسیر آیه ۱۸۳ سوره بقره ..

[۷] (۱) . حکومت آمریکا در مدت چهارده سال شدیدترین مبارزات را بر ضد می‌گساری انجام داد و بیش از شصت میلیون دلار صرف تبلیغات نموده، و ده میلیون صفحه مطبوعاتی در زیان شراب انتشار داد، و دویست و پنجاه میلیون دلار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد؛ و سه هزار نفر را اعدام و ۵۳۲۳۳۵ نفر را زندانی و ۱۶ میلیون جریمه گرفت؛ و بیش از چهارصد میلیون اموال را مصادره کرد؛ ولی تمام این تدابیر حکومت شکست خورد و نتوانست از می‌گساری جلوگیری کند. چرا که تنها منع قانونی و حکومتی نمی‌تواند هوی و هوس و طغیان شهوات و غرایز بشر را فرو نشانند؛ در حالی که چون تعالیم اسلام بر اساس محکم ایمان به خدا قرار دارد، چهارده قرن است با کمال آسانی و بدون دردسر و خسارت، این موضوع را حل کرده است. (از کتاب «ماذا خسرالعالم بانحطاط العالم الاسلامی»؛ ص ۸۰) ..

[۸] (۱) . سوره مائده، آیه ۸؛ البتّه نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است ..

[۹] (۱) . سوره نساء، آیه ۱۳۵؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان پدر و مادر و خویشاوندان شما] باشد.

[۱۰] (۲) . مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۲؛ روزه بگیرید تا سالم بمانید.

[۱۱] (۳) . برای آگاهی از فواید جسمی و بهداشتی روزه، ر. ک «اهمیت روزه از نظر علم روز»؛ دکتر صبور اردوبادی و کتب دیگر ..

[۱۲] (۱) . راجع به جمله شریفه «... لعلکم تتقون»، ر. ک: مقالات آتی ..

[۱۳] (۱) . راجع به جمله شریفه «شهر رمضان...»، ر. ک: مقالات آتی.

[۱۴] (۲) . مجمع البحرین، لغت سمح؛ مبعوث نشدم به گوشه‌گیری و ریاضت‌های سخت بلکه مبعوث شدم به دینی خالص و آسان ..

[۱۵] (۱) . برای بیرون رفتن جانم می‌گیرم؛ برای تاریکی قبرم می‌گیرم؛ برای تنگی لَیْدم می‌گیرم؛ برای سؤال منکر و نکیر از من، می‌گیرم؛ برای بیرون شدنم از قبر، برهنه و خوار با بار سنگین گناه بر دوشم می‌گیرم

[۱۶] (۱) . خدایا! امیدم را محقق ساز، و بیم مرا ایمن گردان؛ زیرا با بسیاری گناه به جز عفو تو امید ندارم.

[۱۷] (۲) - معبود من! آن گاه که برهانم قطع شود و زبانم از جوابت گُند گردد و در هنگام پرستش تو عقلم برود بر من رحم کن. پس ای بزرگ! امید من! مرا ناامید مکن؛ آن گاه که نیازم به تو شدید شود ..

[۱۸] (۱) - معبود من! آقای من! به عزّت و جلالت سوگند که اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی، من البتّه به عفو، تو را خواستار می‌شوم و اگر به پستی من، مرا بازخواست نمایی، البتّه من تو را به کرمات خواهان می‌گردم ..

[۱۹] (۱) . ای پذیرنده توبه! ای بزرگ نعمت! ای قدیم الإحسان! پرده پوشی نیک تو کجاست؟! گذشت با جلالت تو کجاست؟! گشایش نزدیک تو کجاست؟ فریاد رسی شتابان تو کجاست؟ رحمت با وسعت تو کجاست؟.

[۲۰] (۱) . سوره قصص، آیه ۸۳؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام خویش از آن پرهیزکاران است ..

[۲۱] (۱). مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶ ..

[۲۲] (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۷۴.

[۲۳] (۲). گواهی امیرالمؤمنین علیه السلام که به اتفاق، رئیس فصحاء و سید بلغاء است، در اعجاز و بلاغت و فصاحت و جامعیت قرآن استوارترین دلیل است بر آن که: قرآن کلام خدا و معجزه باقیه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم است و ستایش و تعظیم شخصیتی مانند آن حضرت در برابر عظمت قرآن، دلیل آن است که این کتاب در عالی‌ترین مرتبه فصاحت و بلاغت و بیان و معانی و معارف قرار دارد و دست بشر از آوردن مثل آن کوتاه است. نهج البلاغه را مطالعه کنید و ببینید علی که یکه تاز میدان سخن و معنی و حکمت و بیان است، چگونه در برابر آیات قرآن سر تعظیم فرود می‌آورد و از آن مدح و ستایش می‌نماید. و چگونه قرآن در زوایا و نهانی‌های روح او نفوذ و تجلی کرده و ممتازترین نمونه مسلمان قرآنی از گریبان او سر برون کرده و به جهانیان جمال زیبای حقیقت و تربیت قرآن را نشان می‌دهد ..

[۲۴] (۱). سوره بقره، آیه ۲۳ ..

[۲۵] (۱). جز تنی چند که ناتوانی خود را آشکارتر ساخته و ورودشان در این میدان توجه خود آنها و دیگران را به بلاغت و اعجاز قرآن بیشتر کرد.

[۲۶] (۲). سوره اسراء، آیه ۸۸؛ بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی دیگر باشند».

[۲۷] (۱). سوره بقره، آیه ۲۴: پس اگر نکرید و هرگز نمی‌توانید کرد ..

[۲۸] (۱) - المعجزه الخالده، علامه شهرستانی، ص ۱۲، مؤلف، این کتاب را به مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی قدس سرّه اهدا کرده است. مطالعه این کتاب، در عین اختصار، برای علاقه‌مندان سودمند است؛ اگر خواستی که بر همانندان خود برتری جویی در علم و ادب و فن سخن (مثل نامه‌نگاری و هر گونه خلق سخن) بر تو باد به حفظ قرآن و نهج البلاغه ..

[۲۹] (۱). همان، ص ۲۶.

[۳۰] (۲). همان، ص ۲۶.

[۳۱] (۳). همان، ص ۲۶.

[۳۲] (۴). همان، ص ۲۷.

[۳۳] (۵). همان، ص ۲۷ ..

[۳۴] (۱). همان، ص ۲۷.

[۳۵] (۲). همان، ص ۲۷.

[۳۶] (۳). الاسلام والعلم الحدیث، ص ۶۹.

[۳۷] (۴). المعجزه الخالده، ص ۲۸.

[۳۸] (۵). همان، ص ۲۹ ..

[۳۹] (۱). همان، ص ۳۰.

[۴۰] (۲). الاسلام والعلم الحدیث، ص ۶۹.

[۴۱] (۳). محمّد رسولاً نبیاً، ص ۸۹.

[۴۲] (۴). القرآن والمجتمع الحدیث، ص ۲۹ ..

[۴۳] (۱). الاسلام والعلم الحدیث، ص ۶۹.

- [۴۴] (۲). همان، ص ۷۰.
- [۴۵] (۳). مجله الوعی الاسلامی، شماره ۵۱، ص ۲۵ ..
- [۴۶] (۱). الوعی الاسلامی، شماره ۵۱، ص ۲۶ و ۲۷ و از ابیات این قصیده است:
 مَنْ ذَا يَجَاذِبُهُ الْفِخَارُ وَقَدْ حَمَىٰ أُمَّ اللِّغَاتِ وَشَرَّفَ الْعَرَبَانَا
 اِمْحَمْدُ وَالْمَجْدِ نَسَجَ رِدَائِهِ مَجَدَّتْ فِي تَعْلِيمِكَ الْاِنْسَانَا
 وَسَحَقَتْ رَأْسَ الشُّرْحِينَ وَطَثَّتْهُ وَزَرَعَتْ فِي قَلْبِ الْعَتَىٰ حَنَانَا
 وَنَشَرَتْ ذِكْرَ اللّٰهِ فِي اَمِيهِ ثَنِيَّةٍ وَنَفَّحَتْهَا الْاِيْمَانَا .
- [۴۷] (۱). بحار، ج ۳۵، ص ۱۸۴، ح ۲؛ همانا من در میان شما دو چیز گران‌سنگ باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم مادام که به آن دو تمسک جوید هرگز گمراه نخواهید شد ..
- [۴۸] (۱). کافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ هر کس قرآن را پیشاپیش خود رهبر قرار دهد، او به بهشت رهنمون می‌شود ..
- [۴۹] (۱). قرآن کتاب من است ..
- [۵۰] (۱). سوره محمد، آیه ۷؛ اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد ..
- [۵۱] (۱). این مقاله تحت عنوان (شهر رمضان ...) در مجله مسجد اعظم سال دوم، شماره دهم، ص ۲۳-۱۷ در رمضان المبارک ۱۳۸۶ هـ- ق چاپ شده است ..
- [۵۲] (۱). کافی، ج ۲، ص ۱۹ ..
- [۵۳] (۱). در این جمله که در دعاها مکرر می‌خوانیم: «ورضنی من العیش بما قسمت لی»، خدایا مرا از زندگی به آنچه روزیم کردی راضی بدار؛ تأمل فرمایید ..
- [۵۴] (۱). در بعض کشورهای اسلامی حتی ترکیه، گاه افسران ارتش و هیأت وزیران و سران کشورها در نماز جماعت شرکت می‌کنند و مثل افراد عادی در هر صف و در کنار هر شخصی که باشد، می‌ایستند و مقام خود را در این هنگام به حساب نمی‌آورند ..
- [۵۵] (۱). مقصود، روزه ماه رمضان است ..
- [۵۶] (۱). پروردگار من و پروردگار تو خدایی است که پروردگار عالمیان است.
- [۵۷] (۲). بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶، ح ۳۵، چاپ بیروت؛ و رمضان ماهای است که شما در آن به مهمانی خدا دعوت شده‌اید و در آن از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید ..
- [۵۸] (۱). وافی ج ۷، ص ۵۴؛ ممکن است باز شدن درهای بهشت و بسته شدن درهای آتش در این ماه، اشاره باشد به فراهم بودن اسباب اطاعت و عبادت و فراهم نبودن اسباب معصیت به واسطه مراسم و آداب روزه چنانچه مغلول شدن شیاطین نیز ممکن است اشاره به این معنی باشد؛ زیرا وسایل اغوا و انحراف و پیروی از شهوات در این ماه کم می‌شود و وسایل جلب توفیق زیاد می‌گردد و اگر ظاهر حدیث هم مراد باشد، اشکالی ندارد.
- [۵۹] (۲). کتب ادعیه؛ خدایا هلال ماه مبارک را بر من بنمایان، با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و درجه عالی عافیت و دفع بیماری‌ها و کمک بر نماز و شب‌زنده‌داری و تلاوت قرآن، خدایا ما را برای ماه رمضان سالم بدار و آن را از شر ماه سالم بدار و ما را در آن سالم بدار تا ماه رمضان تمام شود در حالی که ما را عفو کردی و ما را مشمول غفرت و رحمت خود کردی ..
- [۶۰] (۱). سوره الرحمن، آیه ۳۳؛ ای گروه جنیان و انسیان، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. [ولی جز با] به دست آوردن تسلطی رخنه نمی‌کنید.

- [۶۱] (۲). سوره نحل، آیه ۱۲؛ و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید، و ستارگان به فرمان او مسخر شده‌اند. مسلماً در این امور [برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌هاست ..
- [۶۲] (۱). سوره لقمان، آیه ۲۰؛ آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟
- [۶۳] (۲). سوره جاثیه، آیه ۱۳؛ و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست. قطعاً در این امر [برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است ..
- [۶۴] (۱). سوره آل عمران، آیه ۸۵؛ و هر که جز اسلام، دین دیگر [جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است ..
- [۶۵] (۱). مفاتیح الجنان؛ راضیم به خدای متعال از این جهت که پروردگار من باشد، حضرت محمد نبی، اسلام دینم، قرآن کتابم، کعبه قبله‌ام، امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش پیشوایان من باشند ..
- [۶۶] (۱) سوره توبه، آیه ۷۵؛ و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد.
- [۶۷] (۲). تفسیر مجمع البیان.
- [۶۸] (۳). سوره بقره، آیه ۲۴۵؛ کیست آن کسی که به بندگان خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بيفزاید؟ و خداست که در معیشت بندگان تنگی و گشایش پدید می‌آورد؛ و به سوی او باز گردانده می‌شوید.
- [۶۹] (۴). مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۲ ..
- [۷۰] (۱). تفسیر مجمع البیان ..
- [۷۱] (۱). سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.
- [۷۲] (۲). سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۸ ..
- [۷۳] (۱). نظم در السمطین، ص ۱۹۰ و ۱۹۱ ..
- [۷۴] (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۹؛ در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است ..
- [۷۵] (۱). سوره بقره، آیه ۲؛ این است کتابی که در [حقانیت آن هیچ تردیدی نیست؛] و [مايه هدايت تقوا پیشگان است.
- [۷۶] (۲). سوره طلاق، آیات ۲ و ۳؛ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند ..
- [۷۷] (۱). سوره طلاق، آیه ۴؛ و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد.
- [۷۸] (۲). سوره انفال، آیه ۲۹؛ اگر از خدا بپرهیزید برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد ..
- [۷۹] (۱). سوره بقره، آیه ۱۸۵؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد ..
- [۸۰] (۱). سوره ۳۰، آیه ۳۰؛ پس روی خود را، با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است ..
- [۸۱] (۱). سوره ۲۲، آیه ۷۸؛ و در دین بر شما سختی قرار نداده است.
- [۸۲] (۲). سوره ۴، آیه ۲۸؛ خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک کند.
- [۸۳] (۳). سوره ۶، آیه ۱۱۹؛ جز آنچه بدان ناچار شده‌اید.
- [۸۴] (۴). سوره ۳، آیه ۲۸؛ مگر اینکه از آنان به نوعی تقيه کنید.

- [۱۸۵] (۵). سوره ۲، آیه ۱۸۵؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.
- [۱۸۶] (۶). سوره ۵، آیه ۶. خدا نمی‌خواهد برای شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس او [بدارید].
- [۱۸۷] (۷). سوره ۲، آیه ۲۸۶؛ خدا هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.
- [۱۸۸] (۸). سوره ۶۵، آیه ۷؛ خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند ..
- [۱۸۹] (۱). بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷۶.
- [۹۰] (۲). همان، ج ۷۷، ص ۱۵۵؛ از امت من نه چیز برداشته شده ...
- [۹۱] (۳). غوالی الثالی، ج ۱، ص ۲۸۱؛ آسان بگیرید و سخت نگیرید و ...
- [۹۲] (۴). وافی، ح ۶، ص ۶۹؛ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۳۶؛ مبعوث شدم به دین خالص آسان ..
- [۹۳] (۱). پس شقی و بدبخت کسی است که در این ماه با عظمت (ماه رمضان) از غفران و بخشش الهی محروم شود.
- [۹۴] (۲). وافی، ج ۷، ص ۴۱ ..
- [۹۵] (۱). سوره بقره، آیه ۷؛ خداوند بر دل‌های آنان، و بر شنوایی ایشان مهر نهاده؛ و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است.
- [۹۶] (۲). سوره اعراف، آیه ۲۰۱؛ در حقیقت، کسانی که از خدا [پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به ایشان رسد] خدا را [به یاد آورند و بناگاه بینا شوند] ..
- [۹۷] (۱). امالی طوسی، ص ۵۲۷؛ همانا مؤمن گناهِش را همانند سنگ و صخره‌ای می‌بیند که ترس از آن دارد که بر روی او فرود آید.
- [۹۸] (۲). نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۸، کلمه ۲۵۳؛ و روزه امتحانی است برای بخشش اخلاص خلق ..
- [۹۹] (۱). المحجّه البیضاء، ج ۲، ص ۱۲۲. و وافی، ج ۳، ص ۲۰، باب: حدود الایمان والاسلام و دعائمها ..
- [۱۰۰] (۱). خدایا! از تو درخواست می‌کنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد.
- [۱۰۱] (۲). از دعای ابی حمزه: معبود من! اگر مرا در قیود در بند کنی، و در بین گواهان عطایت را از من بازگیری؛ و چشم‌های بندگان را بر رسوایی‌های من دلالت دهی؛ و فرمان دهی مرا به سوی آتش برند، و میان من و نیکان حایل شوی، امیدم را از تو نمی‌گیرم و آرزویم را از عفو تو بر نمی‌گردانم. و دوستی تو از دلم بیرون نمی‌رود. من نعمت‌های تو را- که در نزد خود دارم- فراموش نمی‌کنم ..
- [۱۰۲] (۱). دعای ماه مبارک رمضان؛ خدایا! بر اهل قبول شادی و سرور عطا کن، خدایا هر نیازمندی را بی‌نیاز کن خدایا هر گرسنه‌ای را سیر کن ..
- [۱۰۳] (۱). تفسیر التبیان، ج ۱، ص ۳۳۲.
- [۱۰۴] (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۳۹؛ و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید ..
- [۱۰۵] (۱). نهج البلاغه، ص ۲۶۱، ج ۳، کلمه ۴۵۶ ..
- [۱۰۶] (۱). سوره اعراف، آیه ۱۵۷؛ و از [دوش آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد] ..
- [۱۰۷] (۱). سوره نحل، آیه ۳۶؛ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم تا بگوید: «خدا را بپرستید و از طاغوت / فریبگو [بپرهیزید].»
- [۱۰۸] (۲). سوره قصص، آیه ۸۳؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام خوش از آن پرهیزکاران است ..

[۱۰۹] (۱). سوره بقره، آیات ۲۱ و ۲۲؛ ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید؛ باشد که به تقوا گرایید.

همان خدایی که زمین را برای شما فرشی گسترده، و آسمان را بنایی افراشته قرار داد؛ و از آسمان آبی فرود آورد؛ و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید ..

[۱۱۰] (۱). سوره بقره، آیه ۴۵ ..

[۱۱۱] (۱). وافی، ج ۷، ص ۶، ب ۲.

[۱۱۲] (۲). همان ..

[۱۱۳] (۱). سوره فرقان، آیه ۴۳؛ سوره جاثیه، آیه ۲۳؛ آیا آن کس که هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟.

[۱۱۴] (۱). از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام و در یکی از خطبه‌هایی که شایسته است هر شیعه آزادی‌خواه آن را حفظ داشته باشد: «وَأَنَّ مِنْ اسْخَفِ حَالَاتِ الْوَلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَيُوضَعُ امْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ وَقَدْ كَرِهَتْ أَنْ يَكُونَ جَالٌ فِي ظَنِّكُمْ أَنِّي أَحِبُّ الْأَطْرَاءَ وَاسْتِمَاعَ الثَّنَاءِ وَلَسْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ كَذَلِكَ (الی ان قال) فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ وَلَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يُتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ (الی ان قال) فَأَنَّمَا أَنَا وَأَنْتُمْ عَبِيدُ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَا رَبَّ غَيْرَهُ»؛ همانا از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش‌اند و کشورداری آنان در بر کبر و خودپسندی استوار باشد و خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می‌باشم و سپاس خدای را که چنین نبودم (تا آنجا که فرمود) پس با من چنان کمه با پادشان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنانکه از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری بجویند (تا آنجا که فرمود) پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

[۱۱۵] (۲). سوره بینه، آیه ۵؛ و فرمان نیافته بودند جز این که خدا را بپرستند، و در حالی که به توحید گراییده‌اند ..

[۱۱۶] (۱). وافی، ج ۷، ص ۵، ب ۱؛ روزه برای من است و من جزای او هستم.

[۱۱۷] (۲). از گنج دانش مرحوم آیت‌الله والد قدس سره ..

[۱۱۸] (۱). وافی، ج ۷، ص ۳۳، ب ۳۴.

[۱۱۹] (۲). کافی، ج ۳، ص ۸۸ ..

[۱۲۰] (۱). سوره غافر، آیه ۶۰؛ و پروردگارتان فرمود: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند ..

[۱۲۱] (۱). سوره انعام، آیه ۴۰ و ۴۱؛ بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا شما را در رسد یا رستخیز شما را دریابد، اگر راست گویند، کسی غیر از خدا را می‌خوانید؟» [نه، بلکه تنها او را می‌خوانید، و اگر او بخواهد رنج و بلا را از شما دور می‌گرداند، و آنچه را شریک او] می‌گردانید فراموش می‌کنید.

[۱۲۲] (۲). از مرحوم آیت‌الله والد قدس سره نویسنده گنج دانش ..

[۱۲۳] (۱). اشاره به آیه کریمه: ﴿أَمْ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾. E.

[۱۲۴] (۱). نفس المهموم، ص ۱۲۷ ..

[۱۲۵] (۱). سوره فصلت، آیه ۵۱؛ و چون انسان را نعمت بخشیم، روی برتابد و خود را کنار کشد، و چون آسیبی بدو رسد دست به دعای فراوان بردارد ..

[۱۲۶] (۱). حدیث نبوی؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰.

[۱۲۷] (۲). کافی، ج ۲، ص ۴۶۸ ..

- [۱۲۸] (۱). شرح نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۷۲، کتاب ۴۵؛ به خدا سوگند اگر عرب پشت در پشت هم دهند بر کشتن من، پشت بر آنها نمی‌کنم.
- [۱۲۹] (۲). فرصت همچون ابر می‌گذرد.
- [۱۳۰] (۳). سوره غافر، آیه ۶۰؛ در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ در می‌آیند.
- [۱۳۱] (۴). سوره نور، آیه ۳۱؛ ای مؤمنان، همگی از مرد و زن به درگاه خداوند توبه کنید، امید که رستگار شوید ..
- [۱۳۲] (۱). موریس در کنار جزیره رثونون در اقیانوس هند قرار گرفته است.
- [۱۳۳] (۲). روزنامه کیهان، ش ۷۸۴۳، ۲۰ شهریور ۱۳۴۸، ص ۹ ..
- [۱۳۴] (۱). غررالاحکم، ج ۳، ص ۴۰۲.
- [۱۳۵] (۲). سنایی غزنوی در این باره می‌سراید:
- به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا [۱۳۶] (۳). توحید صدوق، ص ۴۰۸؛ هر کس از گناه انجام داده، پشیمان نشود مؤمن نیست ..
- [۱۳۷] (۱). کافی، ج ۲، ص ۴۲۶؛ و برای توبه، پشیمانی از گناه کفایت می‌کند.
- [۱۳۸] (۲). سوره زمر، آیه ۵۳؛ بگو: ای بندگان من - که بر خویشان زیاده‌روی داشته‌اید - از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.
- [۱۳۹] (۳). طریق الی الله، ص ۱۷۳ و ۱۷۲ ..
- [۱۴۰] (۱). سوره النساء، آیه ۱۱۰.
- [۱۴۱] (۲). سوره الانعام، آیه ۵۴.
- [۱۴۲] (۳). بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶ ..
- [۱۴۳] (۱). بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۷۲؛ و همانا قصدکننده به سوی تو راهش نزدیک است ..
- [۱۴۴] (۱). مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه؛ آقای من! من از تو می‌خواهم آنچه سزاوارم نیستم و تو اهل تقوا و اهل آمرزشی، بیمارم مرا و جامه عفوت را بر من بپوشان به طوری که فرا گیرد پیکرها را و بیمارم آنها را برایم و به دنبال آنه نروم زیرا تو صاحب منت دیرینه‌ای و صاحب گذشت بزرگ و کرامتی.
- [۱۴۵] (۲). سوره قدر، آیه ۱؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.
- [۱۴۶] (۳). سوره دخان، آیه ۳؛ [که ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم ..
- [۱۴۷] (۱). دعای فرج امام زمان علیه السلام ..
- [۱۴۸] (۱). سوره فاطر، آیه ۳۲؛ سپس این کتاب را به آن بندگان خود که آنان را [برگزیده بودیم، به میراث دادیم ..
- [۱۴۹] (۱). سوره آل عمران، آیه ۶۴؛ بیاید بر سر سخنی که میان من و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرید ..
- [۱۵۰] (۱). سوره الحجرات، آیه ۱۳؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شما است ..
- [۱۵۱] (۱). سوره النحل، آیه ۹۰؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید.
- [۱۵۲] (۲). سوره الطلاق، آیه ۳؛ و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.

[۱۵۳] (۳). سوره غافر، آیه ۴۴؛ و کارم را به خدا می‌سپارم؛ خداست که به حال بندگان خود [بیناست].

[۱۵۴] (۴). سوره بقره، آیه ۲۱۶؛ و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید ..

[۱۵۵] (۱). سوره توبه، آیه ۵۱؛ بگو: «جز آنچه خدا برای مال مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد. او سرپرست ماست.

[۱۵۶] (۲). سوره انشراح، آیه ۵ و ۶؛ پس بدان با دشواری، آسانی است. آری، با دشواری، آسانی است ..

[۱۵۷] (۱). حدیث نبوی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۳۴.

[۱۵۸] (۲). عیون اخبار الرضا، ج ۱، ب ۲۲، ص ۲۲۶؛ ایمان شناخت و معرفت به واسطه قلب و اقرار به زبان و عمل با اعضا و ارکان (بدن) است.

[۱۵۹] (۳). سوره الانفال، آیه ۲؛ مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند ..

[۱۶۰] (۱). سوره النساء، آیه ۶۵؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مورد اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی و تردید [نکنند، و کاملاً سر تعظیم فرود آورند.

[۱۶۱] (۲). سوره مائده، آیه ۴۴؛ و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده دآوری نکرده‌اند، آنان خود کافرند ..

[۱۶۲] (۱). سوره احزاب، آیه ۲۱؛ قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد ..

[۱۶۳] (۱). سعدی.

[۱۶۴] (۲). کافی، ج ۱، ص ۳۲؛ هنگامی که خداوند بخواهد به بنده‌اش خیر برساند او را در دین فقیه می‌کند و رشد و شکوفایی‌اش را به او الهام می‌کند..

[۱۶۵] (۱). خدایا! به ما در ماه رمضان توفیق عمل به اسلام عطا فرما؛ و روزه و قیام در این ماه روزیمان فرما و ما را به راه مستقیم خودت هدایت فرما؛ به حق محمد و آل پاک و طاهرش که درود و صلوات تو بر ایشان باد ..

[۱۶۶] (۱). می‌خواهم از تو به حق این روز (عید فطر) که آن روزی که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی ..

[۱۶۷] (۱). بحار الانوار، ج ۱۹، ح ۱۸۲؛ آفرین به قومی که جهاد اصغر را انجام دادند و بر آنها جهاد اکبر باقی ماند ..

[۱۶۸] (۱). بدتر از مسیحی‌ها، مسلمان‌نماهایی هستند که در این مراسم کثیف و آلوده شرکت می‌کنند و استقلال اسلامی و ملی خود را بر باد می‌دهند. مانند زمان قبل از انقلاب که برخی از مسلمانان، در کاباره‌های متعدد نام نویسی می‌کردند و زن و بچه خود را در این مجالس فساد می‌بردند. عجیب‌تر این که در جراید آن زمان نوشتند: بسیاری از مسیحی‌ها از شرکت در مجالس عمومی این مراسم خودداری کردند و ایرانیان مسلمان بیشتر در این مجالس آلوده شرکت داشتند.

آیا این است معنی استقلال و تجدد؟ و آیا این است زندگی شرافتمندانه؟! آیا این کارها است که سبب پیشرفت یک ملت و رشد مملکت می‌شود؟ آیا اگر دیگران هر کار غلط و زشتی داشته باشند، ما نیز باید از آن تقلید کنیم و آن را ترویج نماییم؟

[۱۶۹] (۱). این تصوّر اشتباه پدید نیاید که ما می‌خواهیم از بزرگداشت حقّ مادر یا عنوان‌های مقدّس و محترم دیگر- که در یک روز سال انجام می‌شود- انتقاد کنیم؛ چون به این مقدار هم اگر با حقیقت توأم باشد تا حدّی حق‌شناسی خداپسندانه است؛ بلکه قصد ما طرح این نکته است که اگر باید مثلاً حقّ مادر محترم شناخته شود و مقام معلّم مورد تعظیم واقع گردد، چرا به تعالیم عالیّه اسلام و قرآن مجید تکیه نکنیم و چرا از عواطف اسلامی جامعه- که هنوز هم بحمدالله در دل‌ها باقی است- استفاده نمی‌نماییم و

چرا وضع تعلیم و تربیت را طوری قرار داده‌ایم که التزامات اخلاقی و دینی و وجدانی سست شده، تا آن جا که حقّ مادران هم فراموش شود. بیایید اهل حقیقت باشیم و به راستی و از کُنه باطن، رضایت پدر و مادر را بخواهیم ..

[۱۷۰] (۱). و درآور این روز مرا در هر چیزی که محمد و آل او را داخل کردی و اینکه بیرون کنی مرا از هر بوی که محمد و آل او را از آل خارج ساختی ..

[۱۷۱] (۱). ص ۱۳۶.

[۱۷۲] (۲). پرسید یا امیر المؤمنین! آیا در روز عید نان خشک می خوری؟

[۱۷۳] (۳). نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۰ ..

[۱۷۴] (۱). مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۵۴ ..

[۱۷۵] (۱). اشعار از نگارنده ..

[۱۷۶] (۱). اشعار از نگارنده.